www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.ir

اسناد برگزیده

دوران قاجاریه

ابراهیم صفائی

بسم الله الرحمن الرحیم

اسناد برگزیده از: سپهسالار - ظل‌السلطان - دبیرالملک دوران قاجاریه

نویسنده:

ابراهیم صفائی

ناشر چاپي:

بابك

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌اي قائمیه اصفهان

فهرست

فهرست ----- ۵

اسناد برگزیده از: سپهسالار - ظل السلطان - دبیرالملک دوران قاجاریه ----- ۸

مشخصات کتاب ----- ۸

مقدمه ----- ۸

فهرست نوشته ها و سندهای این کتاب ----- ۱۲

اسناد سپهسالار ----- ۱۶

سپهسالار ----- ۱۸

سند یکم ----- ۱۹

سند دوم ----- ۲۱

سند سوم ----- ۲۲

سند چهارم ----- ۲۳

سند پنجم ----- ۲۷

سند ششم ----- ۲۹

سند هفتم ----- ۳۱

سند هشتم ----- ۳۴

سند نهم ----- ۳۵

سند دهم ----- ۳۶

سند یازدهم ----- ۳۸

سند دوازدهم ----- ۴۰

سند سیزدهم ----- ۴۲

سندچهاردهم ----- ۴۵

ظل السلطان ----- ۵۰

سند یکم ----- ۵۳

سند دوم ----- ۶۰

سند سوم ---- ۶۷
سند چهارم ---- ۸۳
سند پنجم ---- ۸۶
سند ششم ---- ۹۰
سند هفتم ---- ۹۳
سند هشتم ---- ۹۵
سند نهم ---- ۹۹
سند دهم ---- ۱۰۲
سند یازدهم ---- ۱۰۶
سند دوازدهم ---- ۱۰۹
سند سیزدهم ---- ۱۱۳
سند چهاردهم ---- ۱۱۵
سند پانزدهم ---- ۱۱۹
سند شانزدهم ---- ۱۲۱
سند هفدهم ---- ۱۳۲
سند هجدهم ---- ۱۳۶
سند نوزدهم ---- ۱۳۸
سند بیستم ---- ۱۴۱
اسناد و دبیر الملک ---- ۱۴۴
دبیر الملک ---- ۱۴۶
سند یکم ---- ۱۴۷
سند دوم ---- ۱۵۱
سند سوم ---- ۱۵۴
سند چهارم ---- ۱۵۶
سند پنجم ---- ۱۵۸
سند ششم ---- ۱۶۰

سند هفتم ---------- ۱۶۲

فهرست نام ها و لقب ها ---------- ۱۶۴

تصحیح اغلاط ---------- ۱۷۹

درباره مرکز ---------- ۱۸۰

اسناد برگزیده از: سپهسالار - ظل السلطان - دبیرالملک دوران قاجاریه

مشخصات کتاب

سرشناسه : صفائی، ابراهیم، 1292-1386.

عنوان و نام پدیدآور : اسناد برگزیده از: سپهسالار - ظل السلطان - دبیرالملک/ گردآوری و پژوهش از ابراهیم صفائی.

مشخصات نشر : تهران: بابک، 1355.

مشخصات ظاهری : [158]ص.: مصور، نمونه.

شابک : 250 ریال

وضعیت فهرست نویسی : برون سپاری.

یادداشت : چاپ دیگر: انجمن تاریخ، [1350].

یادداشت : عنوان روی جلد: اسناد برگزیده دوران قاجاریه.

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد : اسناد برگزیده دوران قاجاریه.

موضوع : ایران -- تاریخ -- قاجاریان، 1193 - 1344ق. -- اسناد و مدارک

رده بندی کنگره : DSR1310/ص7الف46 1355

رده بندی دیویی : 955/0742747

شماره کتابشناسی ملی : 35596

اطلاعات رکورد کتابشناسی : رکورد کامل

خیراندیش دیجیتالی: انجمن مددکاری امام زمان (عج) اصفهان

ویراستار کتاب: خانم مرضیه امیدی

ص: 1

مقدمه

عكس

ص: 2

بیاری خدا در این عصری که بتاریخ مملکت توجه خاص مبذول می گردد هفتمین کتاب مجموعه اسناد سیاسی را منتشر می کنم.

تاریخ قاجاریه بخصوص از دوران ناصرالدین شاه تا بعد از مشروطه بواسطه ی اصطکاك منافع کشورهای استعماری و برخورد شدید با تحریکات سیاست خارجی سرشار از شایعات و اغراض می باشد و برای تنظیم یك تاریخ درست و مطمئن با (آن که مآخذ بسیار از قبیل مطبوعات و کتاب های تاریخی و سفر نامه های خارجیان و خاطرات رجال در دست هست)ولی هیچ ماخذی همانند اسناد سیاسی محل اعتماد و دارای اعتبار نمی باشد و روشن گر حقایق واقع نمی شود، بهمین ملاحظه است که برخی از دولت های بزرگ هر چندگاه یك بار اسناد سیاسی کشور خود را بوسیله ی سازمان های اسناد ملی یا وزارت خارجه برای استفاده و تحقیق تاریخ نگاران منتشر می کنند و در دسترس همگان می گذارند تا داوری تاریخ بر میزان حقیقت و عدالت باشد نه بر اساس شایعات و اغراض .. این کار بزرگ در کشور ما نیز شدنی بود ولی وزارت خارجه یا دیگر سازمان های رسمی کمتر در این اندیشه بوده اند و برای اشخاص هم گذاردن وقت در تهیه ی اسناد و چاپ و انتشار آن با همه دشواری هایی که دارد مستلزم صرف وقت و کوشش و تلاش پی گیر و تحمل خسارت و زحمت فراوان است از این رو کسی در این راه گام ننهاده چون از لحاظ مادی جز زحمت و زیان و پذیرش دشواری ها و کارشکنی های گوناگون حاصل دیگر ندارد و به ارزش این معنوی این خدمت هم کمتر توجه می شود با این حال شوق باطنی و عشق

خدمت بتاریخ کشور و توفیق الهی از سال های پیش مرا بر آن داشت که در طریق تحصیل و انتشار اسناد کوشا باشم بدین منظور سال ها وقت و نیروی خود را در این راه بکار بستیم و خسارات مادی و دشواری های بسیار را گردن نهادم و با انتشار کتاب های اسناد سیاسی دوران قاجاریه -اسناد مشروطه -نامه های تاریخی -گزارش های سیاسی علاء الملک -اسناد نویافته - برگ های تاریخ -راهی تازه و مطمئن برای تحقیق در تاریخ قرن گذشته و دوران اخیر ایران گشودم ،گر چه نیرو و توان خود را بر اثر هفت سال تلاش و کوشش و تحقیق و تحریر و چاپ و تصحیح متوالی از دست دادم و زیان های مالی هم بر دوش ناتوانم سنگینی کرده و می کند ولی خرسندم که این کتاب ها در داخل و خارج ایران طرف توجه و حتی مورد استناد پژوهند گان تاریخ و ایران شناسان قرار گرفته است.

اینك هم هفتمین کتاب اسناد سیاسی را بنام «اسناد برگزیده »حاوی نامه های مهم و جالب از سپهسالار- ظل السلطان -دبیر الملك - تقدیم پیشگاه تاریخ و تاریخ نگاران می دارم و باز هم در این راه از پای نخواهم نشست و امیدوار به ادامه ی این خدمت هستم . (1)

ابراهیم صفائی

1- بیشتر اسناد سپهسالار متعلق به کتابخانه مجلس و استاد ظل السلطان متعلق به آقای اصغر مسعود و چند سند از سپهسالار و اسناد دبیر الملك متعلق به مؤلف کتاب می باشد ،گراور برخی از اسناد سپهسالار بواسطه ی کم رنگی یا تیرگی کاغذ و فرسودگی سند میسر نشد ولی اصل آن اسناد در کتابخانه مجلس موجود است.

فهرست نوشته ها و سندهای این کتاب

1 –صفحه 3 ...دیباچه

2– " 5...اسناد سپهسالار

3– " 7...زندگی نامه "

4– " 8 ... سند یکم "

5–" 10... سند دوم "

6 –" 11...سند سوم "

7–" 12 ...سند چهارم "

8–" 16 ...سند پنجم "

9–" 18...سند ششم "

10–" 20 ...سند هفتم "

11– " 23...سند هشتم "

12– " 24...سند نهم "

13– " 25 ...سند دهم "

14– " 27...سند یازدهم "

15– " 29...سند دوازدهم "

16– " 31...سند سیزدهم "

17– "34...سند چهاردهم "

18– " 36...اسناد ظل السلطان

19– " 38...زندگی نامه ظل السلطان

20– " 42...سند یکم ظل السلطان

21- " 29... سند دوم "

22- " 55...سند سوم "

23- " 71...سند چهارم "

24- " 74...سند پنجم "

25- " 78....سند ششم "

26- " 81...سند هفتم "

27- " 82...سنده هشتم "

ص: 3

28- " 85...سند نهم "

29- " 89...سنددهم "

30- " 93...سند یازدهم "

31- " 96...سند دوازدهم "

32- " 100...سند سیزدهم "

33- " 102...سند چهاردهم "

34-" 106...سند پانزدهم "

35- " 108...سند شانزدهم "

36- " 119... سند هفدهم "

37- "123... سند هجدهم"

38- " 125...سند نوزدهم"

39-" 128...سند بیستم "

40- " 131....اسناد دبیر الملك

41- "133 ...زندگی نامه دبیر الملك

42- " 134...سند یکم "

43- " 138...سند دوم "

44- " 141...سند سوم "

45- " 143...سند چهارم "

46- " 145...سند پنجم "

47- " 147...سند ششم "

48- " 149...سند هفتم "

49- " 152...فهرست نام ها و لقب ها

50- " 158...غلطنامه

51- "159-160...فهرست سند ها و نوشته های کتاب

پایان

اسناد سپهسالار

ص: 5

عکس

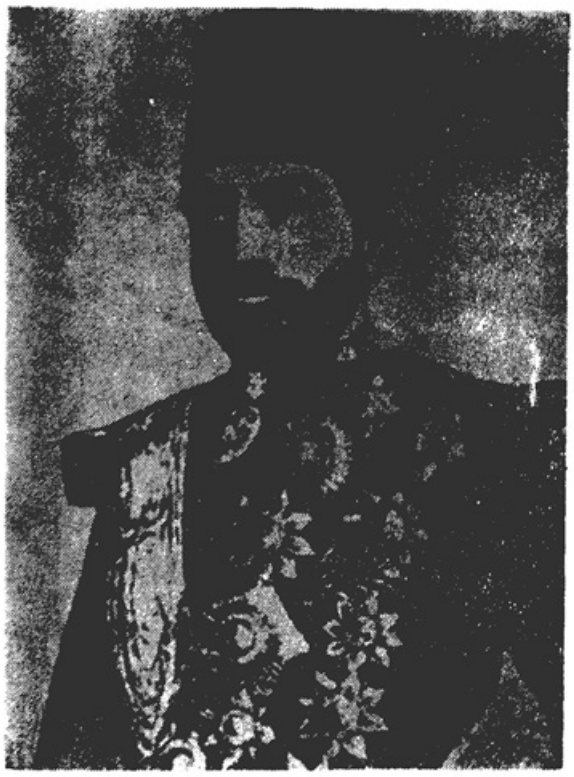

میرزا حسینخان سپهسالار

میرزا حسین خان سپهسالار

ص: 6

سپهسالار

زنـدگی نـامه میرزا حسـین خـان سـپهسالار قزوینی را در دیباچه ی کتاب برگ های تاریـخ نوشـته ام و اینك هم به کوتاهی به معرفی او می پردازم.

میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی فرزند میرزا نبی خان امیر دیوان متولد سال 1243ق خدمات دولتی را در وزارت خارجه آغاز کرد.در 1271 سر کنسول ایران در تفلیس و در 1275 وزیر مختار ایران در دربار عثمانی شد و لقب مشیر الدوله گرفت و در 1285 بمقام سفارت کبری ارتقاء جست و برای ایران و ایرانیان در دربار عثمانی آبرو و حیثیتی تحصیل کرد. در 1787 بوزارت عدلیه و وظائف و اوقاف منصوب گردید و در سال 1288 ق بصدارت ایران رسید و در قحطی معروف همان سال در نجات مردم قحطی زده خدمات ارزنده نمود .

در 1289 قرارداد استفاده از منابع زیرزمینی و تأسیس بالك وراه آهن را با ژولیوس –رویتر تبعه دولت انگلیس بست و همین قرار داد (که با حسن نیت بسته شده بود) او را بجانبداری از انگلیس ها متهم کرد و چندی موجب برکناری او شد در 1290 و 1295ق ناصر الدین شاه را به سفر فرنگستان تشویق کرد و خود در این دو سفر در میان همراهان شاه شخص اول بود .

سازمان های جدیـد اداری و توسـعه ی تشـکیلات عـدلیه و تنظیم قانون وظائف وزارت خانه ها و تأسـیس قراسوران از آثار اوست ،وی از رجال روشن فکر و متجـدد و مؤثر زمان قاجاریه است سال ها تصـدی وزارت جنگ و وزارت خارجه را بعهـده داشت و در آن دو وزارت خانه اصلاحات بسیار نمود .

در 1297 به حکومت قزوین منصوب گردید و در همان سال فتنه شیخ عبید الله با کوشش او دفع شد. در سال 1298 پس از سفر به روسیه برای تهنیت جلوس الکسانـدر سوم به فرمان فرمائی کل خراسان و سیسـتان و نیابت تولیت آسـتان قـدس رضوی منصوب شد و در ذیحجه همان سال در مشهد در گذشت .

مسجد و مدرسه ی سپهسالار و کتابخانه ی ارزنده ی آن و باغ و عمارت بهارستان از آثار اوست.

ص: 7

سند یکم

گزارش سپهسالار درباره ی تنظیم قرارداد ایجاد راه آهن جلفا – تبریز–طهران بوسیله جنرال فالکن هاگن (1291ق)

قربان خاک های جواهر آسای اقدس همایون مبارکت شوم – الآن وزیر مختار روس نزد این غلام خانه زاد بود ،قرار نامه ی راه آهن ساعت قبل فیما بین جنرال فالکن ها کن (1) و وزیر فوائد عامه (2) امضاء و مبادله شده است و می خواهند مهر و امضای حسنعلی خان را وزارت امور خارجه تصدیق کند و مهر نماید .

فرمایشاتی که پریروز در دست خط مبارك شرف صدور یافته بود که از قول خود بمشارالیه گفته اطمینان بدهد ،جمیعاً را گفتم و کاغذ وزیر مختار انگلیس را هم که مقرر فرموده بودند بمشارالیه نشان بدهم اطاعت کردم و جواب را هم ارائه نمودم ،از جواب خیلی ممنون و خوشحال شد و مجلس بمودت و خصوصیت زیاد ختم گردید ، مراتب بجهة استحضار خاطر خطیر انور همایونی روحنا فداه عرض شد .

الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع – غلام خانه زاد – حسین

ناصر الدین شاه در بالای گزارش نوشته است: جناب مشیر الدوله وزارت خارجه قرار نامه را باید البته معتبر بداند حالاکه با تمام رسیده است ناقص نماند

---

1 – Vofalken Hagen افسر عالی رتبه مهندسی ارتش روسیه تزاری از سهامداران کمپانی راه آهن گرجستان در سال 1291 ق با وساطت وزیر مختار روسیه امتیاز راه آهن جلفا – تبریز – طهران را بدست آورد ولی اعتراض و مخالفت صریح انگلیس ها مانع اجرای آن شد.

2– حسن علی خان امیر نظام گروسی توضیح – سندی هم درباره این قرار داد و مخالفت انگلیس ها و تلگراف لرد دربی (Lord Derby) وزیر خارجه انگلیس در کتاب اسناد نویافته پیش از این منتشر ساخته ام

عکس

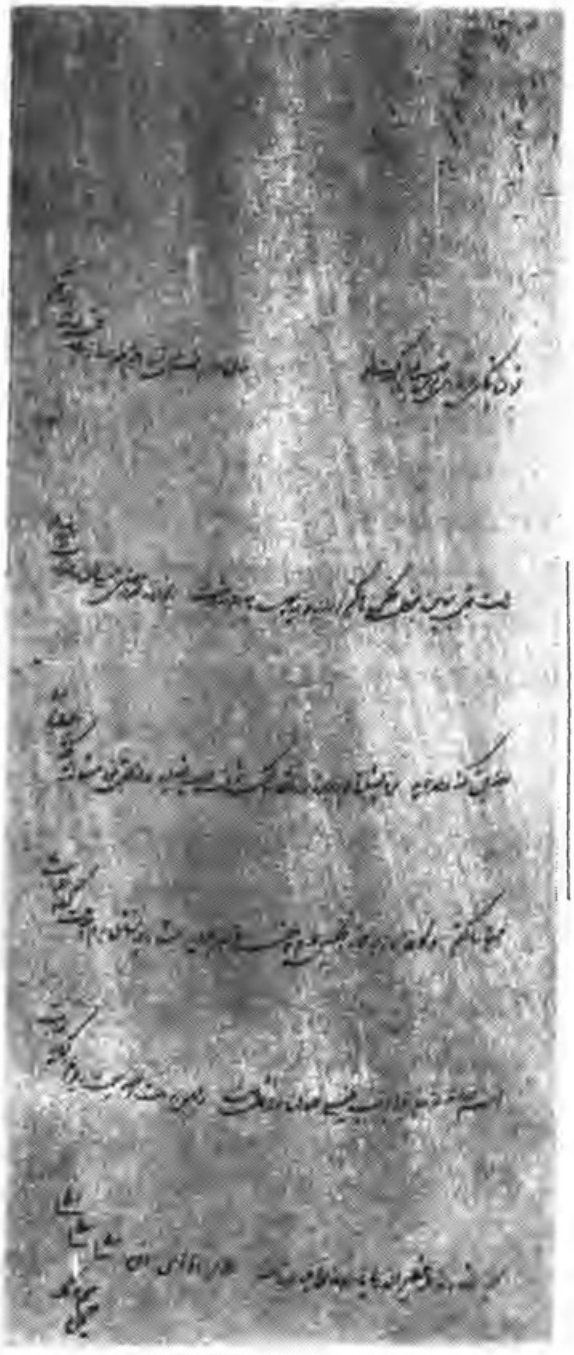

گزارش سپهسالار به ناصرالدین شاه

گزارش سپهسالار به ناصرالدین شاه

ص: 9

سند دوم

گزارش سپهسالار درباره ی نقشه ی مرز ایران و عثماتی که در عثمانی چاپ شده است (1291ق).

قربان خاکپای جواهر آسای اقدس همایونت شوم – علامت خریطه ی منحوسه که در عثمانی طبع شده بنحوی بود که ذات اقدس همایونی روحنا فـداه مقرر فرموده بودیـد ،اگر چه این گونه نقشه ها بهیچ وجه طرف اعتنا نمی تواند شد معذلك محض اطاعت امر همایونی فردا هم صورت تقریری که باید در روزنامه طبع بشود و هم سواد کاغذی که بسفارت عثمانی باید فرستاده شود هر دو را حاضر کرده بحضور مبارك مي فرسـتد ،چون امشب را به طوری که به خـاک پـای همایون عرضه داشت در منزل جناب علاء الـدوله (1) بـا شاهزاد گان مهمان بود و بعضی مذاکرات می نمود نتوانست این چند فقره را حاضر نماید تا فردا انشاء الله تعالی حاضر شده از عرض حضور مبارك خواهد گذشت.

الامر الاقدس الاعلی – غلام خانه زاد – حسین .

شاه بالای گزارش سپهسالار نوشته است: جناب سپهسالار اعظم هم کاغذ رسمی هم در روزنامه دولتی باید نوشت و این فقره را توی دهن شان زدن بسیار بسیار لازم است .

1- محمد رحیم خان قاجار مسئول در بار

سند سوم

گزارشی است برای معرفی نماینده ایران در مجلس دانشمندان علوم شرقی در پترزبورك (1292ق)

روزنـامه ی وزارت امور خـارجه –از سـفارت دولت روس در ضـمن کاغـذ رسـمی که لفا از عرض خاکپای مرحمت پیرای مبارك اقـدس همایون ملوکانه روحنا فـداه می گـذرد اظهار نموده انـد که در دو سال قبل اجتماع علمای شـرقیه علوم در مجلس منعقـده در لنـدن شده و امسال در بطرز بورغ در محل مخصوص خواهـد شـد و مجلس مزبور از غره ی سـپتامبر تادهم ماه مزبور امتداد خواهد داشت و فهرسـت اشخاصـی که از جانب دول سایره در آن مجلس حاضـر خواهنـد شـد و صورت مشـروح مجلس مزبور را نیز فرسـتاده اند که لفاً از لحاظ اقـدس خسـروانه می گـذرد خواهش کرده انـد که اگر دولت علیه ایران هم مایـل دخول در آن مجمع باشـد و کسـی برای آن مجلس معین فرمایـد که تاماه سـپتامبر هم زیاده از دو ماه نمانـده است دیروز هم شارژ دافر روس به ملاقات این غلام خانه زاد آمـده و به ملاحظه بعـدم وسعت وقت اصرار داشت که هر اقدامی در این باب خواهد شد زودتر بشود.

به هر طور رأی آفتـاب ضـیای مبـارك اقتضا فرمایـد امر قـدر قـدر مطاع مبارك شـر فصـدور خواهـد یافت که انقرار اطاعت و امتثال شود– معروضه ی 2 شهر جمادی الاخر 1292 – الأمر الأقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع – غلام خانه زاد –حسین.

شاه در بالای را پرت سـپهسالار نوشته است: به میرزا عبد العظیم خان تلگراف کنید نه در پطر از اجزای سفارت یا کسی دیگر را که صلاح و لایق بداند وکیل مجلس می کند

ص: 11

سند چهارم

یاد داشتی است که ناصـرالدین شاه پس از انتصاب سـپهسالار به پیشکاری آذربایجان برای او نوشته و تعلیماتی به وی داده و از ناشایستگی ولیعهد (مظفر الدین میرزا) شکایت کرده و در باره فتنه شیخ عبید الله کرد نکاتی جالب یاد آور شده است. (1297ق)

جناب مشـیر الدوله – باوجود خسـتگی و کار زیاد لابداً به خط خودم دسـتور العمل مختصـری برای شما نوشتم الآن دادم آدم یحیی خان معتمد الملك (1) بجا پاری بیاورد، بعد از رسـیدن این دسـتور العمل به قول عوام آب در دست داشـته باشد نخورد برود به آذربایجان دفع این اختلالات را انشاء الله بزودی بکنند .

دسـتور العمل را بعین ها بده ولیعهد بخواند (2) حقیقتاً عقیده ی من این است که اگر در نظم آذربایجان با شـما همراهی نکند و بخیالات قـدیم خود برقرار باشـد او را احضار طهران نمایم ،دولت عقیم است پسـر نـدارد ، مملکت نظم می خواهد ، عمل این اکراد خیلی بد شده است به محض ورود یك تدبیری و خیالی بکنید که عجالتاً دفع این ها بشود تا بعد یک قرار محکمی با دولت عثمانی داده شود برای آینده ، اردویی از طهران می فرستم که به صفحات ساوجبلاغ یکر است بروند و آن جاها را نظم داده برگردند آن چه لازم باشد شما هم به حشمت الدوله (3) دسـتور العمل بدهیـد که چه نحو حرکت کنـد، عمـده این کار از قراری که می گوینـد این است اقبال الدوله حاکم ارومی (4) ناخوش و بی حال و بی مصـرف است اختیار اردوی را به برادر زاده اش داده است او با شـیخ عبیـد الله دوستی دارد محال اشـنویه و کورتر کور... (5) جا های عمده سرحد ارومی را به پسر شیخ اجاره داده است و او را خود آورده است و داخل مملکت کرده است و سابقاً

1- برادر مشیر الدوله و همسر عزت الدوله خواهر ناصر الدین شاه

2- در متن «بخاند».

3- عبدالله میرزا

4- رضائیه

5- دو کلمه ناخوانا

بواسطه ی همین مداخله و اجاره ی محالات تسلط که لازم است به اکراد به مرسانیده بودند تا در این مقدمه آن چه گفته اکراد قبول کرده تبعیت او را نمودند، عمده ی هرزگی از اکراد خودمان است بخصوص اگر ادمکری و ساوجبلاغی که همهٔ این ها را بتدریج تنبیه سخت کامل باید بکنید و رؤسای این ها را انشاء الله زنجیر کرده بطهران بفرستید.

خلاصه وضع آذربایجان این بود و هست و ماها در طهران بالمره بی خبر و همه به اشتباه می گذشت حالا انشاء الله شما بروید بلکه نظمی بدهید.

از قراری که شنیدم تیمور پاشاخان (1) به خیال وصلت با ولیعهد افتاده است مناسب نمی دانم البته مانع بشوید .

بعضی فرمایشات بمعتمد الملك شد به شما ابلاغ می کند بعد از این هم در محاسبات اگر حرفی چیزی پیدا بشود به امین السلطان (2) گفتم به معتمد الملك بگوید او به شما بنویسد جواب بگیرد، بهیچ وجه بدست و دامن دیگری نیفتد امین السلطان مرد دولت خواهی است در کارهای او همراهی بکنید البته، بلکه دوستی و یگانگی کامل .

اول کاری که می کنید انشاء الله دفع اختلال اکراد است بهر تدبیری باشد بزودی دفع بکنید البته، علما و مجتهدین تبریز و سایر را خیلی امیدوار بکنید تجار و کسبه وسایر را البته البته ، خیلی مأیوس و پریشان حال شده اند و خیلی بی نظم است نمی دانم چه کرده اند (؟) لعنت خدا باشخاص بی معنی . اقبال الدوله هیچ ارومی نمی خورد و هم چنین دیگران که انشاء الله بعد مفصلاً احکامش خواهد شد. دو تلگراف هم در جواب اعلام ما از ولیعهد و مجتهد (3) رسید برای شما فرستادم (4) زود زود بروید البته.

1- تیمور پاشاخان ماکوئی فرمانده افواج سوار محلی ماکوئی .
2- آقا ابراهیم در آن تاریخ وزیر دربار (پدر اتابك)
3- حاج میرزا جواد مجتهد متنفذ تبریز
4- تلگراف ولیعهد پیش از این در کتاب برگ های تاریخ چاپ شده است

عکس

متن یاد داشت ناصرالدین‌شاه

متن یاد داشت ناصر الدین شاه

ص: 15

سند پنجم

یادداشتی است از ناصرالدین شاه به سپهسالار درباره تجاوز ترکمن های آخال روسیه بمرزهای ایران و دستور تنبیه و کیفر آنان (1297ق)

جناب سپهسالار اعظم - روزنامه های (1) تلگرافی خراسان را خواندم (2) در همان روز نامه حکمی نوشتم بعلاوه ی آن حالا هم لازم دانستم بنویسم ، اولاً همان طور که نوشته ام تلگراف سختی به خراسان بکنید که اگر غفلت از طرف دره گز شده است تنبیه و سیاست کاملی لازم دارند، اگر از قوچانی غفلت و مسامحه شده است تنبیه سخت کامل لازم دارند، خراسان امن خوب راحت را چرا باید ضایع نمایند و زن و بچه به اسیری برود (؟) ثانیاً باید حکما تلافی این عمل را از دره جزی و قوچانی بخواهید که تمام آن اسرا و اموال را پس بگیرند و تلافی نمایند خیلی زود . ثالثاً همین دست خط را هم بدهید الآن ببرند به شجاع الدوله (3) بدهند ملاحظه ،نماید حقیقتاً از نواب و سر حد داران او کمال غفلت و نامردی شده است باید تلاقی کامل بکند و بعد از ورود قوچان فوراً بلافاصله سواره و پیاده ی مستعد برداشته قلعه جات و صحرای آخال (4) را تاخت و تازه کامل کرده بعرض برساند، بهیچ وجه از این غفلت آن ها صرف نظر و گذشت نخواهد شد .

1- روزنامه = گزارش

2- در متن --خواندم

3- امیر حسین خان زعفران لور قوچانی حاکم و فرمانده افواج مرزی و محلی قوچان

4- آخال از نواحی ترکستان روس در مرز ایران .

عکس

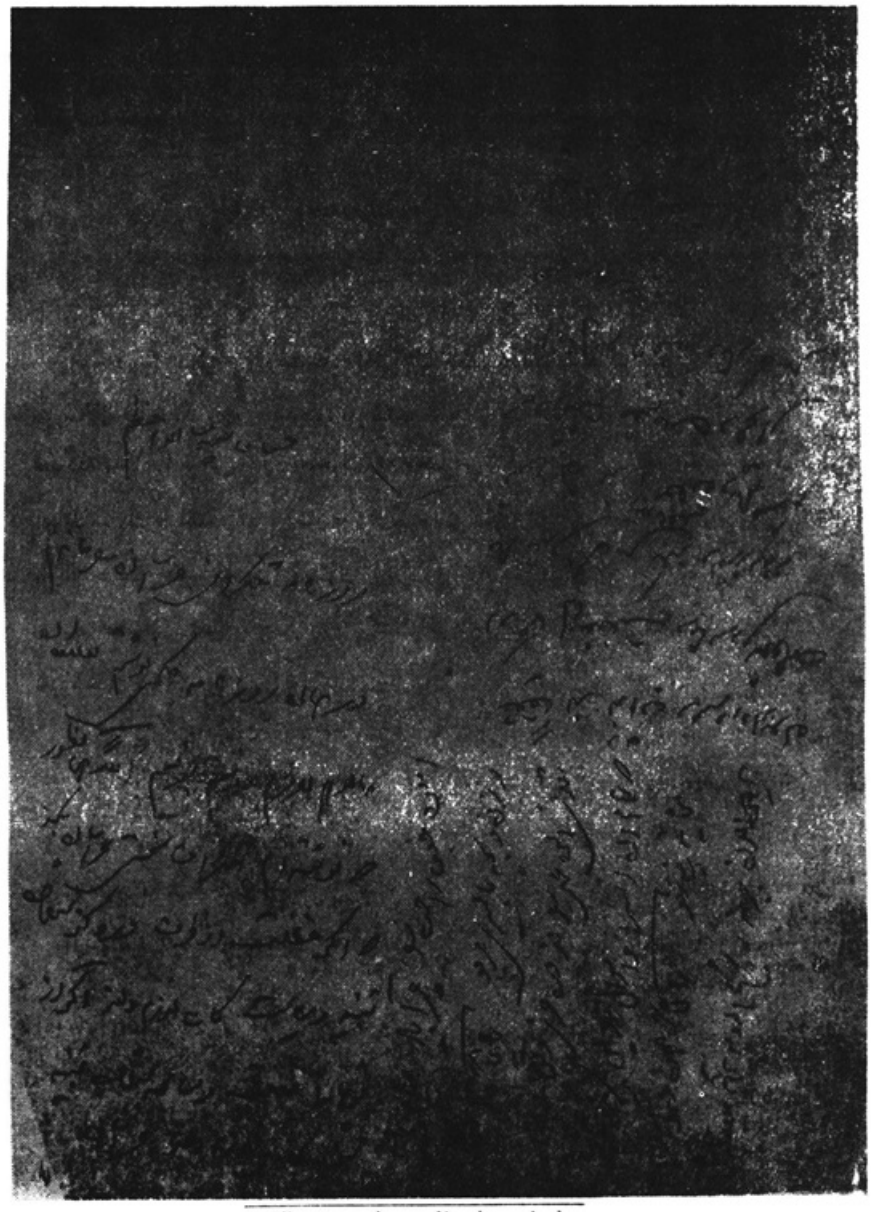

یادداشت ناصرالدین شاه به سپهسالار

یادداشت ناصرالدین شاه به سپهسالار

ص: 17

سند ششم

تلگرافی از بخشداران بخش های پنجگانه طوالش به سپهسالار در شکایت از ناصر الملك (محمود خان قراگزلو) که در آن زمان والی گیلان بوده است.

مخابره ی تلگرافی دولت علیه ایران – حضور جناب مستطاب اجل ارفع اشرف سپهسالار اعظم –تعدیات و همه طور تعرضات جناب ناصر الملک در حق جان نثاران از حد گذشته لابداً غرض حالی مصحوب آدم مخصوص 14 شهر شعبان تقدیم نمودیم به شرف لحاظ مبارك خواهد رسید ،استدعا داریم چاکران را از این بلیه آسوده فرمائید که با این حالت حالیه قدرت زیست و نوکری نداریم .جان نثاران – نصرة الله – جواد – رحیم –جعفر قلی– اللهیار – حکام پنج بلوك طوالش– مهر تلگراف خانه مبارکه –به تاریخ 11 شهر شعبان 1292 (1)

در زیر تلگراف با خط ناصرالدین شاه نوشته شده است: این عمل ها کلا به تحریك نصرت الله خان (2) است نوشتم به ناصر الملك که او را رئیس طوالش بکند همه آسوده می شوند ، اما شما حالا هیچ از این مقدمه تلگراف نکنید یا ننویسید، همین طور حالا جواب بدهید که غلط می کنید باید اطاعت ناصر الملک را بکنید والا تنبیه خواهید شد.

1– امکان شکایت پنج بخشدار از استاندار متبوع خود آن هم در زمان سلطه رژیم استبداری از نظر تاریخ اجتماعی قرن گذشته قابل توجه است .

2– ءمیدالسلطنه طالش

عکس

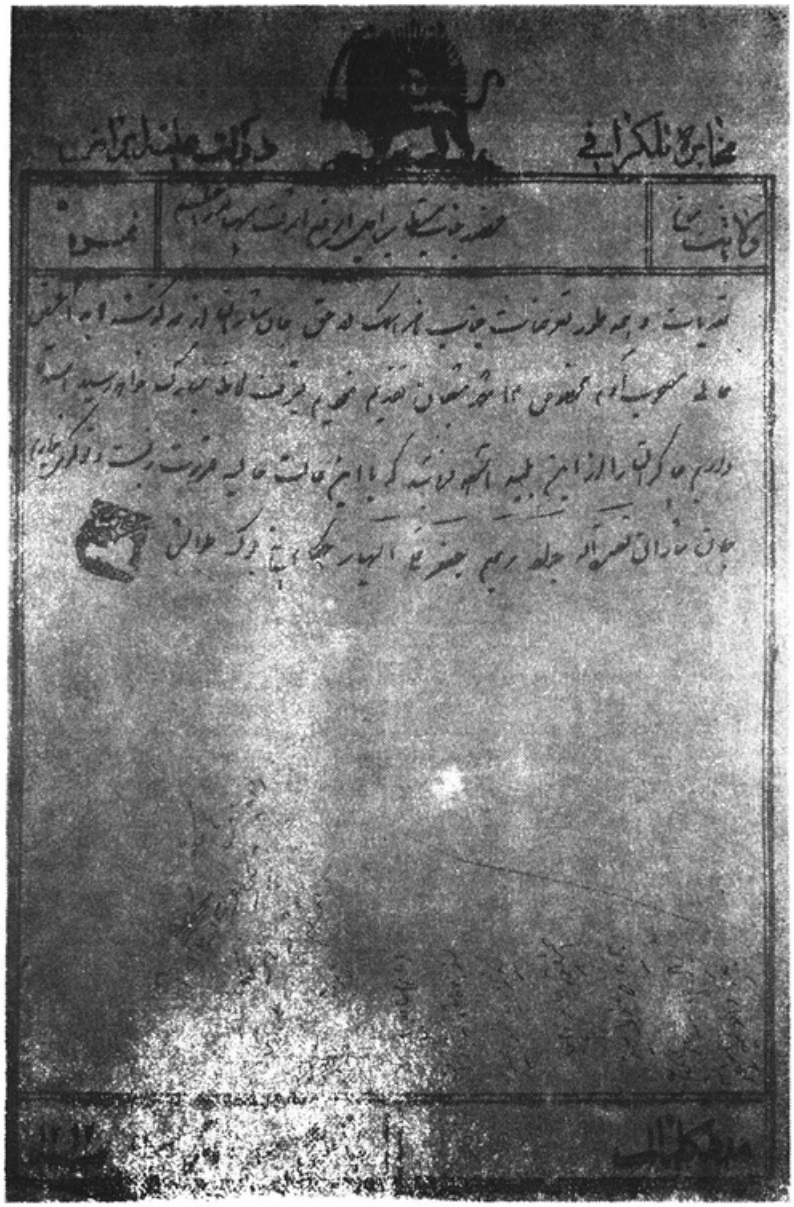

تلگراف حکام بخشهای پنجگانهٔ طوالش

تلگراف حکام بخش های پنجگانه ی طوالش

ص: 19

سند هفتم

تلگراف شـندلر از تلگرافچی های انگلیسـی که در استخدام دولت ایران بود و نخستین خطوط تلگرافی ایران بوسیله او دائر شد، این تلگراف مورخ اول رجب 1293 ق می باشـد و شـروع ارتباط خط تلگرافی مشـهد – طهران را اطلاع می دهد و نخستین تلگرافی است که در این خط مخابره شده است.(1)

ولایت مشـهد –نمره نـدارد. خدمت جناب مخبر الدوله (2) از زرنگی حیدر– علیخان سـرهنگ امروز که دوشـنبه است سیم داخل شهر شده و حالا از تلگراف خانه حرف حرف میزنم شندلر – مهر – تلگراف خانه ی مبارکه – به تاریخ یکم شهر رجب المرجب 1292

ناصـرالدین شاه در زیر این تلگراف با خط کم رنگ محو شـده نوشـته است : جناب سـپهسالار اعظم الحمـد لله تعالی که سـیم به مشـهد مقدس رسید، عریضه ما را به خدمت حضرت ابلاغ کنید و تشریفات از همان قرار که نوشته بودم انشاء الله تعالی بعمل آورید. (3)

1– نخستین بار سـیم تلگراف بین کاخ گلسـتان و باغ لاله زار دائر گردیـد (1274) ق و اعتضـاد السـلطنه وزیر علوم از بـاغ لاله زار به کاخ گلستان تلگراف تبریك به حضور ناصر الدین شاه مخابره کرد سپس به مباشرت مخبر الدوله خط تلگرافی بین طهران و تبریز در سال 1279 دائر شد و در سال 1281 خط تلگرافی طهران شـیراز برقرار گردید و خط تلگرافی طهران – مشـهد در زمان صدارت سپهسار (1293 ق) افتتاح شد و سپس به دیگر استانها کشیده شد افتتاح تلگراف در بسط امنیت و گسترش قدرت دولت مرکزی تاثیر بسزایی داشت. ناصرالدین شـاه در کـاخ سـلطنتی تلگراف خـانه مخصوص داشت و روساء تلگراف اسـتان ها و شهرسـتان ها هر روز گزارش محل ماموریت خود را مستقیماً برای شاه مخابره می کردند.

2– علی قلی خان هدایت وزیر تلگراف خانه

3– تلگراف ناصر الدین شاه به حضرت رضا با عنوان عریضه مخابره شده و دائر بخرسندی از ایجاد رابطه ی تلگرافی بین طهران و مشهد می باشد این تلگراف در سـر آرامگاه عباس میرزا ضـمن تشـریفات رسـمی با حضور رکن الدوله استاندار و روحانیان و اشراف خراسان بوسیله نایب التولیه قرائت شد و 21 تیر توپ شـلیك گردید و سپس با مشورت نایب التولیه و رکن الدوله و روحانیان پاسخ تلگراف ناصرالدین شاه از طرف حضرت رضا تهیه و به طهران مخابره گردید .

عکس

متن تلگراف شندلر

متن تلگراف شندلر

ص: 22

سند هشتم

تلگراف شیخ محسن خان معین الملك سفیر ایران در استامبول راجع به تغییر سلطان عثمانی (1293ق)

نمره 17 - حالا عصر ترجمان دیوان آمده جلوس سلطان عثمانی «مراد» (1) را رسماً ابلاغ نمود، دیشب ساعت چهار وکلای دولت جمعی علماء و رجال مسلم و غیره در باب سر عسکر اجتماع و به خلع سلطان عثمانی و نصب «سلطان مراد» اتفاق نموده چهار فوج و سه کشتی زره پوش به احاطه ی سرای گماشته وزیر جنگ با دویست سواره نظام رفته سلطان مراد را به باب وزیر جنگ آورده بیعت کردند ، ردیف پاشا را فرستاده سلطان سابق را با والده وعیال و اولاد با احترام به سرای (توپ قاپو)نقل کردند ، این امر خطیر چنان مخفی و آرام گذشت که شایان حیرت و توقیر ملل خواهد شد و در اروپا اثر عظیم خواهد داشت ، گویا مراد کونسیتسیون (2) را امضاء فرموده فردا منتشر خواهد کرد،عجالتاً تلگرام تبریك گرم از طرف همایون لازم است - محسن.

1- پس از خلع سلطان عبد العزیز در جمادی الاول 1293 سلطان مراد پنجم به سلطنت و خلافت عثمانی منصوب شد سلطان عبد العزیز بر اساس نوشته المآثر و الاثار پس از خلع به تحریك انگلیس ها کشته شد سلطنت سلطان مراد بسیار کوتاه بود و پس از دو ماه برحسب یك توطئه ،سیاسی شیخ الاسلام استانبول بجنون اوفتوی داد و برادرش حمید افندی (سلطان عبد الحمید)جای او را گرفت .

2- قانون حکومت مشروطه

سند نهم

را پرتی است از سپهسالار راجع به ورود وزیر مختار فرانسه (1296ق)

قربان خاکپای جواهر آسای مبارك اقـدس همایونت شوم – دیروز وزیر مختار فرانسه به قزوین وارد شد نواب عضد الدوله (1) بچاکر فدوی تلگراف کرد که وزیر مختـار از من توقع دارد که از او دیـدن نمایم ، فـدوی خانه زاد در جواب او تلگراف کردم که به موجب عهـدنامه شـما نباید دیدن نمائید اگر وزیر مختار مایل باشد از شـما ملاقات نماید بخود و همراهانش احترام لازم را به عمل آورید، وزیر مختارهم به شارژ دافر فرانسه که در طهران است تلگراف کرده بود که شاهزاده از او دیـدن نمایـد شارژدافر در وقتی که فـدوی در تلگراف خانه بودم نزد فدوی آمده اصـرار زیاد در این مسئله کرده بعد از آن که این غلام خانه زاد از روی عهدنامه مدلل نمود که شاهزاده نباید از وزیر مختار دیدن نماید و هر گاه خود وزیر مختار میل دارد به ملاقات شاهزاده برود میل نـدارد نرود متقاعد شده ،رفت محض اطلاع خاطر خطیر مبارك جسارت بعرض نمود –الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع – غلام خانه زاد –حسین

شاه بالای را پرت سپهسالار نوشته است – از عهدنامه نباید تخلف بشود هر طور نوشته اند باید معمول دارند.

1– سلطان احمد میرزا فرزند فتحعلی شاه (بدرعین الدوله)

سند دهم

صورت استخراج تلگراف رمز شیخ محسن خان معین الملك سفیر ایران از استانبول به سپهسالار (1296 ق)

نمره 39 تلگرام اخیر رسید وقوعات را دائم پیش از وقت و اخبار را به موقع عرض کرده ام ، این روز ها بجهة متارکه جنگی نشده بود، مذاکره سفرا بابا بعالی بجائی نرسیده که عرض بشود، عرض کرده بودم دول متحابه برای متارکه سه تکلیف می کنند متارکه ی بلا مدت ، کما في السابق ماندن صرب و قراجه داغ ، امتیاز هرسك بوسنی - بلغار ، هر روز مجلس می شد دیروز مجلس عمومی دو تکلیف اول را قبول و امتیاز سه ایالت وارد کردند ولی سفرا اصرار دارند، عاقبت لابداً قبول خواهند کرد ، دیروز با صرب محاربه شد و بدون نتیجه روسیه استعداد کامل در حدود عثمانی حاضر کرده است سفیر کبیر سه روز دیگر با تعلیمات جدید وارد می شود جنگ روس با نمسه بی اصل است ده ملیون اسلاو در نمسستان است اگر با روسیه جنگ بکند یاغی می شوند.

در باب رجعت قشون طرفین از سرحد خوی قرار شده است روز معین بشود امروز و فردا بجهة تعطیل مجلسی ممکن نمی شود پس فردا عرض خواهم کرد ، همچنین فقره عباس میرزا (1) در باب زوار می خواهند امرنامه بنویسند بنده می خواهم در حاشیه ی یادداشت سفارت حکم هر فقره نوشته شود نسخه بسفارت و نسخه به بغداد فرستاده شود، تبریك همایون پریروز رسیده فردا جواب می نویسند ، نمی دانم چرا دیر آمده نامه را این روز ها ابلاغ خواهم کرد کمیل (2) هنوز مراجعت نکرده است، تغییر مشارالیه صلحت بیست لیکن به سفارت لندن تلگراف کنید برای مراجعت او به تحدید حدود به وزیر خارجه اصرار بکنند امپراطور برزیل با امپراطریس به طور ناشناس دیروز وارد

1- عباس میرزا (ملك آدا) برادر ناصر الدین شاه که از آغاز با پشتیبانی امیر کبیر و حمایت سفارت انگلیس خود و مادرش بر ضد شاه اقداماتی می کردند، مدتی هم در عثمانی بر ضد شاه تحریکات می کرد و شاه تبعید او را از دولت عثمانی می خواست سرانجام به ایران آمده مورد عفو وانع شد و حکومت و وزارت یافت.

2- کمیل سفیر انگلستان در استانبول

شـده منزل و تشـریفات قبول نکردنـد، امروز با سـلطان دید و بازدید شد، در باب تعمیر سـفارت می فرمائید: شـروع بشود تن خواه خواهد رسـید. یقین حالت بنده هنوز در حضور عالی مشتبه است برای خرده خرجی معطل هستم معادل قیمت مصالح لازم است تا شروع بشود از مقرری و مطالبات هر چه ممکن است به حاجی حسن التفات بکنید – محسن

ص: 26

سند یازدهم

تلگراف کنسولگری روس از گرگان (استرآباد)در باره ی ممانعت مردم از حمل گندم

از استرآبـاد – مورخه سه شـنبه غره جمادی الثانی 97 – وکیل قنسولگری ما از مازنـدران اطلاع میـده که شاه محمد خان (1) وارد ساری شده معتبرین بار فروش (2) و ساری گفته اند که اگر دست به حمل غله بزنند یا به خواهند اشخاصـی را که سابقاً تقصـیر نموده اند بگیرند جمیع رعایـای روس را به قتل خواهیم رسانیـد، احکامی که شاه محمـد خان از جانب سـپهسالار اعظم آورده بود محل اعتنا نشـد و مفید نتیجه نگردید و جرأت براز نکرد وکیل قنسولگری مادر مازندران مجبور شده طلب امنیت بجهت جان و مال قعه روس بنماید (3)

ص: 27

1- مأمور خرید گندم برای حمل به روسیه .

2- بابل

3- از مفاد تلگراف چنین بر می آیـد که دولت یک بار بصـدد حمل گندم از ساری برای فرسـتادن بروسـیه بر آمده و با مقاومت مردم روبرو شده و بار دوم شاه محمد خان از طرف سپهسالار مأمور انجام این وظیفه گردیده و باز هم مردم به مقاومت برخاسته و دولت را تهدید بقتل اتباع روس کرده اند .

عکس

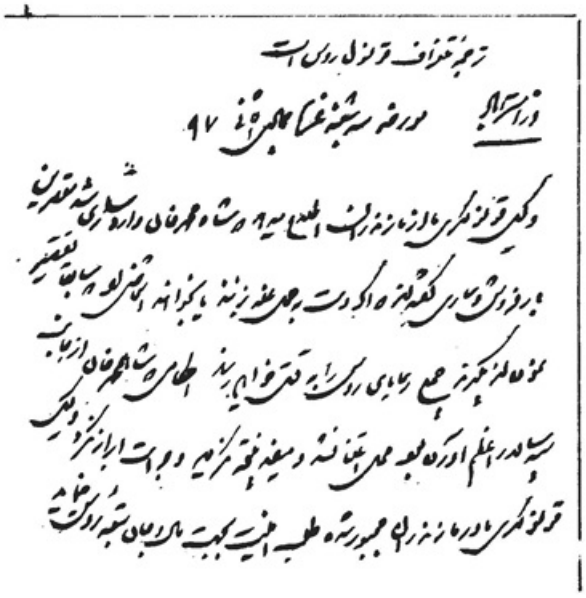

ترجمهٔ تلگراف کنسول روس

ترجمه تلگراف کنسول روس

ص: 28

سند دوازدهم

گزارش سپهسالار راجع به تقاضای سفیر دولت انگلیس برای استقبال از شاه (1292ق)

قربان خاکپای جواهر آسای مبارك اقدس همایونت شوم- سفیر دولت انگلیس شه خیر خواه و مساعد است به توسط مسترطا مسن برادر خود که تازه آمده است بچاکر فدوی پیغام داده بود که اگر میل خاطر خطیر آفتاب تأثیر مبارك همایونی باشد من حاضرم که رسماً در تشریف فرمائی موکب مسعود مبارك استقبال نمایم - واضح است که اگر او اقدام کند سایر سفراهم متابعت خواهند کرد چون این غلام جان نثار از سلیقه ی مبارکه همایونی در این باب استحضار نداشت جواب او را منوط بعرض خاکپای مبارك و صدور حکم جها نمطاع نمود، در این صورت اراده ی مطاعه ی مبارکه بهرطور علاقه می گیرد مقرر فرمایند که بچاکر فدوی زودتر اطلاع دهند که جواب او را بدهد و تکلیف آن ها معلوم شود.

تلگرافی از حاجی محسن خان از اسلامبول الآن رسیده استخراج آن را برای عرض خاک پای مبارك تقدیم نمودم ،در باب مقرری میرزا محبعلی (1) و غیره جواب لازم را نوشته فرستادم و او را از این فقره آسوده کردم لیکن در خاکپای مبارك واضح است که مقرری او حواله ی آذربایجان و جزء باقی صاحب دیوان است و اگر فرضاً از صاحب دیوان وصول شود جز و تن خواهی است که بقورخانه حواله فرموده اند بهر طور رأی آفتاب ضیای مبارك اقتضا فرماید مقرری او وصول خواهد شد فرمان خدیو مصر و والی صرب را دیروز با چاپار مخصوص فرستادم، در صورتی که رسماً تشریف فرمای شهر شوند استقبال

1- محبعلی خان نقشه بردار و مأمور مرزی

سفرا بعقیده ی قاصر غلام جان نثار اسباب عظم خواهد بود ، تارأی جهان آرای مبارك چه اقتضا فرماید (؟) مورخه 28 شوال 1292 الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع – غلام خانه زاد – حسین.

شاه بالای گزارش نوشته است:

روز ورود از دوشان تپه به شـهر سـفیر انگلیس را به استقبال بفرستید بسیار خوب است اگر سایرین هم خواستند بیآیند بهیئت اجتماع بیایند والا همان سفیر انگلیس می آید بسیار خوب است

ص: 30

سند سیزدهم

گزارشی از سپهسالار به ناصرالدین شاه در باره اختلاف مظفر الدین میرزا ولیعهد با همسرش ام الخاقان (1292ق)

قربان خاکپای جواهر آسای مبارك اقـدس همایونت شوم –در باب ام الخاقان (1) که مقرر شده بود اگر چیزی بنظر چاکرانه ی فدوی برسد بخاکپای مبارک عرضه دارد، اگر چه کنه هر مسـئله و صـلاح و چاره ی هر کار همان است که در مرآت خاطر آفتاب مظاهر مبارك اقـدس همایون شاهنشاهی روحنا فداه جلوه کند ولی حسب الامر الاقدس الاعلی با کمال عجز و انکسار جسارت می ورزد که به عقیده قاصر این غلام ای مقـدار اصـلاح از تفریق در هر حال ارجـح و اولی و از برای منتسـبان آسـتان سـلطنت و جلالت مناسب تر است که باز بهرطور مقدور شود حضرت ولیعهد و یا نواب علیه عالیه متعالیه شکوه السلطنه (2) دامت عفت ها به اصلاح ذات البین راضی شوند و اسم تفریق بمیـان نیایـد، در صورتی که محال باشـد منوط به امر قـدر قـدر مطاع مبارك ملوکانه است و این غلام خانه زاد در این جا بانواب علیه عالیه شکوه السـلطنه دامت عفت ها و با تلغراف با نواب مسـتطاب حضـرت ولیعهد در کار مذاکره و فراهم آوردن موجبات اصلاح هستم بهرجا منتهی شد باز بعرض خاکپای مرحمت پیرای مبارك خواهد رساند

معروضه ی 12 شهر شوال 1292 – الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع مطاع –غلام خانه زاد – حسین .

ناصرالدین شاه در بالای گزارش سپهسالار نوشته است: البته اگر کار به طلاق نکشد بجا است .

1– ام الخاقان دختر امیر کبیر و مادرش عزت الدوله خواهر ناصرالدین شاه است، در جوانی و آغاز زندگی مظفر الدین میرزا او را طلاق داد و محمد علی میرزا (محمد علی شاه) فرزندش به سرپرستی ما در شعاع السلطنه بزرگ شد

2– شکوه السلطنه سومین همسر عقدی ناصرالدین شاه و مادر مظفرالدین شاه که لجوجانه برای طلاق ام الخاقان با پسر ناقص العقل خود(مظفر الدین میرزا)همراهی داشته است.

عکس

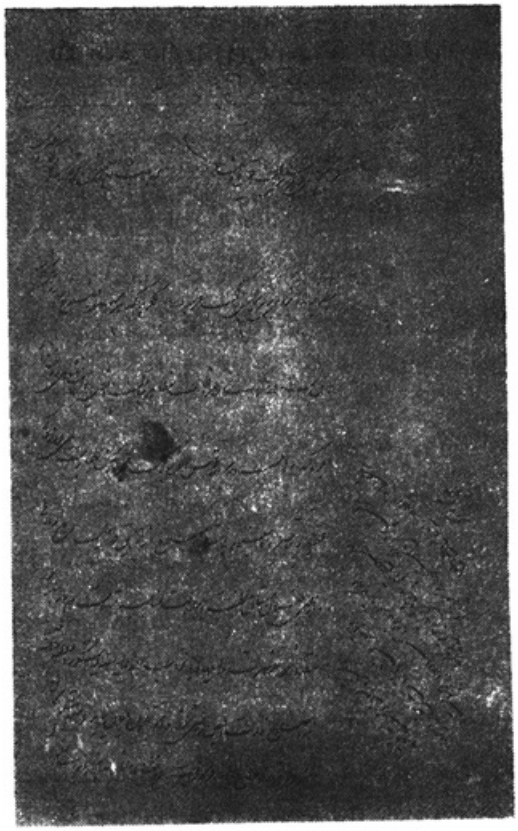

گزارش سپهسالار درباره ام‌الخاقان

گزارش سپهسالار درباره ام الخاقان

ص: 33

سندچهاردهم

تلگراف عزت الدوله (1) به سپهسالار درباره ام الخاقان

ولایت شیراز - نمره 23 - خدمت جناب جلالت مآب سپهسالار اعظم شما می دانید که من بعد از مهد علیای مرحوم (2) که کاش زنده نمانده بود جز شما کسی را ندارم ، نمی دانم چه بدبختی دامن گیر شد که در این تقدیرات در فارس هستم، شما را بجان معتمد الملك (3) قسم می دهم که نیم ساعت اوقات خودتان را مصروف کار من بکنید که نزدیك است دق کنم.

از قراری که از طهران چه نوشته اند و چه تلگراف می کنند ، نواب ارفع والا ولیعهد و سر کار شکوه السلطنه درجه ی بی لطفی را نسبت به ام الخاقان بپایه هایی رسانده اند که می خواهد طلاق بدهند عرض هم کرده اند قبله ی عالم هم قبول فرمودند ، از هیچ کس شکایت نمی کنم ، بد بختی خودم را بالا تر از این می دانم اگر قبله ی عالم مراکنیز خود شان می دانستند هیچ کس را جرأت این کار ها نبود جرأت این کار ها نبود، حالا از قرار گفته ی مردم کارش به این جا رسیده است و حکم اذن طلاق هم داده شده است، مختارند، از شما اگر صلاح بدانید خواهش دارم یك استدعا نمائید و این عرض مرا به خاکپای مبارک برسانید که دختر من کمتر از مریم خانم کنیز مادرم نیست ، بعد از مهد علیا قبله ی عالم راضی نشدند که مریم خانم در بدر و در خانه های مردم منزل داشته باشد اگر طلاق می دهند بچه ها (4) را دستش بدهند در گوشه ی خانه ی دیوانی جایش بدهند که بچه هایش (5) را بزرگ کند تا بعد رأی قبله ی عالم بهرچه تعلق یافت آن خواهد شد معلوم می شود که خواهر زاده ی

1- عزت الدوله، در تاریخ تلگراف همسر میرزا یحیی خان معتمد الملك (برادر سپهسالار) والی فارس بوده است .

2- مهد علیا =مادر ناصر الدین شاه از زنان شایسته و نامدار تاریخ قاجاریه

3- معتمد الملك (بعداً مشیر الدوله)برادر سپهسالار (والی فارس)

4- در متن تلگراف «بچه ها» (محمد علی میرزا و فخر السلطنه و قمر الدوله)

5- در متن تلگراف «بچه ها» (محمد علی میرزا و فخر السلطنه و قمر الدوله)

شکوه السلطنه بهتر از خواهر زاده ی قبله عالم است که باید رسوای دنیا بشوم ، انشاء الله مرا زودتر آسوده بفرمائید – عزت الدوله – مهر تلگراف خانه مبارکه – 28 صفر 1293 (1)

ص: 35

1- پیداست در آن زمان که خانواده بسیار محترم بوده و امر زناشوئی جنبه ی تقدس و الهی داشته (نه جنبه شهوانی و هوسرانی) تحمل طلاق یك دختر برای مادرش چه در ناگوار بوده است آن هم مادری چون عزت الدوله و دختری چون ام الخاقان

عکس

تلگراف عزت الدوله

تلگراف عزت الدوله

ص: 36

اسناد ظل السلطان

ص: 37

عکس

سلطان مسعود میرزا ـ ظل السلطان

سلطان مسعود میرزا – ظل السلطان

ص: 38

ظل السلطان

سلطان مسعود میرزا فرزند ناصر الدین شاه و خانم عفت السلطنه (متولد ماه صفر 1266 ق) معروف تر از آن است که نیاز به معرفی داشته باشد و نوشتن زندگی نامه ی اوهم محتاج به تنظیم یك کتاب چند صد صفحه ئی ،است، او در سیزده سالگی (1279) بوزارت و سرپرستی محمد ناصر خان قاجار ظهیر الدوله به حکومت فارس مأمور شد و لقب یمین الدوله گرفت و در هیجده سالگی (1284ق) با وزارت و پیشکاری صاحب دیوان حاکم اصفهان شد و پس از دو سال بار دیگر بحکومت فارس رفت و در سال 1291 بار دیگر حکمران اصفهان شد و (بجز مدتی کوتاه که در سال 1304 به طهران احضار و خانه نشین شد) تا 1325ق حکمرانی اصفهان را بعهده داشت و بجز اصفهان بیشتر اوقات استان های فارس و خوزستان و لرستان و شهرستان های اراك و بروجرد و همدان و گلپایگان و محلات و خوانسار و کاشان و یزد هم ضمیمه حوزه حکمرانی او بود و او از طرف خود در آن نقاط نایب الحکومه ئی می گماشت. ظل السلطان داعیه سلطنت نیز داشت و از این رو با کسانی چون ملکم و جمال الدین افغانی بی ارتباط نبود و جمال الدین از 22 صفر تا 12 ربیع الاول 1304ق در اصفهان مهمان ظل السلطان بود و با هم گفتگوهای پنهانی داشتند (1) در مدت اقامت در روسیه هم جمال الدین با نفقه ی ظل السلطان زندگی می کرد.

سیدجمال اصفهانی و ملك المتکلمین دو خطیب مشروطه هم از طرف ظل السلطان تقویت می شدند و حقوق مستمر دریافت می داشتند، از این رو ظل السلطان در استقرار مشروطه دخالت غیر مستقیم داشت.

او در 1325 از حکومت اصفهان معزول و چندی بعنوان والی فارس روانه شیراز شد، در رویداد بمباران مجلس (1326ق) خانه او و خانه خواهرش با نو عظمی بوسیله ی قزاقان لیا خوف و سربازان سیلاخوری غارت شد در همان سال از اوضاع آشفته ی ایران

1- ص 292 خاطرات حاجی سیاح - ص 94 بازیگر انقلاب شرق .

دلتنگ گردیده رهسپار اروپا شد و پس از بحران اروپا و شدت جنگ جهانی اول به ایران بازگشت و در باغ نو اصفهان سکنی گزید و در ماه رمضان 1336 ق در همان جا در گذشت و جنازه ی او به مشهد منتقل شد.

در باره ی ظل السلطان تاریخ نگاران داوری های بسیار کرده و او را به صفات بی رحمی و قساوت متصف ساخته اند، اما باید انصاف داد که بیشتر بی رحمی و قساوت او با دزدان و راهزنان و یاغیان بود و اگر چنین نبود نمی توانست نزدیك به نیم قرن سرزمین وسیع حوزه حکمرانی خود را امنیت بخشد. امنیتی که حتی بیگانگان صاحب غرض مانند ادوارد براون و لز دکرزن هم از آن تمجید کرده اند (1) بی تردید ظل السلطان یکی از شاهزادگان لایق و باهوش و تجددخواه قاجاریه بود، سازمان اداری و نظامی و افواج جدید نظام و مدرسه نظامی که در اصفهان تأسیس کرده بود در زمان خود از منظم ترین سازمان های ارتش ایران بحساب می آمد ، لرد کرزن سپاهیان ظل السلطان را که از روی نظام اتریش و با لباس و اسلحه اتریشی تربیت یافته بودند یازده هزار پیاده و هفت هزار نفر سواره یادداشت کرده است (2) او به حوزه ی وسیع حکومت خود نظم و امنیتی بی نظیر بخشید بطوری که بیگانگان هم از این امنیت با تحسین و شگفتی یاد نموده اند .

ظل السلطان (که بقول ژنرال واگنر اتریشی از دستگاه سلطنت فقط تاج و تخت کم داشت) از لحاظ خدمات اجتماعی آثاری ارزنده از خود برجای نگذاشته اما شایستگی و کاردانی و حسن تدبیر او را در مقام مقایسه با مظفرالدین شاه و کامران میرزا و بسیاری از شاهزادگان و حکام ناتوان عصر قاجاریه نمی توان انکار کرد، بخصوص اسنادی که از او بدست آمده گواه بر آن است که او شخصیتی قوی و گفتاری صریح و عاری از چاپلوسی داشته و از سیاست جهانی و نقش سیاسی همسایگان قوی دست ایران بخوبی آگاه بوده و این نیز برای او امتیازی است.

1- سفر نامه ی ادوارد براون و کتاب مسئله ایران .

2- ص 85 کتاب مسئله ایران از لرد کرزن ترجمه جواهر کلام

به جز این ها ظل السـلطان دانش دوست بود و مدایحی که دهقان سامانی و شوریده شیرازی و شاعران همزمان وی برایش سروده اند نشانه ادب پروری اوست ، کتاب تاریخ مسعودی نیز اثر اوست و تا حدی پایه ی معلومات و مطالعات وی را حکایت می کند.

ظل السلطان کتاب های نفیس در کتابخانه شخصی خود گردآوری کرد که پس از در گذشت او پراکنده شد تعدادی از آن کتاب های نفیس خطی چند سال پیش از طرف آقای اکبر مسـعود صارم الدوله به کتابخانه ی فرهنگ و هنر اصـفهان اهداء گردید و بهای آن کتاب ها بوسیله کتابشناسان بیش از چند صد هزار تومان برآورد شده است .

پیش از این چند سـند از ظل السـلطان در کتاب اسـناد نویافته چاپ شد و اینك هم چهارده سند ارزنده ی دیگر از وی در این کتاب چاپ می شود ، احاطه او بر مسائل سیاسـی زمان و صـراحت بیان و درشتی گفتارش با ناصـرالدین شاه در برخی از این اسـناد معرف شخصیت قوی و وطن خواهی و آگاهی سیاسـی او می باشد و چهره ی او را بصورت یك شخصـیت لایق و با تدبیر و وطن خواه و بلند همت ترسـیم می نماید و پیداست که اگر او بجای مظفرالدین شاه ولیعهد می شد اوضاع ایران نه آن چنان می شد که در عهد مظفر الدین شاه .

سند یکم

گزارشی است از ظل السلطان برای ناصرالدین شاه درباره ی خصومت عثمانی و انگلیس با ایران و لزوم جلب دوستی روسیه و تمایل به مسافرت روسیه (1298ق) (1)

تصدق خاکپای اقدس همایونت شوم -امروز ضعف دولت ایران و قوت همسایگان اظهر من الشمس است و چیزی نیست که بتوانیم پوشیده و پنهان کنیم، فرضاً هم بخواهیم ضعف خود را بپوشانیم ، رنگ رخساره خبر می دهد از سر ضمیر ، دشمنی دولت عثمانی و تحریك انگلیس او را باز هم چیزی مکتوم و مخفی نیست و با این حالت ضعف ما و قوت دشمن و محرك دشمن ما چیزی در مقابل برای جواب گوئی نداریم، نهایت یك خزانه داریم آن هم خالی و یك مشت رعیت مفلوك گرسنه مأیوس ویك مملکت خراب، نه قشون داریم، نه اسلحه داریم، نه نوکر صدیق داریم که خیال ملت را بر خیال خود ترجیح دهد ، یك مشت قشون مفلوک اسم می رسم ، یک دسته نوکر منافق دروغ گو فقط چیزی که امروز ما را از این دشمن قوی و از این محرك حفظ کند باز دوستی با دولت روس است که امروز برای ما واجب است که رشته ی دوستی خود را با او محکم کنیم و به این واسطه دشمنان ما چندی دست بکار دشمنی نزنند و ما هم در آسودگی مدتی در تهیه ی کار و خود آرائی دولت خود باشیم .

پس امروز برای دولت ایران لازم است که به هر وسیله می تواند رشته ی دوستی خود را با او مستحکم نماید و یک دقیقه فرصت و موقع کار را از دست ندهد ، از حمله برای تهنیت تاج گذاری امپراطور باید کسی را مأمور فرمایند که از امور پولتیکیه با ربط بوده خیر خواه و امین و دوست و دولت خواه و دل خوش از دولت و متمول و چشم

1- این سند مربوط بسال 1298 ق (1881-م) می باشد که سال جلوس الکساندر

و دل سیر باشد ، که در ظاهر به رسم تهنیت تاج گذاری و در باطن قواعد دوستی را با امپراطور محکم نماید و اگر لازم شود مخارجی فوق العاده نماید دست و دل او نترسد و خرج کند ولی قبله ی عالم در این موقع نواب حسام السلطنه (1) لئیم خسیس مبغض دل سرد از دولت را مأمور فرموده اند که اولاً ربطی از امور پولتیکیه ندارد و ثانیاً برای مخارج هزار آه و ناله می کند ، تا بحال دو دفعه بجناب آقا (2) در نزد غلام اظهار کرده است که من آه ندارم گداو گرسنه ام تا بیست هزار تومان دولت ندهد من نمی توانم حرکت کنم ثالثاً از دولت دل خوشی ندارد ، بعد از رفتن آن جا غیر از بدگوئی از دولت و اجزای دولت و اظهار سفلگی دیگر حرفی نخواهد گفت ، به عوض این که از فرستادن او حاصلی برای دولت تحصیل شود بدنامی و خسران تحصیل شده .

غلام حاضر است که اگر باین خدمت مأمور شود اولاً مخارج ذهاب و ایاب هر چه باشد از خود نماید و مأمورینی هم که از طرف قرین الشرف مأمور می شوند تمام مخارج آن ها را بدهد و در باطن خدمتی بدولت و ملت ایران بنماید که اقلا تا پنجاه سال فایده ی آن عاید دولت گردد و در این کار محسناتی چند است که غلام از تصدق فرق مبارك گدا و گرسنه نیست و می تواند از خود یک صد هزار تومان مخارج ذهاب و ایاب و توقف نماید ، از امور پولتیکیه بی ربط نیست می تواند در این رفتن فایده برای دولت تحصیل کند. بدقیافه و بدهیأت نیست که اهل مجلس را از ملاقات او استنکار دست دهد ، چلاق هم نیست که وقت حرکت از اطاقی به اطاقی از همه ی مردم عقب بیفتد ، گذشته از این ها شأنیت غلام و انتساب غلام بسلطنت نسبتی با و ندارد ، چنان چه در همین شب مهمانی سفرا زنایف (3) وزیر مختار روس در حضور وزیر دول خارجه می گفت که برای تهنیت تاج گذاری از ممالک شاهزادگان بزرگ مأمور شده اند خوب بود در این سفر هم از جانب دولت ایران شما مأمور می شدید ، در ضمن این حرف منظورات داشت ،

1- سلطان مراد میرزا (فاتح هرات) متوفی در جمادی الاولی 1300 ق .

2- میرزا یوسف مستوفی الممالك متوفی بسال 1303ق .

3- زناویف وزیر مختار روسیه

مقصود این است که غلام برای این خدمت حاضر است و فوائد آن را هم معروض داشتم اگر اشکالاتی برای ولایات جمعی غلام یا قشون جمعی غلام در نظر آید آن هم هیچ محل اشکال نخواهد بود زیرا که از تصدق فرق مبارك ترتیباتی غلام در کار چیده است بود و نبود غلام تفاوتی نخواهد کرد، همان نظم برجاست ، همان اقساط در موعد مقرر حاضر است ، قشون جمعی غلام بهمان ترتیب و تعهداتی که عرض شده موجود می شود. نهایت بیست روز یا پانزده روز رفتن پانزده روز مراجعت پانزده روز توقف در این چهل و پنج روز هیچ قانونی تغییر نخواهد کرد ، اگر قبله ی عالم قبل از مراجعت غلام تشریف فرمای صفحات عراق (1) می شوند لوازم تهیه اردو در هر منزل حاضر و مهیا است و افواج را مقرب الخاقان صارم الدوله (2) از نظر مبارك به مان قسم تعهداتی که غلام کرده است می گذراند و البته در پیشگاه حضور مبارك معلوم است که تعهدات و عرایض غلام خلاف ندارد و مثل بعضی نیست که در اول از روی ندانستگی قبول خدمتی کند و یا وعده پیشکشی دهد و در آخر نتواند از عهده برآید، غلام عرض و تعهدی که می نماید از روی دقت و رسیدگی است و انشاء الله بعداً خلاف نخواهد شد و این خدمت را محض حفظ دولت و چاکری بولینعمت می نماید و الا معلوم است که استراحت بهتر از زحمت و حکومت بهتر از مسافرت و مداخل بهتر از صد هزار تومان مخارج است چون جان و مال خود را کرارا جسارت نموده ام که برای صرف در راه ولی نعمت حاضر نموده ام از آن جهت جسارت می نماید که تقبل این خدمت را بدون دیناری ضرر دیوان می نماید و امیدوار است که فوائد کلی از این رفتن غلام برای دولت تحصیل گردد .

اگر رأی مبارك علاقه گرفت. مقرر فرمایند تا غلام در تهیه حرکت باشد و اگر هم صلاح ندانند عازم اصفهان خواهد شد این مسئله هم در حضور مبارك پوشیده نیست که از این عرض مقصود و منظوری جز خیر خواهی ولی نعمت و ترقی ملت

1- مقصود اراک و شهرستان های مرکزی ایران است

2- ابو الفتح خان پسر خان بابا خان و با نوعظمی (خواهر ظل السلطان) در دستگاه نیمه سلطنتی ظل السلطان مقامی داشته و درج 2 ق 1305 ق در سن 41 سالگی در گذشته است.

مقصودی نبوده است، چیزی بعقل ناقص غلام رسید معروض داشت رد و قبول آن بسته به رأی جهان آرای ملوکانه است –الامر الاقدس الاعلی مطاع – از بابت ولایات وقشون خاطر همایون آسوده باشد که رعیت می داند که حقوق دیوانی را باید بدهد، حق حساب را حواله داده و اجحاف هم کسی از او مطالبه نمی کند و همچنین نوکر

از این که حقوق خود را دریافت کرد می داند که ادای خدمت خود را باید بکند پس بهیچ وجه اختلالی در امر لشکر و کشور نخواهد شد ، هر یك از این ادارات غلام را هزار نوع گفتگو و خلل در کار بود و حال حساب همه در کیف غلام حاضر است و هیچ محتاج بمیرزا های متعدد نیست و هر روز خود غلام در دربار حاضر است و از تصدق فرق مبارك محمره و بندر عباس منظم است، همان اجزای غلام که مشغول خدمات هستند غلام هر جا باشد آن ها در سرکار خود حاضرند غلام مطلبی را بعقل ناقص خود خیال نموده و چون فرض خود می دانست معروض داشت، حال قبله عالم خیالات خود را بفرمایند و اگر صلاح دیدند غلام در انجام این خدمت بنحوی که رضای خاطر مبارك باشد حاضر است پشت کاغذ مهر مسعود . (1) در صفحه اول بین سطر دوم و سوم نیز جمله « غلام جان نثار – مسعود » دیده می شود.

ناصر الدین شاه در حاشیه ی صفحه اول کاغذ ظل السلطان مطالبی نوشته که قسمت اول خوانده نمی شود و قسمت آخرش چنین است:

.... گذشته از این سفر فرنگستان خالی از خطر جانی هم نیست، از دریا و راه آهن و هواهای مختلف . من وجود شما را باید توی شیشه بگذارم و سرش را هم مهر و موم بکنم ، دوستی دولت روس الحمد لله تحصیل شده است و باز هم خواهد شد حسام السلطنه نمی رود بجهنم یکی دیگر برود

1– پیشنهاد ظل السلطان پیشنهاد معقولی بوده ولی گویا در نظر داشته است در مسافرت روسیه برای ولایت عهدی و سلطنت آینده خود با روس ها ترتیبی بدهد و شاید مخالفت ناصر الدین شاه با مسافرت او در اثر آگاهی از همین اندیشه بوده است

سوم است، در این سال الکساندر دوم (روز سیزدهم مارس) امپراتور روس بدست نهلیست ها کشته شد و چندی بعد روساکف سر دسته ی نهلیست ها با چهار هزار نفر از افراد نهلیست در پترزبورگ محاکمه و به دار آویخته شدند .

2- سلطان مراد میرزا (فاتح) (هرات متوفی در جمادی الاولی 1300 ق.

3- میرزا یوسف مستوفی الممالك متوفی بسال 1303ق.

4- زناویف وزیر مختار روسیه

5 - مقصود اراک و شهرستانهای مرکزی ایران است.

6- ابوالفتح خان پسر خانباباخان و با نوعظمی (خواهر ظل السلطان) در دستگاه نیمه

سلطنتی ظل السلطان مقامی داشته و درج -2 ق 1305 ق در سن 41 سالگی در گذشته است.

7- پیشنهاد ظل السلطان پیشنهاد معقولی بوده ولی گویا در نظر داشته است در مسافرت روسیه برای ولایت عهدی و سلطنت آینده خود با روس ها ترتیبی بدهد و شاید مخالفت ناصرالدین شاه با مسافرت او در اثر آگاهی از همین اندیشه بوده است.

عکس

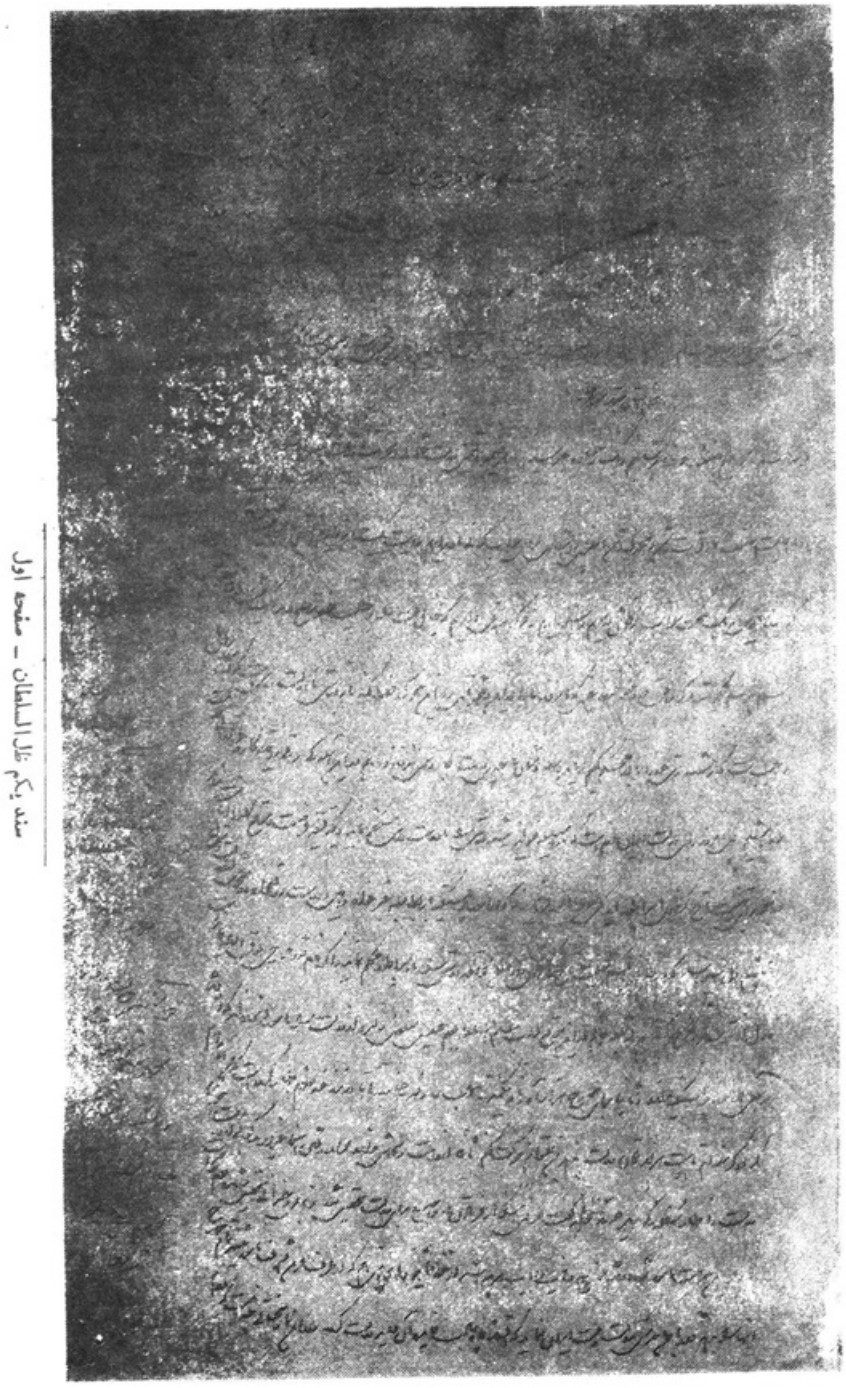

سند یکم ظل السطان- صفحه ی اول

ص: 47

عکس

سند یکم ظل السلطان – صفحه دوم

ص: 48

سند دوم

گزارشی از ظل السلطان برای ناصرالدین شاه درباره بختیاری ، پس از دستگیری و قتل حسین قلی خان ایلخانی (شوال 1299ق)

تصـدق خاکپـای افـدس همایونت شوم – بزیارت دست خط مبارك قرین اغراز و امتیاز گردیـدم و نیز دست خط تلگرافی را که جناب امین الـدوله مرموز نموده بودند زیارت کردم در فقره ی بختیاری ها مرقوم و مقرر شده بود که چرا غلام مضـطرب شده (؟) غلام حق دارد که در این کار ها گاهی اضطراب پیدا کند چگونه مضطرب نشود که این همه نفاق در وزرای دربار همایون می بیند چگونه مضطرب نشود که وزیر جنگ ایران (1) در کار مملکت اخلال و مفسدین را تحریک می کند ، چگونه مضطرب نشود که ارکان دولت در خرابی کار دولت اسباب چینی می نمایند چگونه مضطرب نشود که یا برای غرض شخصی یا برای جلب نفع جزئی یك قسمت از مملکت را می خواهند برهم بزنند ، غلام هم برای این که فسادی ظاهر نشود که اصلاح آن اهمیت کلی را در پی داشته باشد در جزئیات اصلاحات عجله و اضطراب می کند که کـار به کلیات نکشـد ، از این جهـة بود که چون ایلات در حرکت بودنـد و این اخلالات پیاپی هم در کار بود عجله نمود که زود تر این کار انجام بگیرد و همه از خیالات دور و در از بیفتند و بدانند امری گذشته است (2) و دیگر تحریك و اخلال مفید نیست از آن طرف چون می دانست که در اتمام این کار ها هم بعضـی گرفت و گیر ها هست که امروز منشـی حاضـر نیست و مهردار خوابیده است مسـتوفی باید ثبت کنـد محـل ضـرر دیوان می شود غـایب و متوفی بایـد کرد تا آن ها می خواسـتند این ایرادات را بگیرنـد ، آن اخلال ها که در کار بود صورت گرفته بود از این جهت غلام عجله کرد و تند نوشت که زود این کار انجام بگیرد و همه از خیالات

1- کامران میرزا پسر ناصرالدین شاه (برادر ظل السلطان)

2- منظور کشته شدن حسین قلی خان ایلخانی است

آسوده شوند والا از تصدق فرق مبارك و از مراقبت غلام این ها کسی نیستند که قدرت خلاف داشته باشند، بلی اگر دست داشته باشند و غفلت از حال آن ها بشود بسی کار ها خواهند کرد ولی غلام دقیقه (ئی) نمی گذارد که آن ها بخیال خود حرکت کنند که بتوانند حرکت خلافی کرد و تا این آخر سال یونت ئیل که این ادارات و این طوایف سپرده ی غلام است انشاءالله از توجه خاطر مبارک نمی گذارد سرموئی خلاف و بی نظمی واقع شود و اگر خدای نخواسته صدائی بلند شود خود مسئول است و خود رفع خواهد نمود، غلام خود متعهد است که سرموئی از آن ها خلاف سرنزند و اگر فرضاً اتفاقی هم بیفتد خود رفع خواهد کرد چنان که در فلاحیه و محمره آن همه اتفاقات افتاد و غلام نگذاشت که بعرض حضور مبارك رسد و به تدبیرات عملی همه را رفع نمود ، در کرمانشاهان هر روز اتفاقی می افتد و رفع می شود. البته ده ولایت ،است هشتاد منزل عرض وطول است (1) هزار نوع مردمان وحشی و کوهی و بیابانی هستند نمی شود اتفاقی نیفتد اگر در صدد بر نیایم ورفع نکنم مورد بحث خواهم بود و الاکار است اتفاق می افتد ، نهایت غلام کار بزرگ را کوچك کرده و پیرایه بر او نمی بندد و حکایت قلیچ خان ترکمان (2) نمی کند

عکس

آسوده شوند والاّ ازتصدق فرق مبارك و ازمراقبت غلام اینها کسی نیستند که قدرت خلاف داشته باشند ، بلی اگردست داشته باشند و غفلت ازحال آنها بشود بسی کارها خواهندکرد ولی غلام دقیقه(ئی) نمیگذاردکه آنها بخیال خودحرکت کنندکه بتوانند حرکت خلافی کرد و تا این آخر سال یونت ئیل که این ادارات و این طوایف سپردهٔ غلام است انشاءالله از توجه خاطرمبارك نمیگذارد سرموئی خلاف و بی نظمی واقع شود و اگرخدای نخواسته صدائی بلند شود خود مسئول است وخودرفع خواهدنمود،

حسینقلیخان ایلخانی

غلام خود متعهد است که سرموئی ازآنها خلاف سرنزند و اگرفرضاً اتفاقی هم بیفتد خود رفع خواهد کرد چنانکه در فلاحیه و محمره آنهمه اتفاقات افتادوغلام نگذاشت که بعرض حضور مبارك رسد وبتدبیرات عملی همه را رفع نمود ، در کرمانشاهان هرروزاتفاقی می افتد ورفع میشود.البته ده ولایت است، هشتاد منزل عرض وطول است (۳) هزارنوع مردمان وحشی وکوهی و بیابانی هستندنمی شود اتفاقی نیفتد، اگردرصددبرنیایم ورفع نکنم مورد بحث خواهم بودوالاکار است اتفاق می افتد ، نهایت غلام کار بزرگ راکوچك کرده و پیرایه بر او نمی بندد و حکایت قلیچ خان ترکمان (۴) نمیکند

حسین قلیخان ایلخانی

ص: 50

1- مقصود ولایات وسیعی است که ظل السلطان بر همه آن ها حکمرانی داشته است.

2- قلیچ خان ترکمان در اول سال 1299 در آق قلعه استرآباد با گروهی افراد مسلح به یاغی گری برخاست و حبیب الله خان ساعد الدوله خلعتبری تنکابنی (حکمرن اناسترابا د) فتنه را بزرگ کرد تا خدمت خود را بزرگ جلوه دهد .

و برای گرفتن او خلعت و منصبی نمی خواهد و اگر غلام کار کوچک را بزرگ نکند و دسته قرار ندهد نباید مقصر باشد.

این که مقرر شـده بود در حق پسـر های حسـین قلی خان چه خیال دارد (؟) این ها بحمد الله چندان قابل الذکر نیسـتند که مورث خیالی باشند ، دو نفر آن ها محبوسند (1) و یك نفر دیگر با مادرش آمـده و در اصـفهان مثل سایر اواسط الناس راه می رود (2) دو نفر برادر (3) دیگر که بیرون هسـتند که باید قرقی بدست گرفته عصر ها در کنار چاه ها گنجشك بگیرند، محل اعتنا نیستند که شخص را به خیال وادارند ، نهایت تکلیف در غلام است که از جزئیات امور غفلت نداشـته باشد و نخواهد کرد، این ها هم در حبس هسـتند تا غلام بطهران شـرفیاب شود اگر چنانچه عرض و اسـتدعای خود غلام است که طهران متوقف باشـد بهرکس این خدمت رجوع شود البته دسـتور العمل آن ها هم مرحمت خواهد شد و اگر خدای نخواسـته اسـتدعای غلام قبول نشد و امر به رجوعم فرمودند بعد از رسیدن به اصفهان و مراجعت ایل آن ها را رها می نمایـد بهرجا می خواهنـد ،برونـد، اگر در اصـفهان توقف بکننـد لقمه نانی بآن ها داده شود که گذران کرده زندگی نمایند و راه بروند و اگر هم میل دارند نزد هواخواهان و محرکین خود بروند خواهند رفت ، کلیتاً مقصود این است که امورات این ها چندان محل اعتنا و قابل خیالات نیست ، از تصـدق فرق مبارك آن که رب النوع آن ها بود (4) به این سهولت از میان رفت و این هایی که هستند قابل الذکر نیسـتند، نهایت تا رفتن و مراجعت ایلات و شرفیابی این غلام در طهران این دو نفر (5) باید محبوس باشند و آن سایر هم بحالت حالیه ی خودشان راه برونـد تا سال نو شود و ایلات مراجعت نماینـد تکالیف و وضع معلوم خواهد شد. خاطر مبارك از هر جهت مطمئن و آسوده باشد که نقلی نیست – الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع . (6)

1- اسفندیار خان و علیقلی خان (سردار اسعد)

2- نجف قلی خان (صمصام السلطنه)

3- خسرو خان (سردار ظفر) و یوسف خان (امیر مجاهد)

4- حسینقلیخان ایلخانی

5- اسفندیار خان و علیقلی خان

6- ناصـر الدین شاه در یادداشتی که پس از گرفتاری و قتل حسـین قلی خان بختیاری به ظل السـلطان نوشته درباره ی عدم تعرض به اموال حسین قلی خان نوشته است: در فقره ی اموال بختیاری و حسین قلی خان با پست اخیر نوشتم که ابداً متعرض نشوند البته خلاف مصلحت است که یك تومان کسـی از آن ها بخواهـد باید همه را دل گرم و امیدوار نگهدارید. (ص41 کتاب زندگانی سیاسی اتابك اعظم از مهراب امیری)و ظل السـلطان هم جز ضـبط تفنگ های گردآوری شده ی ایلخانی کوچک ترین تعرضی نسبت به اموال و املاك بختیاری ننمود . (ظل السلطان بر خلاف مندرجات این سند ، در کتاب تاریخ مسعودی خود را در قتل حسینقلیخان ایلخانی مجبور دانسته است) .

عکس

سند دوم ظل السطان – صفحه اول

ص: 52

عکس

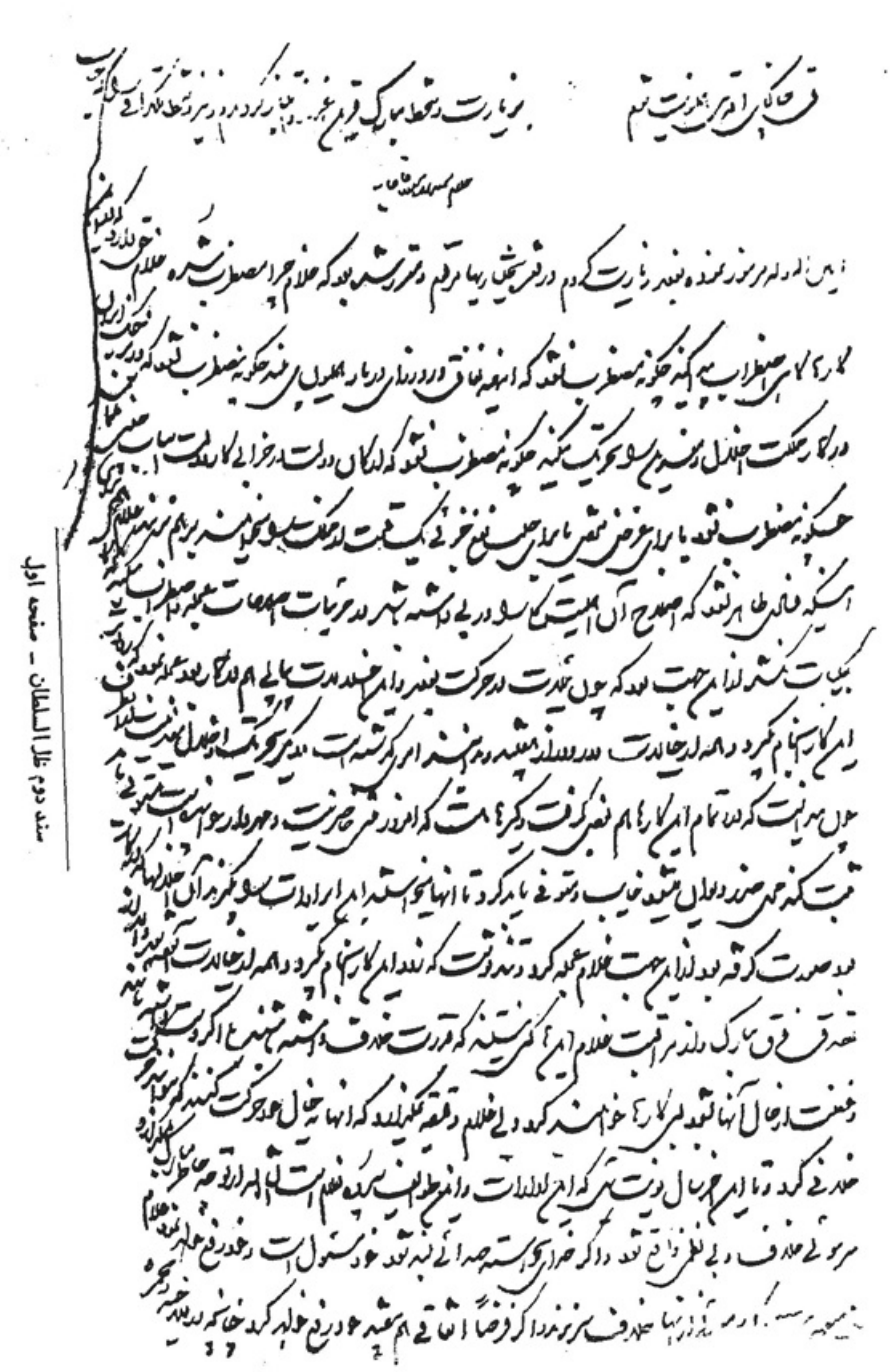

سند دوم ظل السطان–صفحه اول

سند سوم

گزارش مهم دیگری از ظـل السـلطان به ناصـرالدین شـاه دربـاره ی لزوم تنبیه بختیاری و خطر و دشواری هایی که دولت ایران و حکومت اصفهان از ایلخانی و ایل بیگی بختیاری داشته است.

این نامه پنج سال پس از مرگ حسـین قلی خان نوشـته شده ، چون تاریخ قتل حسین قلیخ ان در ماه رجب 1299 ق می باشد و تاریخ این گزارش 1304 ق است در این گوارش صراحت بیان ظل السلطان و دلتنگی او از دولت نیز قابل توجه است.

تصدق خاک های اقدس همایونت گردم – در عزض این عریضه شهد الله خیال اسباب چینی برای اولیای دولت یا حدوث زحمت یا تولید خرجی یا بـدنامی یا ازین قبیل مطالب نکرده ام بلکه چون وجود مبارك پادشاه و پدر و ولی النعم غلامند فقط محض کسب تکلیف عرض می کنم و هیچ طمعی و غرضـی و خیالی جز خدمت به دولت و نیک نامی ولی نعمت خود ندارم و مستدعی هستم که جواب این عریضه را صریح و صحیح دست خط فرموده استخوان لای زخم نگذارند و هر چه را رأی و خیال مبارك است با دستور العمل که حرکت و سکون غلام از روی آن دستور العمل باشد مرحمت فرمایند چنان چه غلام حاق مطلب را بدون کم وزیاد معروض داشته جواب هم حاق مطلب را مقرر دارند. حالت حسـین قلی خان بختیاری در پیشگاه حضور مبارك مکشوف و معلوم بود که در این اواخر چه غرور و چه طغیانی پیدا کرده و بچه انـدازه دولت بی اعتنا شـد و احکام دولت را سرسـری می پنداشت و همواره در خیال فتنه و فساد داخلی بود و با خارجه هم راه پیدا کرده (1) در فکر جمع آوری اسلحه و خود آرائی اوقات می گذرانید تا آن که به امر فرمایش مبارک و این که اصلاحی برای خیالات او بهتر از حبس سیاه چال نبود

1- حسـین قلي خـان ایلخانی را در رجب 1299 ق قهوه ی مسـموم خوراندنـد و یا خفه کردنـد و بزنـدگی او خاتمه دادنـد و دو فرزندش اسفندیار خان و علیقلی خان (سردار اسعد) نیز زندانی شدند.

مبتلا شد و دو پسر او را هم که یکی از آن ها واقعاً صد در صد از پدر مفسدتر و حرام زاده تر و واجب القتل تر بود این غلام محبوس نموده و حالا ـ سال پنجم است که در محبس بسر می برد و گویا چاره ی کار او هم منحصر به همین است که در همان حبس عمر او تمام شود (1) از آن طرف هم بعد از وقوع این واقعه غلام قسمی بی طمعی و بی غرضی بخرج داد که بر دوست و دشمن معلوم شد که مقصود غلام از این کار جلب نفع یا غرض با کسی نبوده است فقط چون حسین قلی خان خائن دولت بود بسزای خود رسید ، دیناری دست بمال او نخورد و ذره ئی دخل و تصرف کسی در کار او نکرد، اعمالی که با او بود بهمان ترتیب محض آن که شیرازه ی کار خوانین آن ها بر هم نخورد به برادرهای او رجوع نموده (2) همان منصب و مواجب و شغل و طایفه و ابوا بجمعی و سرتیپی و سوار بلکه با تقویت و همراهی زیاد تر حسب امر مبارک به برادرهای او تفویض گردید و در این چند سال آن چه لازمه مهربانی و رعایت بود از آن ها کرده بلکه در هزار مواقع از خطا های آن ها چشم پوشی کرده بروی خود نیاورده و بعرض حضور مبارك نرساندم ولی خبث طینت و ناپاکی ذات که مفطور و مجبور این سلسله است نمی گذارد که آرام بگیرند نه چنان جنون و غروری در فطرت آن ها است که بتوان تحمل نمود ، از جمله حسین قلي خان در زمان حیات خود طوایف قشقائی و ممسنی را برده بدور خود جمع کرده بود ، چنانچه عرایض مرحوم فرما نفرما (3) از بابت طوایف بروجرد و عرایض نواب حاجی معتمد الدوله (4) از بابت طرایف کوهکیلویه و قشقائی چندین مرتبه بعرض حضور مبارك رسید و مسبوق هستند .

پس از انهدام او خواست که هر تفرقه طایفه که نزد آن ها جمع شده بمحل خود معاودت دهد ایلخانی (5) وایل بیگی (6) جدید بصدا در آمدند که این فقره در اول کار اسباب شکست ما است اگر در اول کار این و هن بما برسد نمی توانیم نظم کار بختیاری را بدهیم ، غلام هم چون اول کار آن ها بود نخواستم سخت گیری کنم ولی به آن ها نوشتم

1- اسفندیار خان

2- امام قلی خان ایلخانی و رضا قلی خان ایل بیگی

3- مکرر - فیروز میرزا نصرت الدوله (پدر عبد الحسین فرمان فرمائیان)

4- حاجی فرهاد میرزا - یکی از عوامل نابودی حسین قلی خان ایلخانی گزارش هائی بود که معتمدالدوله بر ضد او از شیراز برای شاه می نوشت.

5- حاجی امامقلیخان

6- رضا قلی خان

که این طوایف که در نزد شـما هسـتند مالیات بدهنـد یا بایـد مالیات آن ها را قبول کنید یا طوایف را رد کنید چون هنوز اول کار بود و قوتی نگرفته بودند سالی پنج هزار تومان قبول کردند، همینقدر که مسلط بر کار شدند و تقویت کلی دیدند بعد از دو سال انکار کردند و غلام هم بملاحظـاتی چنـد ساکت شـدم و این سـکوت غلام بیشتر اسـباب جسارت و غرور آن ها شـد و بنای خیرگی و بی اعتنائی به احکام دیوان گذاردند بلکه تجاوز کرده نامربوط گوئی را هم شـعار خود کردند، از جمله چند فقره این مسـئله شنیده شده است که هر وقت اسم مبارك یا نام غلام برده می شود بته (بوته) خاری از زمین کنده می گویند شاه و ظل السلطان پیش ما بقدر این خار قدر ندارند و زرده کوه (1) را نشان می دهند که این شاه است ، و في الواقع حالا یاغی خادم شـما هسـتند و در این چند سال هم که بواسـطه با مزعل (2) راه دارند بتوسط او قدری تفنگ مارتین و غیره تحصـیل کرده بیشتر باین اسـلحه مغرور شده در خلاء و ملاء می گویند فلانی همینقدر از ما ممنون باشد که ما او را آسوده بگذاریم. دیگر حق تحکمی بما ندارد ، سـرباز فوج چهار محل را می گیرند می برند حبس می کنند که چرا سـرباز شده ، وقتی سرباز عارض می شود که من این معامله را کرده انـد بروی بزرگوار خود نمی آورم و خود را به نشـنیدن میزنم و به صارم الـدوله (3) دستور العمل می دهم و به آن ها چیزی می نویسـد جواب می گوینـد ، صارم الدوله فلان خورده سوار چاره محلی ... (4) را می گیرند اشکنجه می کنند وقتی کریم آقای میرپنج آن ها می نویسد جواب می گویند میر پنج و میر شـش و میر هفت نمی شناسـیم و از این قبیل مزخرفات که واقعاً شـرح دادن آن رکیك است ، و غلام در این مدت هر چه از این مطالب شـنیده همه را بسـکوت و نشـنیدن گر چه گذرانده و هر چه غلام بیشتر سکوت می نماید شدت عمل آن ها زیادتر می شود و روز بروز بخیالات دیگر افتاده سوار و تفنگچی جمع می کنند و قلعه می سازند و می دانداری می کنند و مبارز می طلبند.

1- از کوه های بختیاری که یکی از قلعه های مهم بختیاری در دامنه ی آن ساختمان شده است.

2- شـیخ مزعل پسـر شـیخ جابر از 1298 تا 1314 ق از طرف دولـت حکمران محمره (خرمشـهر) بـود و در 1314 بتحریك برادرش (خزعل) کشته شد.

3- ابوالفتح خان خواهر زاده ظل السلطان.

4- یك کلمه خوانده نشد

حقیقت این است حوصـله را بر غلاـم تنـگ کرده انـد و حال این که دولت امروز این غلام را بزرگ کرده و میر قلیـچ خود قرار داده این نوع حرکـات در زیر گوش این غلام از چهار نفر مردمان دیوانه صادر بشود و حال آن که خودشان هم می داننـد ده نفر دوست در تمام بختیاری ندارنـد و هر وقت از طرف دیوان یکـذره اهـانت در حق آن ها بشود تمام این اشـخاص که اسب آن ها را سوارنـد و تفنگ آن ها را در دوش دارند از دور آن ها خواهند پاشید ، طاقت غلام طاق شده ملاحظه می کنم دولت روس اگر چه دولت بزرگی است ولی طرف مقابل او هم تراکمه آخال و تکه (1) شـش صد هزار خانوار را اسـلحه چین نموده و نتوانسـتند مخالفت کنند دولت ایران سه نفر پادشاه زاده نمی توانند ایلات خود را اداره کنند ، حضرت ولیعهد (2) هر چه می خواهند ایلات شاهسون را تخته قاپو فرمایند از عهده بر نمی آیند حضرت نایب السلطنه (3) شاهسون بغدادی و ایل زرکر را در زیر سر خودشان نمی توانند منظم نگاه دارند ، ظل السلطان که میر قلیچ دولت ایران است می خواهد دو نفرخان بختیاری را زیر اطاعت بیاورد نمی شود ، بدیهی است اگر خدای نخواسـته یك اتفاق داخلی و خارجی برای ما بیفتد اول کسـی که ما را احاطه کنـد و بخود مشـغول نمایـد همین ایلات خواهنـد بود ، وقتی هم که میخواهم یک اردوی دوسه فوجی در چمن کندمان بفرسـتم که اقلاً آن ها را بترسانم برای مخارج شبی پنجاه من جو و یك خروار کاه که علیق اسبان داده شود اولیای دولت صلاح در بودن اسب توپخانه در اصفهان نمی دانند .

تقویت های ظاهری هم که چند سال است متروك شده و حال آن که برای غلام با این کارهای بزرگ و دشمن های خانگی که دارد تقویت ظاهری بسـیار لازم است تقویت باطنی برای غلام مفیـد نیست اگر در قلب مبارک هزاربد بغلام بفرمایند و یك کلمه روبروی مردم تمجید فرمایند برای غلام هزار فوائد دارد .

چند فقره در باب کسر توپخانه اصفهان عرض کردم و اگنر (4) هم که آمد دید

1- از ترکمان های مرزنشین سرخس و مرو

2- مظفر الدین میرزا (شاه)

3- کامران میرزا

4- واگنر - ژنرال واگنر مستشار اتریشی

و تصـدیق خود را را پرت کرد، اولیای دولت صـلاح ندیدند و مضامین گفتند و گمان کردند که ظل السـلطان یك قرال (1) جداگانه غیر از دولت ایران است و حال آن که غلام شخصاً هیچ ،نیست غلام خادم وجود مبارك است اگر خدای نخواسته اسب دولت منحصر بیك رأس بود آن اسب را باید غلام تیمار و زین کند و اگر دولت یك نان داشته باشد باید نصف آن را بغلام مرحمت فرمایند باری از اصل مطلب دور افتادم مقصود در سـر خوانین بختیاری و حرکات زشت و الفاظ رکیك و غرور آن ها است که در این باب چه می فرمایند و تکلیف چیسـت (؟) اگر باید غلام به همین بی غیرتی بسازد و هرچه می شـنود و می بیند ساکت باشد و روز بروز آن ها قوی تر شوند و با لمآل قسـمی شود که علاج پـذیر نباشـد اطاعت دارم هر چه میل و امر مبارک است رفتار می کنم و از خود چیزی نـدارم و کسـی نیسـتم و اگر بایـد آن ها را بجای خود نشاند برای غلام ممکن است بدون این که اضافه قشونی بخواهم یا مخارجی برای دولت بتراشم آن ها را تأدیب خواهم کرد . از تصدق فرق مبارك اسـباب تأدیب آن ها حاضـر است بقدر مخارج قشون هم از دهات پر حاصل آباد آن ها که در چار محل و مزدج دارند پیدا می شود و بعد از تأدیب آن ها آن دهات و هر چه محصول داشته باشد مال دولت خواهد بود در این باب هم چشم به اسب و مادیان و پول و جواهر و ملـك آن ها نـدارم چرا که اسب ها را سوار شـده فرار می کننـد نقـدینه ی آن ها هم در کوه ها مخزون است و جز خودشان کسـی سـراغی ندارد، دهات آن ها هم معین است اگر باید ضـبط شود البته ضبط دیوان خواهد شد ، پس برای غلام صرفه جز زحمت زیاد ندارد ولی با این وضـعی که اینها پیش گرفته اند این بی غیرتی را نمی توان تحمل کرد که دو نفر خان پوسـیده هزار نامربوط بدولت و اجزای دولت بگویند و مطیع نباشـند و در حقیقت در پهلوی غلام باغی مطیع نما باشـند ، بلی چیزی که هست این است که یحتمل این کار سـه چهار ماه طول بکشـد که حضـرات را تعاقب نمائیم یا دسـتگیر یا فراری شونـد و الآن هم چون فصل مقتضـی است و هواخوش است اگر کاری

1- ظل السـلطان تعبیر درستی کرده زیرا ناصـر الدین شاه مردی معتدل بوده و به اطاعت و نظم ظاهری ایلات بسنده می کرده اما در موقع سرکشی و طغیان نیز از تنبیه آنان غفلت نمی ورزیده است.

باید کرد موقع حالا است .

این که از حضور مبارك کسب تکلیف می کنم و دستور العمل می خواهم برای نا خوشی ذات البعد است چرا که می دانم وجود مبارك میل بخواندن نوشتجات و قبول دو ساعت زحمت ندارند همان نظم سطحی و رسیدن قسط را می خواهند و برای اولیای دولت همین کافی است اگر بیش از این می خواستند غلام را آرام نمی گذاشتند و اصرار ها می کردند و به سفر ها مأمور می نمودند و کار های بزرگ می خواستند همین قدر که غلام دست بکار زدیا دستگیر می شوند و یا خودشان را به اصفهان خواهند انداخت و بتوپخانه یا مسجدی خود را پناهنده خواهند نمود یا فراری خواهند شد و کلیتاً مقصود غلام از فراری شدن آن ها است که لابد بعد از فرار کردن خود را به حضرت والا ها و جناب جلال تم آب ها پناهنده شده چیز ها جعل می کنند دشمنان غلام هم که همیشه مستعد مضمون تازه هستند کار نشده را هزار جعلیات درست می کنند، وای بوقتی که یك همچو کار بزرگی مضمون بدست آن ها بدهد هزار و یك اسباب زحمت برای وجود مبارك فراهم می نمایند و وجود مبارك را ملجاء به بعضی احکام خواهند کرد، غلام هم که در اطاعت او امر و نواهی وجود مبارك خودداری ندارد ناچار است اطاعت امر مبارك را بنماید آن وقت بالمره خراب و تمام خواهد شد اگر میل مبارك بر انتظام و تأدیب این ها است و تا آخر کار همراهی خواهند فرمود چنانچه چندین دفعه از این اتفاقات افتاد و همراهی فرمودند مثل فقره میر محمد حسین و فقر: خوانین لرستان و فقره همین حسین قلی خان و عمل فارس و عمل کرمانشاهان و غیره و غیره کمال تقویت فرمودید ، بحرف ها و به - جعلیات مغرضین گوش ندادید حسن خان را از تبریز مغلولاً به طهران آورده محبوس فرمودید ، غلام حاضر است که این خدمت را مثل سایر خدمات اگر چه پرزحمت تر است انجام بدهد و اگر غیر از این است و وقتی حضرات فراری و ملتجی بجائی شدند و حضرت والائی یا جناب مستطابی را شفیع نمودند، قبول خواهید فرمود هیچ دست

با این کار نزده به همین بی غیرتی می سازد و این مهملات را می شنود و ساکت است .

غلام رسم نـدارد که هر مطلبی را هر ماه هر سال بحضور مبارك عرض کند، تا کار سـخت نشود اسـباب تصدیع خاطر مبارك نخواهد شد، کـار این اشـخاص بـا این وضـعی که پیش آمـده خوب نیست و وضع این ها بـد است پن جسال است حکومت بختیاری و چهار محال و مزدج با اینها است یک دفعه نزد غلام نیامده اند و غلام هم بملاحظه این که اگر آن ها را احضار کند نخواهند آمد و اسـباب افتضاح است آن ها را نخواسـته است ، حالا دیگر دو سال است بنای نامربوط گوئی را گذارده اند بختیاری را هم تمام کرده آن چه اشـخاص به کار بودند از پـای در آوردنـد ، چراغ علی خـان بختیـاری که رئیس طـائفه چهار لنگ بود بالمره تمام کرده بیست هزار تومان اموال و خانه او را غارت کردنـد ، میرزا آقاخـان که رئیس طـائفه جانکی گرمسـیر بود بالمره غارت شـده چهار سال است در شـیراز نزد جناب صاحبـدیوان است ، توشمالان (1) و خوانین خود را تمـام کرده هر چه رعیت پادار (2) بود آورده بی جیره و مواجب سوار تفنگچی یـا پیاده تفنگچی خود کرده اند حالا که می بینند کسـی در مقابل ندارند بنای یاوه گوئی بدولت و اسـلحه جمع کردن و قلعه ساختن گذاشـته اند و بدیهی است که این وضع خوش وضـعی نیست دنیاست هزار خوب و بد دارد و هزار کم و زیاد دارد این قسم در وسط معموره و عین آبادی مملکت ما باشد از حزم و احتیاط دور است، اگر یك امر جزئی در سـرحد ما اتفاق بیفتـد بعوض این که خودشان با طایفه برای جان فشانی حاضـر شوند ما را بخود مشـغول خواهنـد کرد، بحمـد الله ما هم دولتیم ما هم سـلطنتیم همه چیز داریم چرا باید ذلیل دو نفر بختیاری باشـیم (؟) غلام هم عرض می کنم که بدون معاونت خارجی این کار را تمام می کنم و آن ها را گوشمال صحیحی می دهم.

چنین تصور نفرمائید که غلام آسـتان یك آدم سـفاك خونخواری است و یك ندی است قتل و غارت نکرده دلتنگ شده و حالا بهانه بدست آورده است میخواهد

1- تو شمال کلمه لری مرادف با معنی بزرگ و خان.

2- پادار - یعنی متمکن

صفات ذمیمه ی خود را بروز دهـد چنین نیست تاریخ حکومت و زندگی غلام در پیشـگاه حضور مبارك واضح است حالا هم بی نظمی و شرارت ظاهری از آن ها صادر نشـده مالیات خود را می دهنـد نظم طایفه را هم دارند. نهایت فضول و جسور شده اطاعت احکام ندارند و در نزد الوار عبارات رکیك مي گويند و دور نیست این حرکات دو سه سال دیگر اسباب زحمت بزرگی برای غلام بشود بلکه اسباب زحمت بالمـآل برای وجود مبارك و حضـرت والا ولیعهـد باشـد از این جهت است که می خواهـد گوش مالی به آن ها داده و آن ها را بجای خود بنشاند این است که کسب تکلیف می نماید و مشـروط بدو شـرط ،می دارد، اول آن که دسـتور العمل مکفی از حضور مبارک می خواهم دیگر این که اطمینان در آتیه داشـته باشم که معاندین نتوانند اسباب مضمون و زحمت فراهم بیاورند و غلام در سر این کار خراب شود، باز هم چنـدان اصـراری نـدارم و می دانم دنباله ی این کار را دیوان نخواهد آورد و بال مآل اسـباب خرابی غلام خواهد شد اگر می فرمایند باز ساکت بوده از مآل اندیشی غمض عین نماید و به همین قسم راه برود عرضی ندارم و اگر اجازه و دستور العمل می فرمایند از آن ها تنبیهی خواهد شد که بعد از این تکلیف خود را بدانند ، کار غلام در دولت کلیتاً قسـمی شده است که مرگ خیلی گواراتر از اظهار بعضی عرایض است ، اتصالاً بایـد بجهة نظم مملکت اسـباب ضـجرت قلب مبارك شده خاطر مبارك را مکدر و ملول ،نمایم مثلا مظفر الملك (1) برای نظم ایلات لرسـتان پنجهزار تفنگ لازم دارد ناچار می شوم جسارت می کنم مرحمت نمی شود ، دو ضرر می برم یکی تکدر خاطر مبارك ، یکی مفتضـح شـدن پیش مظفر الملـك که زبان او نزد غلام دراز می شود و يك اتفاقی که می افتـد نمی توانم از او مؤاخـذه کرد ، حسام الملك (2) حالا در باب فشـنگ قزاقی نوشـته است عین ملفوفه او را تقدیم نمودم ملاحظه خواهند فرمود، حیرانم جواب او را چه ،بنویسـم این است که در سـر این کار خوانین بختیاری هم این همه عرض و جسارت می کنم شاید لازم شد بیست هزار فشـنگ و پانصد گلوله توپ در این

1- محسن خان مظفر الملك از طرف ظل السلطان حاکم بروجرد و لرستان بوده است

2- زین العابدین خان قراگزلو (امیر افخم همدانی)حکمران کرمانشاه

سفر صـرف شود، علاوه بر آن که عوض آن مرحمت نخواهـد شـد اسـباب تغیر وجود مبارك هم خواهـد گردیـد مثل اسب توپخانه که در اصـفهان نیست و اگر لازم باشد اردو حرکت بدهم حیرانم چه باید کرد (؟) شـرحی در این مسـئله بجناب امین السلطان (1) خوزستان در کلیـه زمین است بختیـاری که جـای خـود دارد و در شـرارت و هرزگی معروف و مشـهور است و در صـورتی که این طـور فضـولی هـا و خودسـری ها پیـدا کرده اند و شـما تنبیه آن ها را لازم دانسـته اید ما هم لازم می دانیم، خاصه آن که متعهد پیشـرفت و بی خرجی و کم زحمتی آن ها شده اید البته ما هم تصدیق رای شما را داریم و اجازه می دهیم ولی چیزی که لازم است این است که آن ترتیبی که شروع و اقـدام به تنبیه آن ها خواهیـد کرد بایـد ما را مطلع کنید و بنویسـید و مفصـلاً که به چه قسم و چه وضع وچه ترتیب این یال خودتان را اجرا خواهید کرد و از کجا شروع و بکجا منتهی خواهید نمود (؟)

ص: 63

1- میرزا علی اصـغر خان (بعـدا وزیر اعظم =صـدر اعظم -اتابک اعظم). نوشـته ام چون در حضور مبارك قرائت خواهد شد تکرار نمی کنم لامحاله این اسب را وقتی بفرسـتند که نوشـداروی بعد از مرگ نباشد ، این خارجی که دیوان برای کارهای نظامی و غیره می دهد برای این است که در موقع بکـار بیایـد و الاـ چه لزوم دارد که دیوان بی جهت مخـارج کنـد (؟) همین عرایض است که همیشه غلام را پست و حقیر کرده و خود غلاـم هم می دانم ولی آن غیرت جبلی و نمـك بحلاـلی فطری نمی گـذارد که سـاکت بوده از این عرایض نکنم (پشـت کاغذ مهر مسـعود) . با خط امین السـلطان در پاسخ ظل السلطان از طرف شاه چنین نوشته شده است :ظل السلطان- این عریضه مشروح شما تماماً ملاحظه شـد، اولاً بدیهی و واضح است که امنیت اعم از ایل و غیر ایل تا مادام که آسوده و تابع است باید دولت هم رعایت او را بکند و هر وقت هرزگی بکند البته بر دولت لازم است که فوراً تنبیه بکند ...

قشون بر سـر آن ها می فرستیـد یا املاک آن ها را ضـبط می کنید یا حکم بقتل و غارت آن ها می کنید (؟) آیا راه آن ها را مسدود می کنید (؟) بهر ترتیبی که خیـال داریـد آن ترتیب را بنویسـید که هم بـدانم و هم شایـد چیزی بنظرمان بیایـد و علاوه آن کنیم . عجالتاً چون شـما بلدیت کامل از وضع آن ها دارید باید ترتیب این کار را معین کنید بفرستید ما هم اگر فکر و اصلاحی داشته باشد خواهیم کرد و یك مسئله است که نوشـته اید در این فقره خیلی محل ملاحظه است و آن این است که نوشـته اید تفنگ ته پر زیادی بتوسط مزعل تحصیل کرده اند ، در این فقره از خارج هم شـنیده ایم که بسایر ایلات و خود عربستان (1) هم از همین محمره توسط مزعل تفنگ فرستاده می شود و چقدر بد است که این ایلات حرام زاده ی شریر از بختیاری و قشقائی و اعراب والوار صاحب تفنگ های ته پر بشوند در صورتی که قدغن است و از هیـچ بنـدری حتی تفنگ شـکاری نمی گذارنـد داخل شود ، این بنـدر محمره مثل یك مرز آزادی شده است که از اختیار دولت خارج باشـد و هر چیز قـدغنی را که بخواهند از آن بندر حمل می نمایند عیب این از هر کار بیشتر و سد باب آن از هر کار لازم تر است وقتی که می گفتیم گمرگ این جا در دست مزعل نباید باشد به همین ملاحظات بود

لااقل باید آدمی از خود می فرسـتادید در سـر گمرك آن جا که نگذارد اسـلحه و غیره حمل نمایند و به این اشرار پدر سوخته بدهند. یکفقره هم اطمینان خواسته اید که اگر این خوانین بختیاری فراری شوند شاهزاده ها یا وزرا از آن ها حمایت و کارشکنی نکنند . از این فقره به کلی آسوده باشـید هیچ کس قدرت ندارد از بابت تقویت ظاهری و باطنی ما نسبت به خودتان نوشته اید ، این فقره تقویت های ظاهری و باطنی ما بقدری آشکار است که اسباب حسد و عداوت سایرین شده است، البته آسوده باشید نهایت تقویت خواهد شد.

از بـابت اسب توپخـانه هم به امین السـلطان فرمودیم که محمـد حسن خان را حاضـر کرده و حتماً بگویـد اسب های اصـفهان را بزودی حاضر ،کند از بابت فشنگ بجهة

1- خوزستان

بروجرد و کرمانشاهان ،هم، هیچ وقت از طرف ما همچو فرمایشی نشده است که فشنگ ندهند بلکه تفصیل آن این است که بشما نوشتیم که چون فشنگ زیادی همچو بنظر می رسد که در اصفهان داشتیم و بعلاوه توسط خود شما هم خریداری شد صورت فشنگ و موجودی اصفهان را نوشتم چقدر موجود است (؟) نوشته بودم که صورت بفرستند آن وقت هر قدر کسر و لازم است داده خواهد شد حالا هم این صورت را نوشته با همان پست بفرستید تاکسر آن داده شود زیاده فرمایش نیست. امضاء ناصر الدین شاه پس از توشیح با خط شاه این جملات افزوده شده است – تا ترتیب و وضع بختیاری را بعرض نرسانید و مفهوم نشود که به چه وضع تنبیه خواهید کرد اقدام نشود (1)

1- صراحت و بی پروائی ظل السلطان در نامه نگاری به ناصرالدین شاه و شدت تصمیم و نگرانی و سخت گیری او نسبت بسران بختیاری همچنین بردباری و ملایمت شاه در جواب نامه خشونت آمیز ظل السلطان و اعتدال وی در صدور دستور تنبیه و مجازات بختیاری همه در خود توجه است.

توضـیح – ظل السـلطان در جمادی الثانی 1305 در اثر گزارش ژنرال واگنر افسـر اتریشـی که برای بازدیـد قوای نظـامی ظل السـلطان به اصفهان رفته بود از فرمانروائی بر استان های وسیع جنوب و غرب برکنار شد زیرا واگنر نوشته بود.

«ظل السـلطان از اسـباب سـلطنت فقط تاج و تخت کم دارد »ظل السلطان پس از عزل از حکومت های وسیع قریب یک سال در طهران بیکـار بود و تنهـا عنوان حـاکم اصـفهان را داشت بـا عزل وی اسـفندیار خان و علیقلی خان با وساطت اتابك آزاد شدنـد و اسـفندیارخان بریاست ایل بختیاری برگزیده شد و علیقلی خان فرمانده فوج سواران رکابی بختیاری در طهران گردید. »

ص: 66

عکس

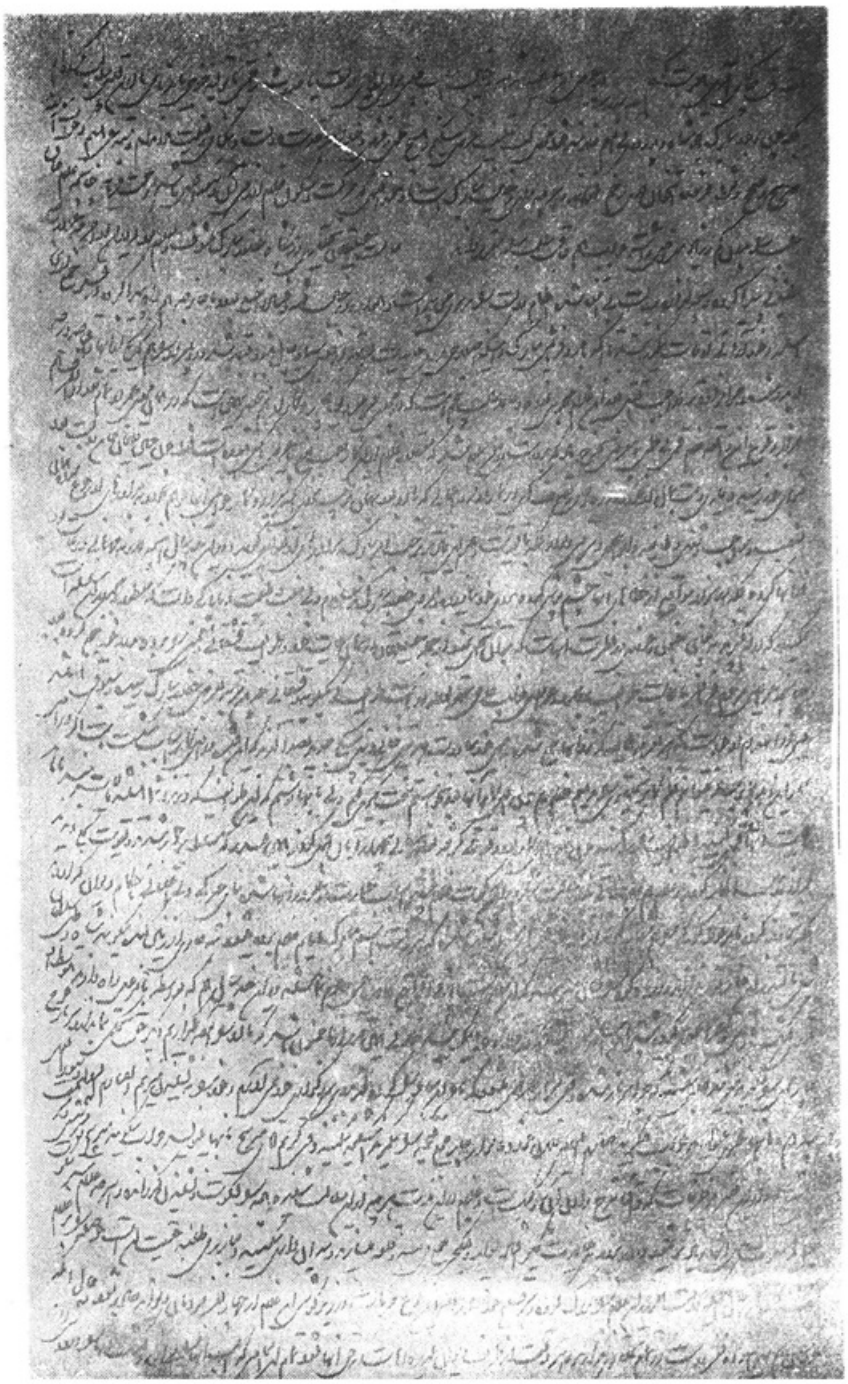

صفحه اول - سندسوم ظل السلطان

صفحه اول – سندسوم ظل السلطان

ص: 67

عکس

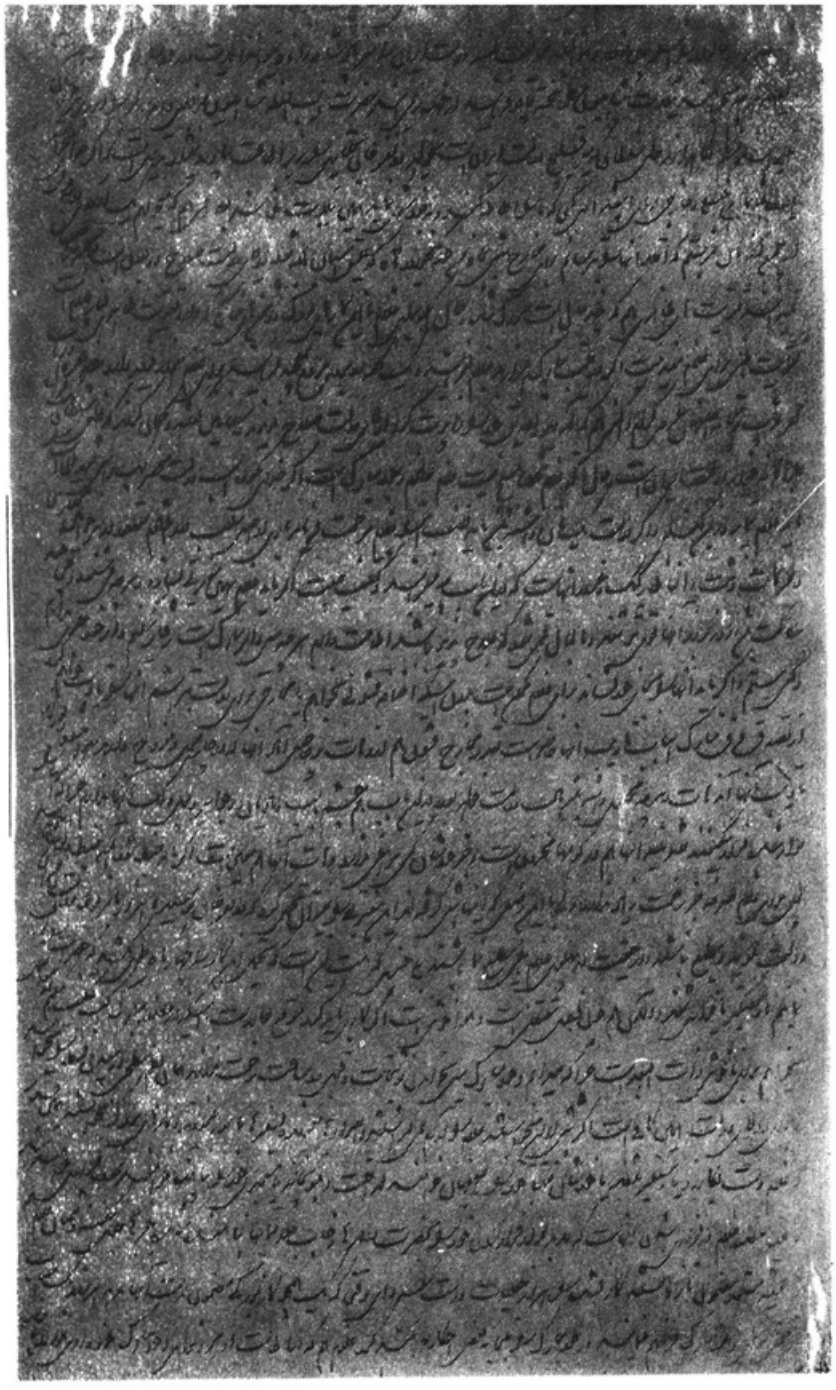

صفحه دوم – سندسوم ظل السلطان

ص: 68

عکس

صفحه سوم–سند سوم ظل السطان

ص: 69

عکس

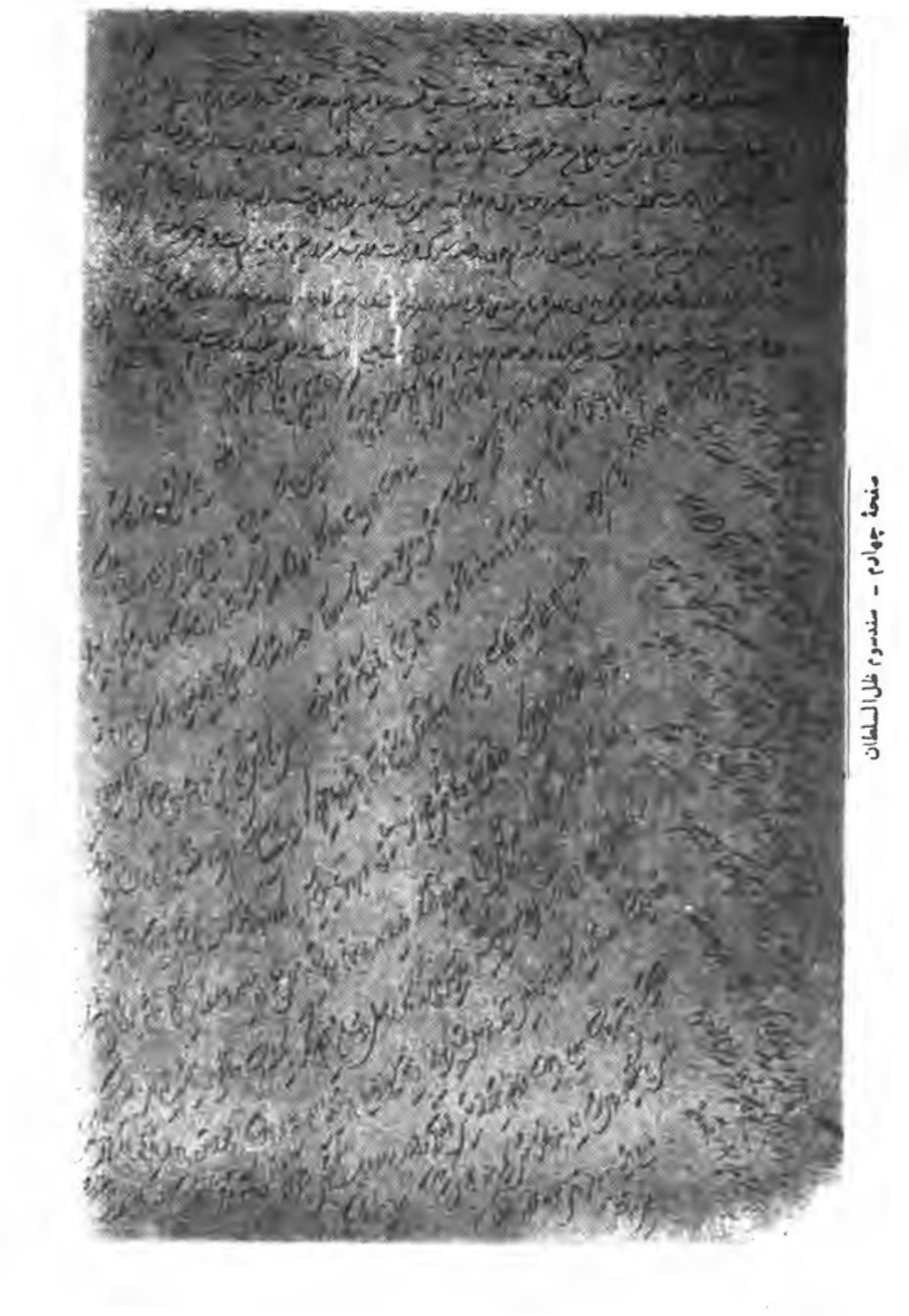

صفحه چهارم – سندسوم ظل السلطان

ص: 70

سند چهارم

گزارش ظل السلطان به ناصر الدین شاه درباره ی تحریکات دولت عثمانی در مرز ایران و حمایت آن دولت از شورش و یاغی گری های شیخ عبید الله (1) و اشاره به مندرجات روز نامه رسمی دولت عثمانی درباره ایران (1295ق) .

تصدق خاک پای اقدس همایونت شوم - اگر چه در مسئله دولت عثمانی و شیخ عبید الله در عریضه ی جداگانه جسارت نموده و عقاید خود را معروض داشته و لکن مجدداً لازم است که در این مسئله تشریح شود که دولت عثمانی از این رها کردن و گرفتن شیخ عبید الله مقصودش این بوده است که بدولت ایران حالی کند که من با همه گرفتاری ها که دارم باز هر وقت که برای دولت ایران تزلزلی بخواهم برایم ممکن است و این مسئله را بدستیاری سفیر کبیر بما خاطر نشان کرده است و از کجا که با خود شیخ عبید الله هم همین معاهده را در میان نداشته باشد که او را رها کرده دوباره بگیرد ، حالاهم او را گرفته به ولایات خارجه تبعید می نماید و به همه ی دول صدق و دوستی خود را حالی می کند ، چهار پنج ماه یک سال که گذشت از نو اسبابی فراهم می آورد ، تنها خودش که این کار ها را نمی کرد باز پسرش و کسانش هستند از نو مشغول می شوند و بلکه مقصودش قدرت نمائی بما است چنانچه در روزنامه لاترکی که روزنامه رسمی دولت آن ها است نوشته اند که شیخ عبید الله که تاج و تخت ایران را متزلزل ساخت و دو سال ما یه اغتشاش شد ما چنین و چنان کردیم اگر چه بعد هم از او بسیار بد نوشته اند ، لکن همین لفظ بر تزلزل تاج و تخت ایران خیالات آن ها را توضیح می کند، مقصودشان این است که یك نفر شیخ بی سر و پای تاج و تخت چهار هزار ساله ایران را که یادگار جمشید

1- شیخ عبیدالله سال های متمادی در پناه دولت عثمانی به مرزهای ایران دست تجاوز می گشود در سال 1297 ق میرزا حسین خان سپهسالار مأمور دفع او شد و به تجاوزات و پایان داد .

است می توانـد متزلزل دارد و دو سـال دولت ایران را بر هم زد و حـال آن که از اول فرار حمزه آقـا (1) تا وقتی که شـیخ عبید الله را قشون دولت فرارداد دو ماه طول نکشـید بی خبر جمعیتی فراهم آورد و دزدی و شـرارتی نمود و تا قشون دولتی مأمور شـد فرار کرد دیگر قابل این تفصـیلات نبود که تزلزل به تخت و تاج چهار هزار ساله بینـدازد این اخبارات را در روزنامه رسـمی دولتی می نویسـند و نشـر می دهنـد و مقصودشان این است که یك نفر رعیت ما هر ساعت بخواهیم تاج و تخت ایران را بر هم خواهد زد، چون عبارت غریبی بود همان روزنامه را تقدیم داشتم ملاحظه فرمائید . الامر الاقدس الاعلی مطاع .

ناصر الدین شاه در حاشیه گزارش ظل السلطان مطالبی نوشته که این جملات از آن مطالب خوانده می شود .

«ملاحظه شد صحیح نوشته اید و همین است که ملتفت شده اید لیکن بهتر این است که عثمانی ها تخت و تاج خود را حفظ کنند

1- حمزه آقـا منگور از کردهـای متنفـذ و مرزنشـین و تبعه ایران بود لیکن بتحریك دولت عثمانی سال ها در اطراف مهاباد و رضائیه ایجاد ناامنی می نمود و در 1298 ق امیر سترسی او را از پای درآورد.

عکس

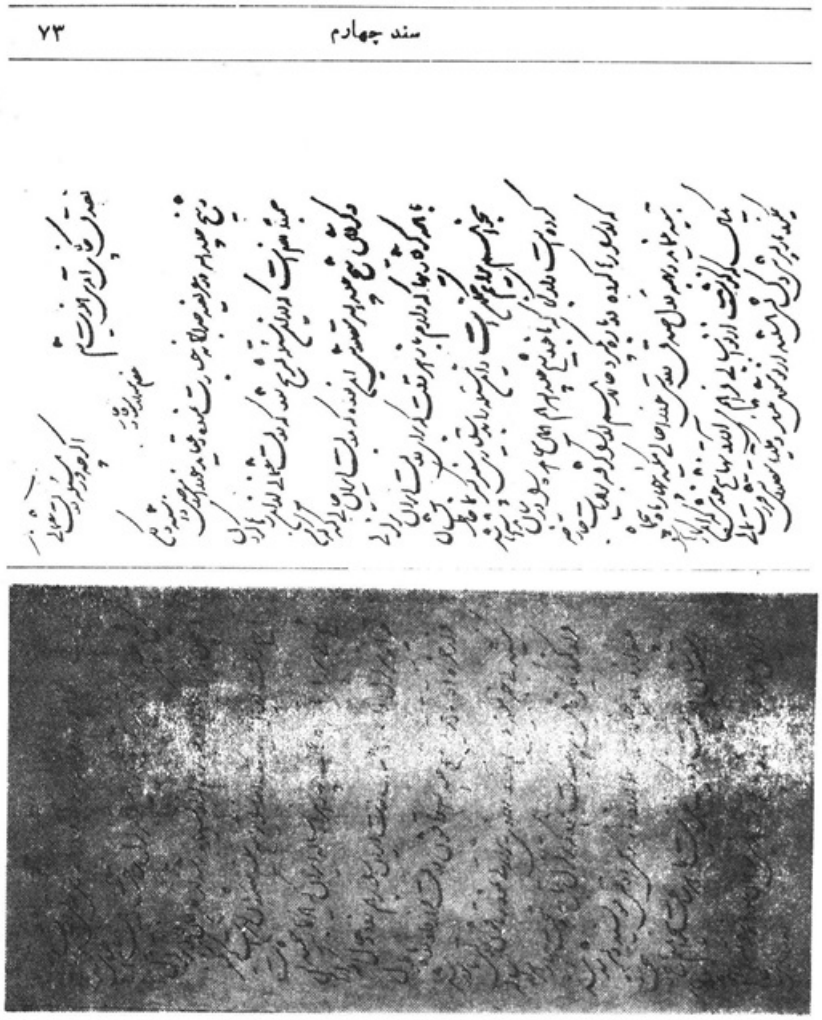

سند چهارم ظل السلطان

سند چهارم ظل السلطان

ص: 73

سند پنجم

یـادداشتی است از ناصـر الـدین شاه به ظل السـلطان درباره اصـلاحات مناطق مرزی غرب ایران، این یادداشت براثر گزارش «بهلر» رایزن خارجی ایران صادر شده و متن آن با خط میرزا علیخان منشی حضور (امین الدوله) می باشد .

ظل السلطان – کتابچه ی نمره اول سیاحت نامه و ملاحظات بهلر (1) که متضمن حالات سفر او از طهران الی زهاب است و بعضی دقت ها در اوضاع محلیه و غیره بود ملاحظه کردیم آن چه از حسن ترتیبات شما در امور کلی و قشونی نوشته است بر علم ما تازه (ئی) نیفزود و می دانیم که مراقبت و دقت شما جزئی و کلی امور را منظم و مضبوط کرده است.

در بـاب تعمیر پـل و کاروانسـرا و ساختن قـدری از راه هارون آباد که می گویـد در زمسـتان گل ولای بعابرین زحمت می دهـد و بیش از دویست تومان خرج ندارد، البته قرار بدهید البته دستور بدهید بتعمیرات و اصلاحات همه اقدام کنند در رعایت آن چه بعامه خلق مربوط و مخصوصاً ما یه سـهولت مراودات است بایـد خیلی معتنابه باشـد . آبادی خود هارون آباد و حمام و عمارتی که محمد حسن خان مرحوم ساخته خودمان معاینه کردیم و می نویسند در زمان حکومت رضا قلی خان خراب شده است هم لازم است.

بود و همچنین ساختن دویل کوچک نزدیکی هارون آباد بایـد مخصوصاً تأکید کنید نگذارند خرابی ها بیشتر و خرج تعمیر سـنگین تر شود بلکه بمباشری خود مسیو بهار چند فقره اصلاحات عاجلاً شده توجه و میل شخص شمارا بحفظ ابنیه و ضرورت

1– مهندس راه سازی اهل اتریش ، همسر ایرانی داشت، او بجز سفر غرب و کرنشاه در 1298 هم برای مطالعات سد سازی و راه سازی به خوزستان مسافرت کرد و گزارشی برای شاه نوشت که اگر بدست آید بسیار ارزنده است.

تعمیرات بدانند، یك مسئله عمده هم عمارت خرابی های ایل کلهر است که آبادی طایفه موجب آبادی محل می شود در این فقرات چند ساله و مخالفت رضا قلی خان با محمد حسن خان و طمع و تطاول حکام رعیت را متفرق و پریشان کرده اند و سبب عمده در بی انتظامی اطراف همین فقر و پریشانی ایل است.

اول اثر و بهترین ثمر حکمرانی شما این است که هر سال بشنویم فلا نقدر تفرقه ی فلان طایفه جمع شد، بلکه چون مردم محل امن و سلامت دیدند از خاک دیگر باینجا رو کرده اند همین که انشاءالله این مقصود را حاصل کردید منافع و عواید مملکت را خواهید دید و آن چه از ظلم و جور یک دفعه نتوانسته اند پردازند مستمر و متواتر از فایده ی انصاف عاید شما و دولت شده است، این مطلب را که اساس دستور العمل شما است باز تکرار کردیم و باز تأکید می کنیم که یک دقیقه غفلت نکنید.

تعمیر کاروانسرا ها و راه ها از هارون آباد والی کرند و پای طاق بحکم کلیه باید مرعی و منظور باشد خاصه تعمیر راه کالسکه که در مسافرت خودمان تا عتبات عالیات با خرج کلی ساخته شد و می نویسد خراب شده است و منتها دویست تومان خرج تعمیر ،دارد بی فوت وقت قدغن کنید خود بهار راه را مثل اول بلکه بهتر تعمیر کند و قراری بدهید که مستمراً مراقبت شود و خرج دولت در راه سازی بهدر نرود، اگر چه راه را همیشه باید آبادی حول و حوش نگاهداری کنند ضرر ندارد که مستحفظ دیوانی هم برقرار کنید و بعد از این بی مراقبتی سبب خرابی نشود ،تعمیر رباط زهاب و جبران خرابی خود آن جا هم محتاج بتأکید و فرمایش مخصوص است، زهاب باید خیلی آباد شود و آن ناامنی و علل دیگر که باعث حدوث خرابی های پی در پی شد مرتفع گردد همه قسم اسباب کار دارید و هر چه در اجرای خیالات خوب و آبادانی ها و تنظیمات عرض کنید در حضور ما مقبول است، برای نظم عمل کوران (1) و بعضی ملاحظات داخلی تحقیقات

1- کوران= گوران ایل معروف مرزنشین کرد در غرب ایران که بیشتر شان بطریقه ی علی اللهی هستند .

صحیحه ی خود شـما سـند است و آن چه را که دانسـته و مناسب دیده باشـید اجرا خواهید کرد، در این نوع مسائل لازم نیست از طرف ما حکم و فرمایش بشود -3 رجب یونت ئیل 1299

ص: 76

عکس

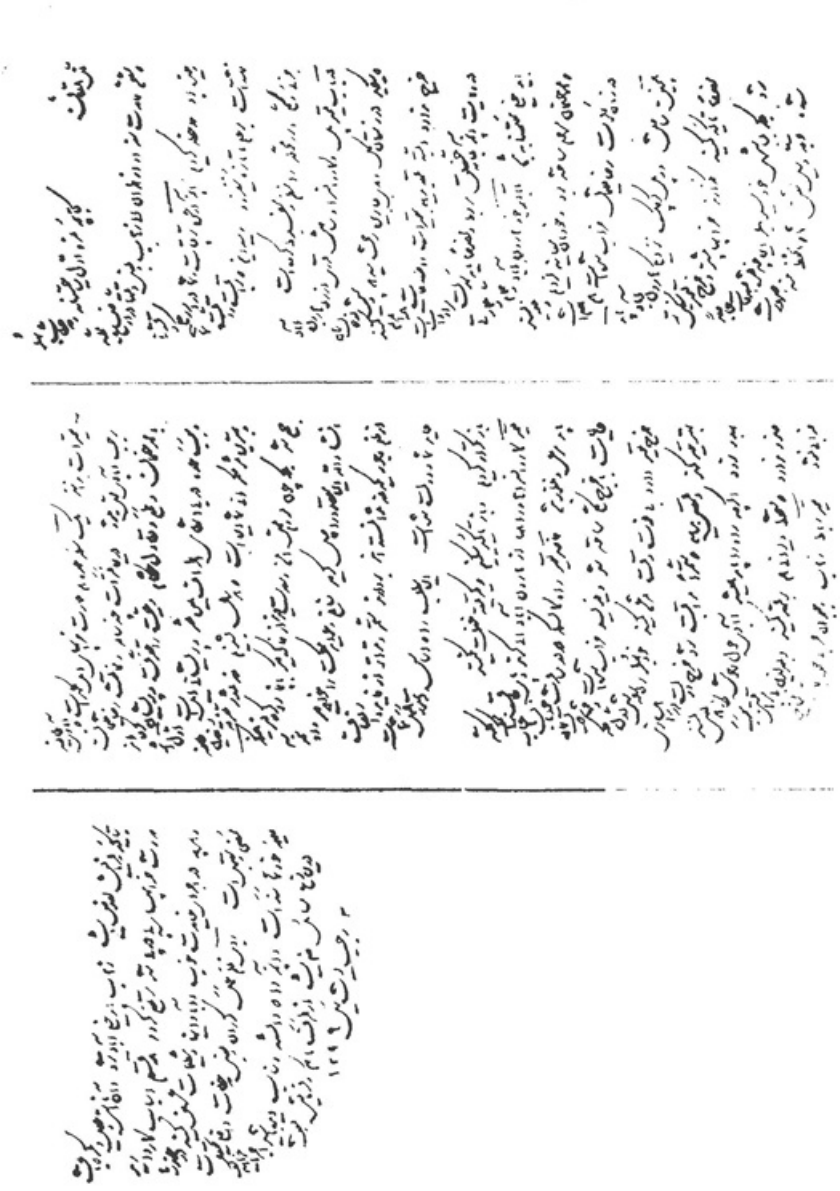

سند پنجم ـ یادداشت ناصرالدین‌شاه با خط امین‌الدوله

سند پنجم – یادداشت ناصر الدین شاه با خط امین الدوله

سند ششم

گزارشی از ظل السلطان و دست خطی از ناصرالدین شاه در باره ی برخورد نیروی محلی حسین قلی خان والی پشتکوه با نیروی عثمانی

تصدق خاکپای همایونت شوم – کراراً جسارت نموده ام که فقط با این غفلتی که داریم چیزی که ما را نجات می دهد و مخاطرات را معوق می گـذارد همـان عقل سـلیم وقوت قلب و خیالات عالی ملوکانه است ولی همسایگان ما ابـداً غفلت ندارنـد و دست از کار خود بر نمی دارند ، کاغذی جناب معین الملك (1) بغلام نوشـته است تلگرافی حسین قلی خان والی پشتکوه (2) بغلام کرده است هر دورا لفاً تقدیم نمودم از لحاظ مبارك بگذرد.

مقصود از فرسـتادن تلگراف کسب تکلیف برای والی است که در این مورد چه باید بکند و تکلیف او چیست (؟) عقیده ی غلام این است که ابـداً از طرف ما اظهاری نشود و والی خود دفع شـر آن ها را بکنـد، همین قسم که والی بغـداد بـدون اطلاع ما این اقدامات را می نماید حسـین قلی خان هم خود در صدد بر خود در صدد برآمده چنان نموده شود که ما هیچ اطلاع نداریم، اگر از طرف دولت عثمانی اظهاری شود جواب شـافی داریم که چرا بی اطلاـع مـا اقـدام بـاین کار کرده است والی هم بـدون اطلاع ما منع و دفع نموده است ، این فقره بعقل ناقص غلام چنین مي رسد والا واضح است که عقول ضعیف ما در نزد عقل سلیم ملوکانه نمی تواند رأی بدهد.

هر قسم مقرر خواهند فرمود اطاعت و رفتار شود. الامر الاقدس الاعلی مطاع مطاع.

با خط ناصر الدین شاه در حاشیه گزارش ظل السلطان

ص: 78

1- شیخ محسن خان (بعداً مشیر الدوله) سفیر ایران در استانبول

2- والی پشـتکوه که در لرسـتان هم نفوذ داشت و چنـد بار با نیروی عثمانی جنگید و به ابو قداره معروف بود و بعداز او پسـرش غلام رضـا خان ابو قداره تا سال 1300 شمسی والی پشتکوه بود سپس به بغداد رفت و تا پایان زندگی در هم انجا می زیست

ظل السلطان – این عقیده شما صحیح است همینطور البته دستور العمل بوالی بدهید، عثمانی ها که می خورند که می خواهند.... (1) بکنند، شما که حاکم آن صفحات ،هستید مسئول دولت هستید که نگذارید یك وجب دول خارجه قدمی پیش گذارند باقی سئوال و جواب با دولت است بشما حرحی نیست خیلی زود تلگرافی دستورالعمل والی را همینطور بدهید و این دست خط راهم بدهید جناب وزیر خارجه ملاحظه کند.

1- کلمه ای ناخوانا مرادف با تجاوز.

عکس

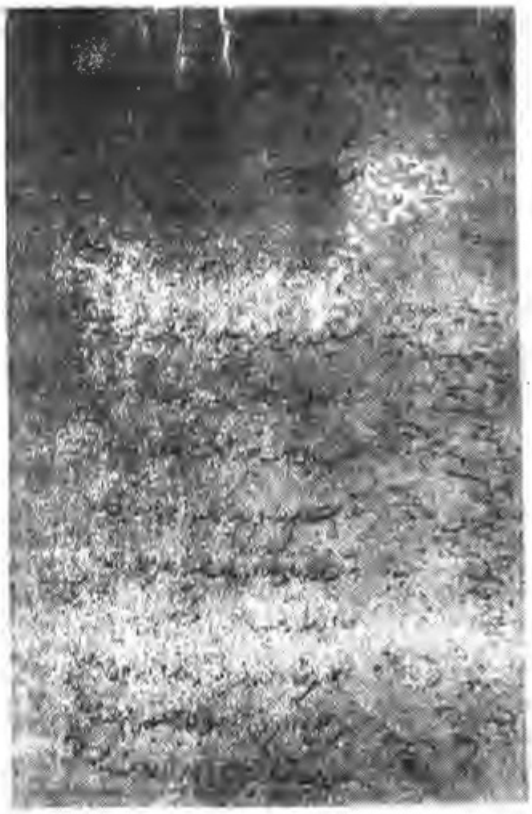

سند ششم ظل‌السلطان

سند ششم ظل السلطان

ص: 80

سند هفتم

یادداشتی از ناصرالدین شاه به ظل السلطان

ظـل السـلطان –در فقره ی بنـای قلعه ی آن یهودی پـدر سوخته در خاك زهاب (1) و عمل کشـیشان انگلیسـی در اصفهان شروحی نوشته بودیـد، بجناب وزیر خارجه دادم که جواب را او بنویسد بشـما نوشت با پوسـته (2) فرسـتاد منتظر جوابی که شـما بجناب ایشان بنویسید و بعرض برسانند تا بعد چه حکم شود 98 و شما صحیح نوشته اید.

عکس

سند هفتم

یادداشتی از ناصرالدین‌شاه به ظل‌السلطان

ظل‌السلطان- در فقرهٔ بنای قلعهٔ آن یهودی پدرسوخته در خاك زهاب (۱) و عمل کشیشان انگلیسی در اصفهان شروحی نوشته بودید، بجناب وزیر خارجه دادم که جواب را او بنویسد بشما نوشت با پوسته (۲) فرستاد، منتظر جوابی هستیم که شما بجناب ایشان بنویسید و بعرض برسانند تابعد چه حکم شود- ۹۸ و شما صحیح نوشته‌اید.

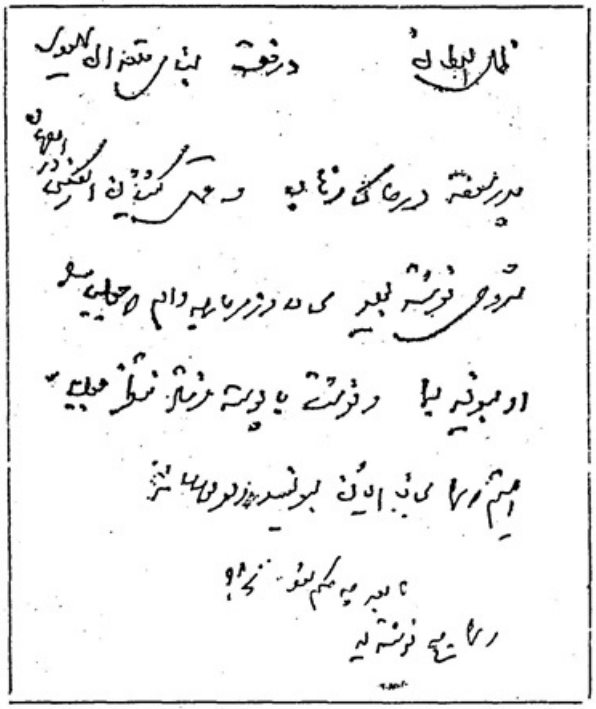

۱ ـ از مناطق مرزی غرب ایران و اذتوابع قصرشیرین و بیشتر بصورت « ذهاب» وسرپل‌ذهاب هم‌نوشته می‌شود.

۲ـ پست

1- از مناطق مرزی غرب ایران و از توابع قصر شیرین و بیشتر بصورت «زهاب»و سرپل ذهاب هم نوشته می شود.

2- پست

سند هشتم

گزارش ظـل السـلطان به ناصـرالدین شـاه درباره ی شـکایات و تحریکات میرزا صالـح عرب و میر محمـد حسـین که ظاهراً برای رضایت سپهسالار بر ضد ظل السلطان برخاسته بودند (1293ق) .

تصدق خاکپای همایونت شوم–دسـتخط مبارك در باب میرزا محمد حسین (1) زیارت ،شـد غلام اگر این قدر ها عاقل نباشم که این نوع حرکات بکنم لامحاله تزویر ،دارم این حرف ها از حرف های جناب کاشـی و تحریک جناب سپه سالار است (2) که بدهان مردم انداخته و میرزا صالـح عرب (3) لوطی که باعث آن همه فتنه و فساد و قتل مسـلمین در عربسـتان شـد و همیشه خیالش صـرف عـداوت و بدنامی دولت است والا غلام چگونه چنین حرکت شـنیعی خواهد کرد تفصـیل از روی حقیقت بنمك مبارك بتاج و تخت ولی نعمتم ارواحنا فداه این است که بطور خلاصه جسارت می شود .

این مرد سـفیه بی عقل که شـصت سال عمر خود را صـرف مسـئله حیض و نفاس و شستن رو و دست کرده زمان حرکت غلام از اصفهان اصراری در آمدن همراه غلام کرد و حرفش این بود که با وجود عداوت شیخ محمد باقر (4) و امامت میرزا محمد علی (5) نمی توانم بعد از شـما در اصـفهان زیست کنم هر روز برای من بهانه جوئی خواهنـد کرد و عاقبت اسـباب افتضاح و بدنامی عمده برای من خواهد بود و نایب الحکومه شـما آن اقتدار را ندارد که فیما بین ماها حکم باشد هر چه خواسـتم او را منع کنم ممکن نشد ناچار دو هزار تومان نقد برای مخارج خانه اش از خود داده و چهل قاطر برای حمل بنه و تخت روان و چادر روپوش و آشپزخانه و درشـکه و دویـدك طلا داده همه جا با احترام با پانزده غلام سوار میشد تا در خمین کمره بي جهت فسخ عزیمت کرده پیغام

1– از روحانیـان و از سادات خاتون آبادی اصـفهان و امام جمعه متوفی بسال 1298 ق، در آغاز گزارش بجای «میر» از طرف منشـی ظل السلطان اشتباهاً «میرزا» نوشته شده است.

2– میرزا حسین خان سپهسالار قزوینی

3– میرزا محمد صالح عرب = سـید صالح غرب مجتهد در سال 1270 روی سـختگیری در کارهای دینی در کربلا شورشی بر پا کرد که موجب قتل عده می شد و از آن جا به اسـتامبول تبعید گردید سپس به خواهش دولت ایران دولت عثمانی اور اروانه ایران کرد با حاجی ملا علی کنی حسن رابطه داشت مدتی در اصفهان و سپس در طهران ،می زیست در سال 1289 در واقعه قرار داد رویتر در صف اول مخالفان سپهسالار بود بعد با سپهسالار آشتی کرد و در سال 1303 ق در گذشت سید عبدالله بهبهانی داماد او بود.

4– از روحانیان طراز اول اصفهان پدر شیخ محمد تقی آقا نجفی

5– از روحانیان اصفهان و امام جماعت

فرستاد که من استخاره کردم باید مراجعت باصفهان کنم، گفتم چه آمدنی بود چه رفتنی(؟) گفت : می خواستم زیارت عتبات بروم استخاره کردم خوب نیامد و از این جا مراجعت می کنم غلام هم همان تخت و چادر ویدك و ما یحتاج را همراه او نموده مخارج مراجعت او را دادم و روانه اصفهان شد.

از خاکپای همایون استدعا دارم که در صدد تحقیق این مطلب بر آمده اگر ذره (ئی) از این تفصیل که عرض شد کم و زیاد باشد غلام همه قسم مورد سیاست و تنبیه خواهد بود، تحقیق این مطلب هم باین قسم آسان است که دست خطی محرمانه بخود او صادر فرمایند که تفصیل و جهت ذهاب و ایاب این سفر توچه بود تا این که خودش تفصیل را عرض کند با این که با غلام هم کمال عداوت دارد یقین است که تفصیل را از روی صدق عرض خواهد کرد تا بر رأی جهان آرای ملوکانه معلوم و مشهود گردد که مغرضین و مفسدین در حق غلام چه قدر سعایت دارند.

واضح است که میر محمد حسین و امثال او عمر خود را صرف جغرافی و هندسه و معدن و سایر علوم ننموده اند که هوش داشته باشند شصت سال عمر آن ها صرف طهارت و نجاست می شود این است که حرکات آن ها از روی شعور نیست اگر میر محمد حسین شعور داشت این حرکت را نمی کرد که حالا مدت های مدید گرفتار جبران باشد منصب و مال و آبروی او بالمره تمام شود این تفصیل حرکت میر محمد حسین بود که جسارت گردید.

میرزا صالح عرب و عقل او همان است که سال ها در کف روز ندقه جناب سپهسالار اصرار داشت و می گفت : ولایتی که سپهسالار در او باشد آن ولایت نجس است. جناب سپهسالار هم رند است مسئله را فهمیده یکی دو تا پوستین و پانصد شش صد تومان پولش داد حالا جزو خادمان حرم جناب ایشان و گیس سفید باشی است چنانچه شبی در منزل عمه محترمه سپهسالار بودم قمر السلطنه (1) می گفت آقا را گیس سفید باشی خود کرده ام ،

1- مسر سپهسالار گویا دختر فتحعلی شاه بوده است.

معلوم است گیس سفید مطیع امر آقا است هر چه آقایش بگوید او هم خواهد گفت : بی لطفی جناب سپهسالار هم بغلام واضح است بایشان گفته اند ایشان هم شهرت داده اند والا چرا حاجی ملاعلی چنین حرفی نمی زند بفرمائید او از میر محمد حسین جویا شود اگر چنین چیزی گفت صحیح است. دروغ باین بزرگی را نمی دانم چگونه جعل می کنند آفتاب را که نمی توان زیر گل پنهان کرد وانگهی تفصیلی ندارد از خود او محرمانه جویا شوند صدق مطلب را عرض خواهد نمود .

با خط ناصر الدین شاه – ظل السلطان در فقره امام جمعه و میرزا صالح همین است که نوشته اید یقین است که شما بهیچ وجه کار خلاف قاعده نخواهید کرد.

ص: 84

عکس

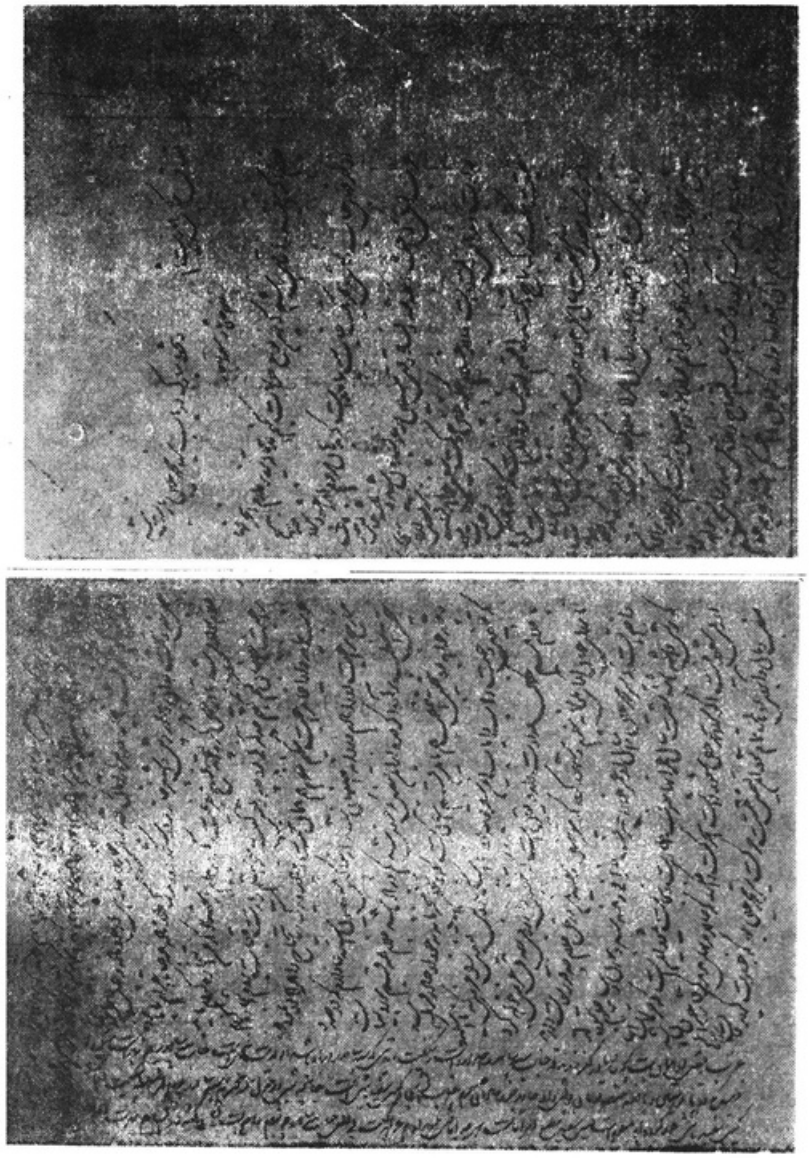

سند هشتم ظل السلطان

سند هشتم ظل السلطان

ص: 85

سند نهم

نـامه یی است از ظل السـلطان به امین الملك (میرزا علیخان)- (1) رئیس دار الشورای دولتی و منشـی حضور همـایونی، در این نامه ظل السلطان بوسیله امین الملك از ناصرالدین شاه درباره ی کارهای مربوط بخود کسب تکلیف نموده و شاه نیز در حاشیه آن دستور هایی داده است تاریخ نامه 1297 می باشد.

جنـاب جلالتمـآب امین الملك دام اجلاله العالی-اگر چه معمول چنین بوده است که حاکم ولایتی یا مرکز بزرگی هر وقت بـدار الخلافه ورود می نموده یک ماه به دید -و بازدید و یك ماه برفع خسـتگی و زیارت حضـرت عبد العظیم و تفرج باغات وغیره تا سال کهنه گذشته و سال نو شود و عید و سـیزده و مهمانی های بهار بگذرد بعد مأموریت او معلوم شود ، عرایض دارد بکند فرمایشاتی از جانب سنی الجوانب باشد اصـفا نماید و چهار پنج ماه طول بکشد تا دوباره رجعت کند . ولی سبك و سیاق این غلام آستان مبارك غیر از این است زیرا که دقیقه (ئی) اهمال در کار سال ها خدمت دیوان را عقب می اندازد ،کار امروز بفردا گذاشـتن مایه خسران بسیار است و این غلام آستان مبارک با این نوع مرحمتی که از جانب سـنی الجوانب در حق خود مشاهده نموده و روز بروز این قسم تفقدات فوق العاده می بیند اگر در چاکری و خـدمت گـذاری قصور نماید نمک بحرامی است، باید بقدره قوه در صدد چاکری و خدمت گذاری بر آید شاید از خدمت تواند عشـری از اعشار مراحم ملوکانه را تشـکر سازد ، این بنـده دیـد و بازدید را تمام کرده خسـتگی از تصدق فرق مبارك ابداً ندارم اگر صـلاح می دانند در مورد مخصوص به خاک پای مبارك معروض داریـد که غلام را عرایض مفصـلی است بهر وسـیله که می فرماینـد بواسـطه یا بلاواسـطه در عریضه یا زمان شرفیابی حضوراً عرایض خود را معروض دارم و نیز

1- میرزا علی خـان امین الملك در 1299ق به امین الـدوله ملقب شد در 1314 و 1315ق صـدر اعظم بود و در گشایش مدارس جدید کوششی نمود و در ماه صفر 1322 ق در گذشت .

فرمایشاتی که از جانب سنی الجوانب مقرر است آن هم بهر وسیله که مقرر است بواسطه یا بلا واسطه اصغا نموده لامحاله اوقات را به بطالت نگذارم و خدمات خود را بهر نحو باشد انجام دهم .

کاغذی مصطفی قلی آدم غلام آستان مبارک از کرمانشاهان نوشته است چون متضمن نکات و وقایعی چند است خواهشمندم که تماماً از لحاظ اقدس اعلی ارواحنافداه بگذرد. نوشتجات نواب حشمة الدوله (1) هم که دیشب با فرستاده ی مخصوص خودش فرستاده است نیز تقدیم گردید تمام آن ها خلاصه است آن را نیز خواهشمندم که در موقعی خوش از نظر انور اقدس ، بگذرانید و نیز کتابچه ی اموالی که عشایر عثمانی از رعایای دولت علیه سرقت کرده اند مطابق ثبت صحیح در لف پاکت فرستاده شد آن را نیز لازم است که از لحاظ مبارک بگذرانند تا معلوم شود که دعاوی رعایای عثمانی ده یك این اموال نمی شود و همه روزه از جانب مأمورین دولت عثمانی در این باب اظهارات بوزارت خارجه می شود حالا اموالی که خودشان سرقت کرده اند استرداد بکنند تا ما هم تمام دعاوی آن ها را مسترد نمائیم چون این مطالب لازم بود به خاک پای اقدس اعلی معروض گردد زحمت آن را بجناب عالی داد زیاده زحمتی ندارم .

در حاشیه نامه ظل السلطان با خط ناصرالدین شاه نوشته شده است :

امین الملك – ظل السلطان صحیح نوشته باید ابتدا کل مطالب خود را فهرست مانند کتابچه بنویسد بنظر برسد جوابش داده شود ، بعد از آن مطالب و احکام دولت را که چه می خواهیم مفصلاً حکم می کنم آنوقت که همه کارهای ظل السلطان تمام شود هر وقت میل دارد و صلاح بداند معاودت خواهد ،نمود، یك فقره هم تعین منازل و سفر بهار ما انشاء الله به صفحات نهاوند و تویسرکان است

1– عبدالله میرزا حشمة الدوله که از جانب ظل السلطان حکومت بروجرد را کفالت می کرده است.

عکس

سند نهم-نامه ظل السلطان به امین الملك

ص: 88

سند دهم

نـامه یی است از شـیخ محسن خان معین الملك (مشـیر الـدوله) (1) سـفیر ایران در اسـتانبول در باره سـستی وزارت خارجه ی ایران و برقراری حق محاکمات کنسولی برای اتباع عثمانی در طهران، معین الملك این نامه را به ظل السلطان نوشته است.

قربـان حضور مبـارکت شوم – نمی دانم بچه زبان شـکر مراحم گماشـتگان حضـرت والا را بگویم اشـهد بالله زبان و بنان از عرض و بیان یکباره عاجز و قاصـر است خداوند إنشاء الله وجود مسـعود آن همایون حضرت را در امان خود پاینده بدارد و باین نده بی مقدار هم توفیق خدمت کرامت فرماید تا مگر به مقام تشکر برآمده داخل در زمره ی شکر گذاران شوم.

حـالت این بنـده همین روز بروز دشوار تر می شود زیرا که اولیـای امور و امنـای دولت خصوصاً اشخاصـی که این اوقات متصـدی کارند خیلی از مطلب دور افتاده اند چنین تصور می فرمایند که جریان امور بر نهج اوان و شهور سابق است و حفظ حقوق مقدسه دولت و وقایه نـاموس محترم ملت بحرف خـالی (گرهمه حسـابی باشـد)میسـر می شود، غافـل از این که سابقاً محرك افکار و واسـطه ی مراودات مردم روزگار مال چاروادار بود و امروزه برق و بخار است و تا توپ کروپ و تفنگ مارتین از پی نباشد هیچ حرف حسابی از پیش نمی رود، امثال من بنـده ی گمنام که در مرکز پولتیك عمومی هسـتند و از نزدیك به شـعبده بازی های محیر العقول دول ناظرنـد تفاوت راه و تباین افکار را بدرجه ی هولناک می بینند، خصوصاً بنده کمترین که از بدو نوکری در هر شعبه که بوده ام خدمت و خدمت گذاریم با هم رکابان همجنس و هم سلیقه نبوده است جز

1- شـیخ محسن خان معین الملك از 1290 تا 1308ق سـفیر ایران در اسـتانبول بود سپس در ایران بوزارت عدلیه و بعد بوزارت خارجه رسید و لقب مشیر الدوله گرفت و در سال 1317 در آلمان در گذشت، او از عقیده مندان و مروجان مسلك فراماسونی بود.

صـداقت و مردمی تکلیف و سـرمایه نداشـته و راه و رسم خـدمت فروشـی بلد نبوده ام ، پاس حق نعمت ولی النعم همایون و غیرت وطن پرستی علاوه شـده بنده ی کمترین را بطوری مأیوس نموده که بکلی از کار افتاده داخل بی مصـرف ها شده ام ، چنان که سابقاً نیز جسارت بعرض کرده بودم اگر فی الجمله دردکاری باقی است آن هم در سایه ی تشویق گماشتگان آن حضرت است.

حقـوقی را که بهزار زحمت در دو سـال ذره ذره از چنـگ این مردم بی مروت و بی دین انـتزاع کرده بودم و مـدت هفت سـال در تعامـل و مجری بود در این اوقات بجزئی تغافل از دست دادند جناب فخری بیگ (1) نه به طوری میدان داری می کنند که بوصف ،بگنجد در مزاج جناب مستطاب وزیر امور خارجه (2) بطوری رسوخ نموده است که خود را در نزد با بعالی فعال ما یریـد بقلم میدهد و از عهده ی هم بر می آید هر قدر فریاد می کنم حالا که ترك حقوق مقدسه را بخاطر خواهی سفیر کبیر عثمانی می کنید که شاید در حضور همایون شاهنشاه روحنا فداه در مقام تمجید شـما را به بیسـمارك تشبیه یا تقدیم کند، اقلاً معامله ی متقابله را که اساس و مبنای معاهدات و مقاولات دولتین است متروك نگذاریـد ، آن نیز بجائی نمی رسد از این طرف عثمانی ها بعد از هفت سال تعامل در موارد جنایات مأمورین ما را در محاکم راه نمی دهنـد و از آن طرف فخری بیـک می گویـد بایـد محاکمه فیما بین ایرانی و عثمانی در سـفارت دیـده شود و از پیش می برد، دولت عثمانی با وجود اضـمحلال و صدمات فوق العاده و با کمال ضـرورت مالیه باز با جمیع دول در حفظ حقوق برابری میکند و سـهل اسـت درشتی می نمایـد با آن که نه یک دینار پولو نه یک ذره اعتبار دارد باز ساعتی از تهیه ی اسـباب حفظ حقوق و دفاع آسوده نیست همین روز ها بقدر چهار صد و پنجاه هزار لیره توپ جدید النسق از انگلیس خریده و یک صد و پنجاه هزار لیره پیش دادند و مقرری و معاش مأمورین خارجه را ماه بماه از بانک عاید می دارند ، این بنده بی مقدار با سمت سفارت کبری که نماینده ی شخص

1- وزیر مختار عثمانی در ایران

2- محمود خان ناصر الملك قراگزلو

همایون پادشاه روحنا فداه است و در اسلامبول بواسطه ی خدمت امروز رئیس و پیش قدم سفرا هستم که هزار گونه تکلیف و همه گونه مخارج فوق العاده دارد و اگر از سایرین در تجمل و اسباب ظاهر و حفظ شأن دولتی زیادتر نباشم کمتر نباید بود،هنوز از مقرری امسال که بالنسبه بسایر هم گنان بقدر عشر هم نمی شود، بیش از دو هزار و هشت صد تومان چیزی نرسیده هر قدر التماس کردم بگماشتگان اداره های حضرت والا حواله شود آن هم بجائی ،نرسید این روز ها که خبر تشریف فرمائی موکب والا بدار الخلافه (1) مسموع افتاد قوتی بقالب افسرده ام ،آمد امیدوارم که به اندك توجه خاطر مبارك کمترین بنده را از مذلت تکدی خلاص فرموده ناموس دولت را در نظر بیگانگان پایدار سازند.

سردار اردوی بغداد را عوض کردند هدایت پاشای مشیر را مأمور کردند، آدم با عقل و هوش و درستکار است به شمول مراحم بندگان حضرت والا امیدوازش کردم (پشت کاغذ مهر-محسن) (2)

1- طهران را در زمان ناصرالدینشاه دار الخلافه می گفتند و گزینش این نام برای پایتخت بمنظور مبارزه با نفوذ و توسعه طلبی سلطان عثمانی بود که خود را خلیفه مسلمانان جهان می دانست و در ایران نظریات استعماری داشت.

2- تاریخ این نامه 1301 قمری می باشد .

عکس

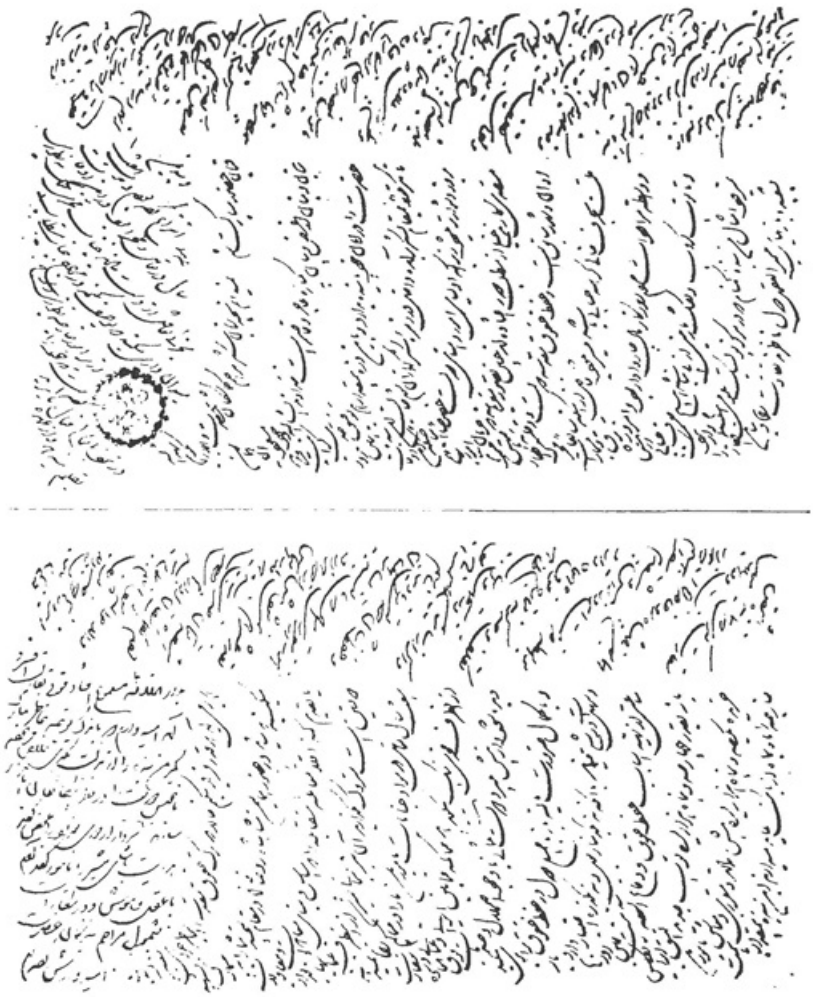

سند دهم ـ گزارش معین‌الملك به ظل‌السلطان

سند دهم -گزارش معین الملك به ظل السلطان

ص: 92

سند یازدهم

یادداشت ناصرالدین شاه به ظل السلطان درباره ی جزیره سلحه (1) و منع ورود عثمانیان بآن جزیره (1301ق).

ظـل السـلطان عریضه ی شـما را که با آدم مخصوص خودتان فرسـتاده بودیـد رسـید اولاً در فقره ی جزیره سـلحه ی شط العرب است که جوابش را مختصـراً بـا تلگراف و مفصـلاً گفتم جنـاب وزیر خارجه (2) بفرسـتد که مطلع بشویـد، اینکـار سابقاً بتوسط دولت انگلیس در اسـلامبول و بصـره قطع شده است و دولت انگلیس که واسـطه بود تصدیق حقیت ما را بنوشـته ی رسـمی کرده است، دولت عثمانی بهیچ وجه حق نـدارد که متعرض آن جا بشود و ابـداً آن ها را نبایـد بگذاریـد که داخل در آن جزیره بشونـد و شدیـداً بایـد منع کرد و ذره (ئی) از حقوق دولت را نباید بآن ها داد.

ثانیاً در فقره ی تنخواه مشیر الملك (3) نوشته اید حصه خود را هم که پنجاه هزار مشیر الملك تومان است بر روی هفتاد و پنج هزار تومان گذاشته تقدیم حضور خواهید کرد ، بسیار مستحسن افتاد .اگر چه هرگز راضی نبودم که حصه خود را بما بدهید اما چون اصرار و ابرام کرده اید قبول کردایم، آن چه را هم به حکیم و خرج سواره ی قزاق داده اند البته مال خود آن ها باید باشد زحمت کشیده خدمت کرده اند انصافاً خدمت را بسـیار بسیار خوب بی صدا با انجام رسانیده است هزار آفرین از هیچکس در ملاء و خلاء (4) نشنیده ایم که هیچ چیز از این ها گرفته باشند بطوری پخته بوده است که هیچ بعرض نرسیده است .آفرین 301

1- اکنون سه جزیره بنام «شـلحه »و«سـلخه» در ساحل آبادان و در نزدیك خسرو آباد (خزعل آباد سابق) وجود دارد و پیدا نیست مقصود ناصر الدین شاه از جزیره ی«سلحه »کدام یك از این جزایر سه گانه بوده است.

2- میرزا محمود خان ناصر الملك قراگزلو.

3- میرزا حبیب الله مشـیر الملك وزیر ظل السـلطان بود و سرمایه بسیار اندوخته بود ولی کسر حساب آورد و اموال او مصادره شد دانسته نیست که مبالغ بالا پیشکشي مشیر الملك یا قسمتی از اموال مصادره شده او بوده است فوت مشیر الملك در 1309 ق اتفاق افتاده ،اعتماد السـلطنه مرگ او را سـکنه ی فرمایشی دانسته ولی بیشتر داوری های اعتمادالسلطنه بمناسبت مغرض بودن و تضاد گفتارهایش قابل اعتماد نیست.

4- در متن سند«خلَع »

عکس

سند یازدهم — یادداشت ناصرالدین‌شاه به‌ظل‌السلطان
در بارهٔ جزیرهٔ «سلحه»

سند یازدهم – یادداشت ناصرالدین شاه به ظل السلطان در باره ی جزیره ی (سلحه)

ص: 95

سند دوازدهم

گزارشی است از ظل السلطان به ناصرالدین شاه درباره ی خواست ها و مستدعیات حاجی شیخ محمد باقر مجتهد اصفهانی (1)

تصدق حضور همایونت گردم - در باب مطالب جناب حاجی شیخ محمد باقر، میرزا حبیب الله سررشته دار مخصوص خود را با جعفر قلیخان نزد ایشان فرستاده که مطالب ایشان انجام داده شوند ، از بابت پنج هزار تومان عوض کسر (2) برحسب فرمایش ملوکانه از خود به ایشان سند دادم که بعد بموقع خود حکم آن از دیوان مرحمت شود، کمال شکر گذاری حاصل گردید دعا بوجود مبارک می کند ، صورت سند آن را محض استحضار خاطر مبارك لفاً فرستاد، فقره دیگر در باب مالیات دهات شخصی ایشان است، یك ده که در بلوك ماربین واقع است و خالصه و اربابی بشرکت دارند و تفاوت عملی هم داشت قرار دادم غیر از اصل مالیات دیوان دیناری مطالبه نشود و تفاوت را هم خود شیخ ببرند .

یک ده دیگر که در لنجان دارند و پنجاه تومان مالیات آن جا است بنا به خواهش ایشان نوشته دادم که این مبلغ هم دریافت نشود تا دعاگو باشند ، دوده دیگر که در بلوك بران واقع است و في الحقیقه دهات این بلوك آخر آب واقع شده و کسر دارد، در سه سال گذشته سالی صد تومان نقد و صد خروار جنس فدوی از خود تخفیف داده ام ،با این که فدوی هر ساله سالی این مبلغ و مقدار را از خود داده ام ، نهصد تومان نقد و سی صد و بیست خروار جنس از سه ساله ی گذشته مالیات ایشان باقی است که هنوز بفدوی نداده اند و نزد ایشان باقی است و چاکر تمام و کمال مبلغ و مقدار مزبور را بدیوان پرداخته ام استدعای جناب شیخ این است که مبلغ نهصد تومان نقد و سی صد و بیست خروار که در

1- حاجی شیخ محمد باقر از روحانیان و علماء طراز اول اصفهان فرزند حاج شیخ محمد تقی اصفهانی بود و پدر شیخ محمد تقی (حاجی محمد رحیم)در زمان فتح علی شاه قاجار از ورامین (ایوان کی) به اصفهان مهاجرت کرد ، شیخ محمد تقی از علماء بزرگ دوره محمد شاه و آغاز عصر ناصر الدین شاه در اصفهان بود و دارای تألیفات بسیاری است که یکی از آن ها در اصول فقه بنام هدایه المسترشدین می باشد و به همین مناسبت شیخ محمد تقی در محافل علمی مذهبی به «صاحب -الهدایه »مشهور است . حاج شیخ محمد باقر در اصفهان دارای نفوذ روحانی بود و با پیروان مذاهب مجمول مستحدث بسختی مبارزه کرد و در 1301 ق در نجف وفات یافت. حاج شیخ محمد تقی معروف به آقا نجفی مجتهد متنفذ و معروف اصفهان فرزند اوست ، وی نیز سال ها در اصفهان ریاست روحانی داشت و در علوم دینی تألیفات بسیار دارد و در استقرار مشروطه هم به تشویق مجاهد بزرگ اسلامی حاجی آقا نور الله (که برادر کهتر وی و از بنیانگذاران با ایمان و کوشای مشروطه بود) خدماتی انجام داد و در 1332 ق در اصفهان در گذشت فرزند حاج شیخ محمد تقی ،آقا نجفی حاجی شیخ محمد باقر الفت اصفهانی نیز از مردان وارسته و از ادبا و دانشمندان کم نظیر اصفهان بود و در مرداد 1343 ش در اصفهان زندگی را بدرود گفت و در کنار پدرش در امامزاده احمد اصفهان مدفون شد. دیوان اشعار او سال گذشته در اصفهان به چاپ رسیده است.

نزد ایشـان باقی است به تخفیف به ایشان مرحمت شود فـدوی که آن چه توانسـته از خود داده است زیاده از آن چه تخفیف از خودداده قوه ندارد که بدهد مراتب به جناب آقا عرض شده فرمودند که بخاکپای همایون عرض شود، حال عمده ی مقصود و مطلب همین است که اگر محض دعاگوئی وجود مبارك این مبلغ نهصـد تومان نقد و سـیصد و بیست خروار جنس از دیوان اعلی بایشان مرحمت می شود که حکم آن مرحمت شود تا این دوروزه تدارك خود را دیده از حضور همایون مرخص شود و رفته به آسودگی مشـغول دعا گویی وجود مبارك باشد، سنوات بعـد را چنانچه با ایشان قرار داده رفتار خواهـد کرد و سالی صد تومان نقد وصد خروار جنس را از خود به ایشان تخفیف میدهد که مابقی مالیات را بالمقطع بپردازند.

استدعای ایشان اگر در حضور همایون مقبول افتد بسیار بجا و سزاست و ایشان معمر و پریشان هستند و دعاگوی وجود مبارک می باشند ، اگر این مبلغ و مقـدار به تخفیف ایشان مرحمت نشود کار ایشان مشـکل است و رفتن ایشان کمال صـعوبت دارد یعنی نمی توانند بروند و انشاء الله مراحم ملوکانه شامل حال ایشان خواهـد شـد و تصـدق خواهیـد فرمود محض دعاگویی وجود مبارك رعایت ایشان لازم اسـت دیگر جسارت نمی کند . الامر اقدس الاعلی مطاع .

ناصرالدین شاه در بالای گزارش نوشته است: بجناب آقا (2) اظهار دارید قرارش را بدهند.

ص: 97

عکس

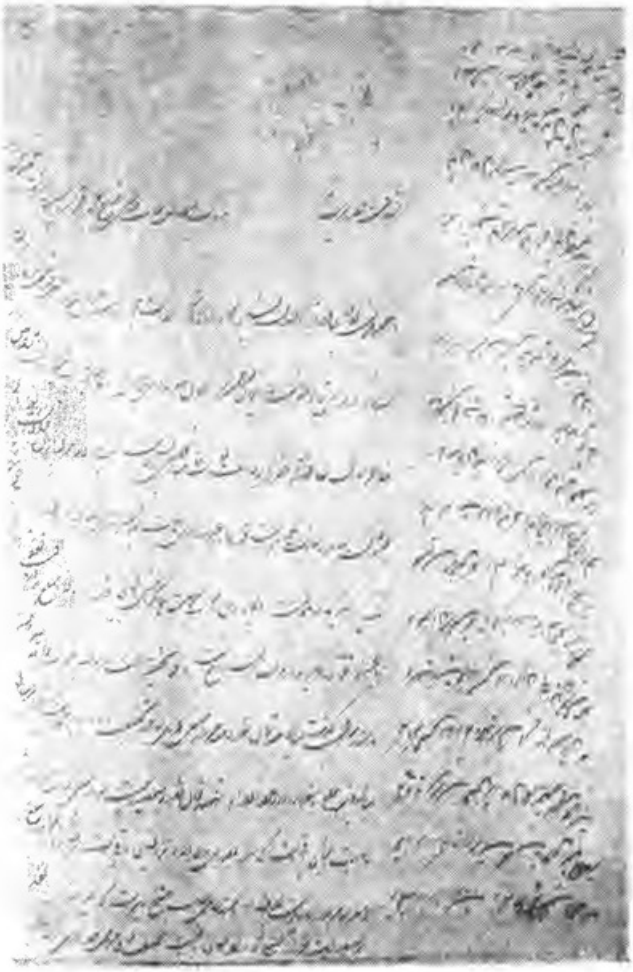

سند دوازدهم گزارش ظل‌السلطان

سند دوازدهم گزارش ظل السلطان

ص: 99

سند سیزدهم

گزارشی از ظل السلطان به ناصرالدین شاه درباره ی سفیر عثمانی

تصـدق خاکپـای مبـارکت شوم -کراراً جسـارت نموده ام که تکلیف چاکری غلام این است که آن چه می فهمـد و مطلع می شود بعرض برساند ، حال چنین اسـتنباط نموده است که سفیر عثمانی و وزیر مختار انگلیس غلام را در جلو خیالات خودشان سدی سدید می دانند و باطناً با غلام نهایت خصومت دارنـد، اگر چه دیروز عصـر سـفیر عثمانی نزد غلام آمده اظهار محبت و خصوصـیت بیش از اندازه می کرد حتی این که می گفت :من خود را نوکر شـخص تو می دانم و اگر به اصـفهان احضار شوم حاضرم .و بعضی دلسوزی ها و راهنمائی ها می کرد لکن واضح است که عداوت باطنی آن ها با غلام به اعلی درجه است، غلام هم احتیاجی بدوستی آن ها یا بیمی از عداوت آن ها ندارد اوکر ویکتوریا و سـلطان حمید خان نیست لکن محض این جسارت نمود که اگر سـعایتی از غلام بنمایند صرف غرض است و چون غلام را مـانع بزرگ از اجرای خیالاـت خـود می داننـد بهر درجـه بتواننـد سـعایت خواهنـد کرد و البته ولي نعمت اعظم حفـظ غلاـم و چـاکر مخصوص خود را خواهند فرمود،از وضع مهربانی دیروز سفیر چنان فهمیدم که می خواهد غلام را خواب کند و بعد يك عرض غرض آلود معروض دارد و برای غلام مخاطره باشد ،از این جهت این عریضه را معروض داشتم که در حفظ غلام و نوکر خود باشند.

ناصـر الدین شاه با خطی که درست خوانا نیست در حاشـیه ی بالای گزارش ظل السـلطان نوشـته است: ظل السلطان ،اگر بی ادبی نباشد بسـیار گه می خورد که از شـما سـعایت کند اگر خود سـلطان باشد تا چه رسد بسـفیر،او همان حرفی است که روز اول ورود شـما در سر سواری سمت دولاب گفتم .

ص: 100

عکس

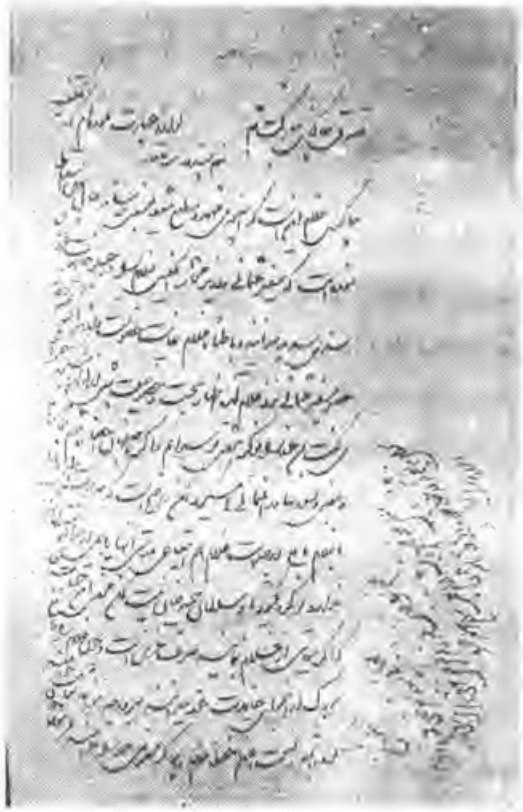

سند سیزدهم ـ گزارش ظل‌السلطان

سند سیزدهم – گزارش ظل السلطان

ص: 101

سند چهاردهم

تلگرافی است از ناصـر الدین شاه به ظل السـلطان درباره شکایت وزیر مختار روس و انگلیس و نبودن امنیت برای فرنگیان مقیم اصفهان و ارمنیان آن شهر و شورشی که در اواخر جمادی الثانی 1313 در اثر مرگ مشکوک دو مسلمان در اصفهان پدیدار شده است (1)

الآن که نیم ساعت به غروب مانـده است وزیر مختار روس و انگلیس از جناب صـدر اعظم وقت خواسـته اند و در همین مسـئله با جناب صدر اعظم حرف زدند بملاحظه تجارت و تجار خودشان و ارامنه در نهایت سـختی و رسـمی و جداً شـکایت می کنند که چند روز است تجارتخانه های ما در آن جا کار نمی کند و یك ارمنی نمی تواند از خانه ی خود بیرون بیاید و بعلاوه این خبر به بوشـهر هم رسیده بار های ما را جلو می گیرند و خود این کار اسـباب ضـرر عمده بجهت تجارت خانه ها است ...(2) هر دو وزیر مختار شـما را مسئول می دانند و مختصـراً رفع حالت حاضره را می خواهند که امنیت عیسوی ها باشد و بتوانند به آزادی بیرون آمده به کسب و کار خویش مشغول باشند و این فقره را هم می گویند تهمت صـرف است بواسطه ی تصدیق اطباء خودشان و آقا تور که تلگرافاً به آن ها رسیده می گویند بطور یقین آن ها از دود زغال مرده و آسیبی به آن ها نرسیده و این تهمت است که می خواهند به آن واسطه به عیسوی های خاک اصفهان صدمه و آسیبی برسـد و یقین است اگر بزودی این غـائله رفع نشود یقین است شـرفیابی حضور را خواهنـد خواست و یقین در حضور حرف هـای سـخت خواهند زد و دور نیست کم کم این گفتگوها و حرف ها منجر بجاهای سـخت و بد بشود و مسلم است که نباید گذاشت برای مردن دو نفر آدم بی معنی و حرف عوام کار رفته رفته بجاهای سخت کشیده و تمام دول با هم متحد شده

1- دو نفرد الانـدار در یـك سـرا که محل تجارت بازرگانان انگلیسـی بود در یکی از شب های اواخر جمادی الثانی 1313 ق در اصفهان بصورت مشکوکی در گذشتند و گویا در اثر دود و گاز زغال بوده ولی توده ی مردم اصفهان بازرگانان فرنگی را من هم بقتل آن دو نفر نموده و شورشـی بر ضد فرنگیان و اتباع روس و انگلیس و ارمنیان اصفهان بر پا ساختند و دو هفته امنیت مسیحیان فرنگی و ایرانی مقیم اصفهان را سلب کردند، عاقبت ظل السلطان ورثه دو نفر دالاندار را با جلب نظر روحانیان راضی کرد و فتنه را آرام نمود.

بر ضد دولت ایران برخیزند و بعضی اظهارات نمایند که تمام ملت شیعه بواسطه ی این امر جزئی در زحمت و مرارت کلی افتاده و سال ها ندامت و پشیمانی آن در دنیا بماند . هیچ آدم عاقل، هیچ دینداری ، هیچ وطن پرستی ، هیچ شریعت خواهی البته راضی نباید بشود که برای یك همچو کار جزئی دچار خطرات کلی بشود ، فرضاً دو نفر مرده اند یا متهم بقتل شده اند و طرف آن ها هم عیسوی می باشند یا مسلمان باشد چنان چه هر روز در سایر شهرها یك دو همچو وقایع اتفاق می افتد وقتی که متهم بقتل انکار کند و لوث شود و قاتل هم هیچ معلوم نباشد بقانون شریعت هم برای قاتل غیر معلوم حکم قصاص جاری نمی شود آنوقت باید ورثه را که ادعا می کنند کسان آن ها مقتول شده ساکت کرد و دیه ی شرعی به آن ها داد وقتی که ورثه دیه را گرفت دیگر چه حرفی باقی می ماند (؟) شما هم البته بهرطور هست ورثه را راضی نمائید که حرفی باقی نماند ، امنیت ارامنه و فرنگی ها حاصل شود و یك حرف سفارت این است که اگر یك نفر فرنگی قتلی کرد یا کار بی قاعده نمود ، دلیل ندارد که باید تمام ارامنه و فرنگی مقصر و طرف واقع شوند باید طرف همان یك نفر شخص قاتل یا بدکار باشد نه تمام مردم و اهالی خارجه که پاپی تمام آن ها بشوند و این اوضاع را فراهم آورند ، و در واقع درست می گویند که پاپی تمام شدن از روی هر زرگی و شرارت است .

در عهد نامه ترکمانچای هم که با دولت روس بسته شده است نوشته اند، اگر قتلی میان مسلمان و فرنگی واقع شود یا بر عکس ، نمی توان بقانون شرع بآن قتل رسیدگی نمود، باید موافق این عهد نامه به حکومت عرفیه با حضور قنسول طرف مقابل رجوع و رسیدگی شود و در آن جا قطع شود و اگر قاتل بودن فرنگی معلوم شد در اینجا نمی توان قصاص کرد باید قاتل فرنگی را تسلیم قونسول آندولت کرد که او را بمملکت خودشان برده به قانون مملکت خودشان قصاص نماید و این عهدنامه ایست که هشتاد سال قبل مرحوم فتحعلی شاه بسته ست و امروز غیر از آن چه در عهد نامه است نمی توان با خارجه عمل

کرد و اگر امروز یـك کلمه از عهـدنامه بخواهیم تخلف کنیم بایـد فوراً بـا دولت روس وانگلیس و تمـام دول اعلان جنگ کنیم و آقایان آبا صلاح می دانند که ما با دولت ها جنگ کنیم. (1)

پس بهتر این است که الآـن بفرستیـد جناب امام جمعه و جناب آقا میرزا محمـد هاشم و جناب آقانجفی و هر کس را که صـلاح می دانید حاضـر کنیـد و این تلگراف را برای آن ها بدقت بخوانید و بعد از این که دست خط را آقایان ملاحظه کردند یقین دارم با آن دولت خواهی و عقـل و درایت و کفایت و ملت پرستی که دارنـد البته راضـی نخواهنـد شـد که این مطلب باین درجه طول بکشـد و عاقبت طوری شود که اسـباب خرابی دولت و ملت شیعه بشود و ترفیه خاطر ورثه و دید شرعی آن ها را هر طور صلاح می دانند شما فوراً ادا و کارسازی نمائید و فوراً امنیت و آسودگی فرنگی ها را تلگرافاً اطلاع بدهید که سـفرا آسوده شوند و ما هم از دست این اظهارات سخت و تکالیف بی معنی آن ها آسوده شویم – مهر تلگراف خانه اصفهان – 7 رجب المرجب 1313

1– در صفحه ی اول تلگراف در چند جا کلمات محو گردیده و کلمات محو شده بقرینه و مفهوم عبارات تشخیص داده شد.

عکس

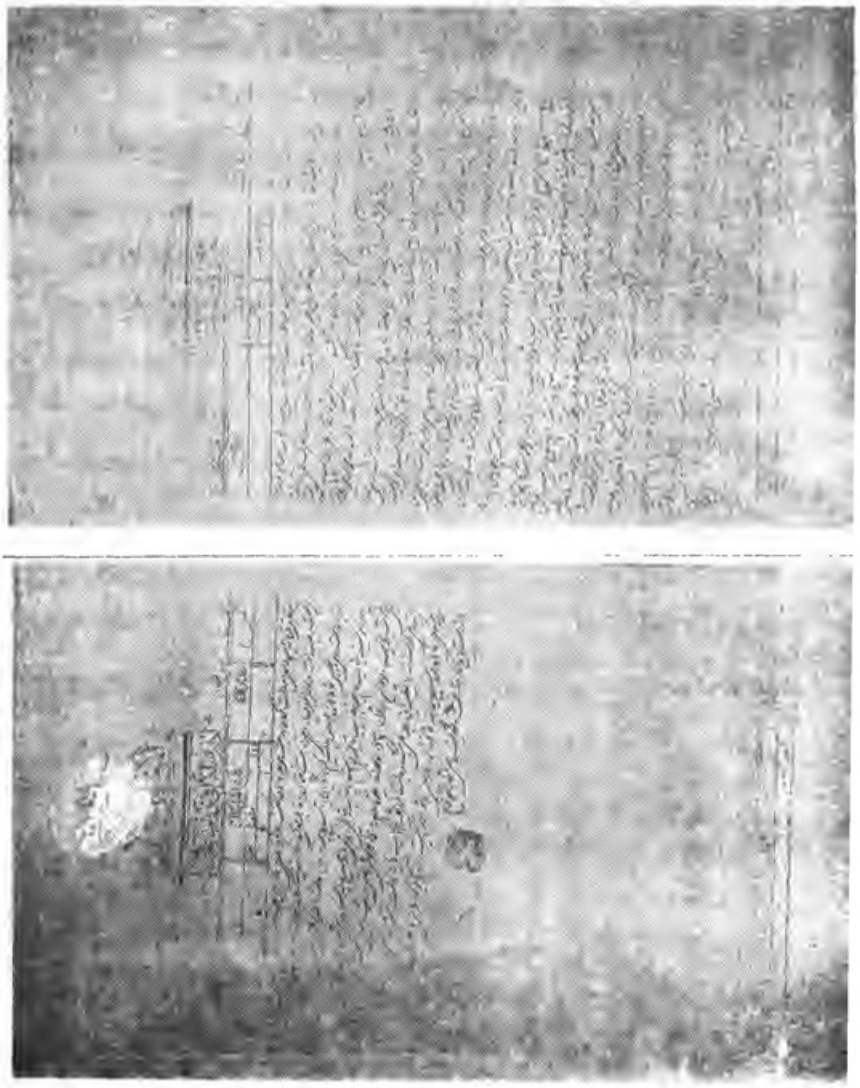

تلگراف ناصرالدین‌شاه به‌ظل‌السلطان

تلگراف ناصرالدین شاه به ظل السلطان

ص: 105

سند پانزدهم

تلگراف ناصرالدین شاه به ظل السلطان (ذیعقده 1306 ق) این سند پیش نویس تلگراف و به خط ناصر الدین شاه می باشد.

به ظل السـلطان – از شهر بیرمنگام انگلیس – تلگراف شما در شهر بیرمنگام انگلیس رسید در 11 ذی قعده از سلامتی شما بسیار مسرور شـدم ، الحمد لله تعالی احوال ما بسـیار بسـیار خوب است، در همه فرنگسـتان و انگلسـتان زیاده از اندازه و زیاده از حد بما احترام کردند پذیرائی های (1) خیلی خیلی عمده و بزرگ نمودند که بسیار تعریف دارد.

حالا رو به اسـکاتلند می رویم ، اواخر ذی قعـده انشاء الله از انگلیس بعد از ملاقات مجدد با پادشاه انگلیس در جزیره ی ویست به طرف پاریس حرکت خواهـد شـد و انشاالله آن جا باز قطعه (ئی) از آلمان را دیـده به مملکت اوستریا (2) و از آن جا می رویم از قفقاز بسـرحد ایران از راه تبریز به طهران اوایل محرم انشاء الله بسر حد ایران می رسیم

1- در متن پزیرائی

2- اتریش

عکس

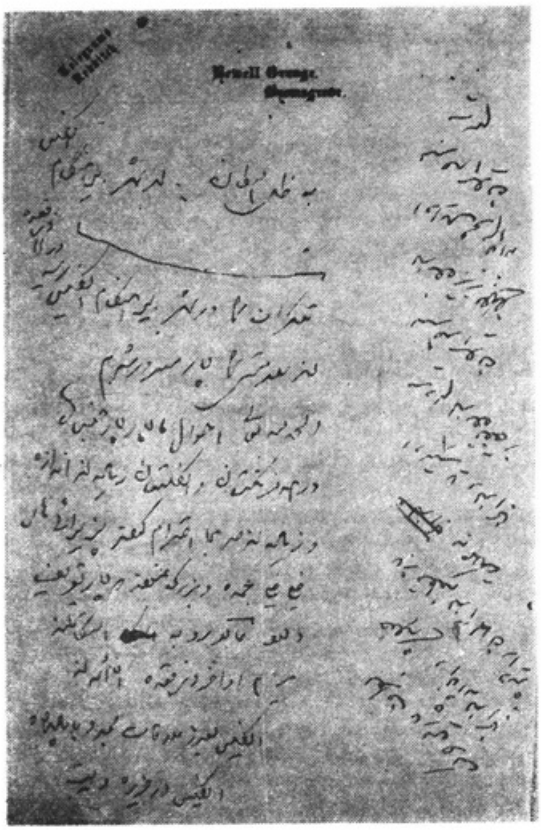

سند پانزدهم ـ تلگراف ناصرالدینشاه

سند پانزدهم – تلگراف ناصر الدین شاه

ص: 107

سند شانزدهم

نامه یی است از ظل السلطان به مظفرالدین شاه در باره ی مطالباتش از دولت (1319ق) (1)

قربـان خـاک پای جواهر آسای اقـدس همایونت شوم – دست خط جهان مطاع همایون که در باب حساب در جواب عرایض غلام شـرف صـدور یافته بود سـر افراز و قرین مباهات و اعزاز شـد بذل مزاحم ملوکانه و شـمول مکارم شاهانه موجب مزید امیدواری غلام است بطور واضـح و مسـلم قبله ی عـالم ارواحنافـداه صاحب مال و جان و هستی غلامان هسـتند، مالك رقاب، هسـتند غلام هستی خود را بقبضه ی قـدرت وجود مقـدس ولی نعمت خود می دانـد حق و خود مبارك است عرایض غلام را اسـتماع و چنانچه حسابی است قبول فرماینـد که غلام مأیوس نباشد.

عرض نمی کند درباره چاکر خودتان مرحمت نفرموده اید بلکه همان هستی خود را از مراحم ملوکانه می داند و هر گاه شمول مرحمت ها نبود غلامـ معـدوم می شـد و توجهـات خاطر مقـدس است که غلامان را حیات و هستی می دهـد، اما چون وجود مبارك را منبع عـدل و انصاف می دانـد جسارت می کنـد که هر گاه درباره ی خانه زاد دولت و غلام و برادر خودتان که تمام امیـدش وجود مقدس است بیش از این مرحمت فرموده یا بفرمائیـد جای دوری نرفته و چنانچه مکرر بدسـتخط های جها نمطاع و فرمایشات مبارک غلام را نویـد و امید می دادند که از بذل ،مراحم ، زمان شاه شـهید (1) را فراموش خواهی کرد هر قسم التفاتی نسـبت بغلام شده یا بشود چون رحم پروری وجود مقدس مسلم است هیچکس نمی تواند ایراد نماید می داند کسانی که در واقع خائن دولت هستند درباره ی

1- ناصرالدین شاه.

غلامـ چگونه عرایض کرده یـا می کننـد امـا حمـد می کنم خـدا را که حقایق امور در حضور همایون پوشـیده نیست وضع غلام هم از هر جهت مکشوف شـده است و هنوز بخت غلامـ یـاری نکرده و قابل نبوده که آن مراحم مکنونه و توجهات مخصوصه را مشـمول شود و می تواند عرض کند به مقدار اسـتحقاق و اولویت و خدمت بهره از مرحمت ها نبرده و باز حق خدمت و دعاگویی را بیش از همه ادا می نماید .

حالا هم اسـتدعا و عرض و عرض شاق و بی موقع نـدارد ولی مختصـر عرض حسابی را هم مسـتدعی است توجه بفرماینـد مطلب هم در حضور مبارك مشـتبه نماند که غلام همه روزه جسارت بنماید و به تصدیع خود خاطر مبارك را رنجه دارد و مسـلم است چون غیر از وجود مبارک پناهی ندارد هر گاه توجهی نشود ناچار به تکرار جسارت است.

قبـل از تشـریف فرمـائی موکب مبـارك به فرنگسـتان از بـابت حسـاب وطلب خود بحضور مبارك عرایضـی نمود و عـده بـذل مرحمت را بمعاودت و مراجعت با اقبال و سـلامت فرمودنـد ، حمـد خدای را بفیروزی و اجلال تشـریف فرما شدند غلام جان نثار عرض اسـتدعای خود را بتوسط سراج الملك (1) خدمت حضرت مستطاب اتابك اعظم (2) فرستاد که بعرض خاک پای مبارك برسد، از صدور دست خط جواب معلوم می شـد یا تمام عرایض بنظر مبارك نرسـیده و در حضور همایون قرائت نشده یا خدای نخواسـته خاطر مبارك متوجه اصـلاح حال غلام نیست.

غلام بی مقدار خیال ندارد در حضور مبارك حسا بسازی یا خرج تراشـی نماید، ابداً همچو تصوری نداشته و ندارد حساب غلام هم چیزی نیست که محتمـل خرج تراشـی و زیـاد روی باشـد ، این عرایض غلامـ چهـار قلم بیش نیست ، یـك فقره اضـافه طلب غلام از بابت دنباله حساب های سـنواتی است که مبالغی مخارج نموده محاسـبات را گذرانیـده مفاصا گرفته ده هزار تومان طلب غلام ،مانـده یکی سـی هزار تومان قبض خزانه ی دولت است که در دست غلام است و در دست هر کس باشد حالت اسکناس را دارد ، دیگر

1- نماینده ظل السلطان در طهران بانی (مسجد معروف سراج الملك .)

2- میرزا علی اصغر خان امین السلطان

هیجده هزار تومان بنائی است که بحکم و دست خط شاه شـهید در اصفهان شده و محل و همه حاضر است و نه پیش خود کاری کرده ام نه چیزی کم وزیاد نموده ام، بعد از این که دست خط شاه شـهید صادر شد و بنائی به اتمام رسید مرحوم امین الملك (1) که حالت دقتش در امور معلوم بود و خصوصـیتی با غلام نـداشت مأمورین امین فرسـتاده باز دیـد کردند و تصدیق نوشـته حالا .... (2) امر می فرماینـد به همین حالت معوق بماند .

قبله ی عالم ارواحنافـداه خود دست خط و احکام شاه شـهید را بیش از همه کس باید {رعایت }بفرمایند ، به چه تقصـیر این مبلغ را بغلام تحمیل مي فرماینـد و غلام قوه ی تحمل آن را نـدارد، قبله عالم می فرماینـد دولت این قوه را ندارد، تصدقت کردم وجود مبارك با امپراطور روس و سـلطان عثمانی باید این فرمایش را فرمایند، نسـبت بحالت غلامان که حالت ذره و آفتاب است نباید این قسم بفرمایند بهمان یک توجه نگهـداری از غلامان می فرمایند ، دست تنگی دولت اگر فرضاً باشد نسـبت بحالت چاکران نیست و باز حکایت دریا و قطره است و در صورتی که وجود مبارک این قسِم فرمایش می فرمایند ،پس بجا است مثل غلام با این مخارج و اولاد و عیال زیاد و نداشتن نخل وفایده تفضل و ترحم باید بفرمایند ، خدا می داند هر گاه ناچار نبود جسارت و عرضی نمی نمود .

مقرر فرموده اند حساب قسـمی باشد که مخارج زیاد درش نباشد ، وجود مبارك ده دقیقه توجه فرمایند رسـیدگی به این طلب غلام نمایند، هر گاه بنظر مبارك هر چه ناصـحیح آمـد رد فرماینـد چنان چه صـحیح باشـد زودتر توجهی و قراری بشود ، چون در مقابل آن حقوق مردم معطل است می ترسد شـکایت نمایند یا اگر قراری نمی فرمایند و مرحمتی نخواهد شد پس اگر کسی از تأخیر حقوقش شکایت نمود غلام مسـئول نیست و همین اندازه محل حقوق مردم خالی است که معوق خواهد بود و چون اسـتطاعت این ضرر را ندارد بعد از سال ها خوش حسابی قهراً پیش مردم معروف به کج حسابی

1- شیخ اسمعیل خان برادر امین السلطان (متوفی بسال 1316 ق)

2- چند کلمه از ذیل صفحه بریده شده است

می شوم ، مگر این که مرحمت و معـدلت شاهـانه راضـی به بـدنامی و که حسابی غلام نشونـد و عاجلاً بـذل مرحمتی بفرماینـد. غلام بد خدمتگـذاری نیست مزد خـدمات و جان فشانی غلام بیش از این مرحمت است و شایـد وقتی بکار دولت بیایـد ، ملاحظه فرمائید بعد از پنجاه و سه سال خانه زادی و آن همه خـدمات و جان فشانی حالا که بایـد همه قسم خداونـدی و نگاه داری از چاکر بفرماینـد و از جهت مخارج و مئونه این جمع عیال و اولاد و بسـتگان آسوده ام نماینـد آیا سـزاوار است در عرایض حسابی خود مأیوس بمانـد و در این صورت تکلیف غلام چه خواهد بود (؟) امر امر قدر قدر همایون ارواحنافداه است (مهر) مسعود (1)

مظفرالدین شاه در کنار آخرین صفحه ی نامه ی ظل السلطان نوشته است:

ظل السـلطان عریضه شـما را ملاحظه کردم کاغذی که بجناب اشرف اتابک اعظم نوشته بودید آن را هم دیدم ،تعجب است از این عرایض شما باقی فاضل (2) بیست سال قبل را عرض می کنیـد که در حساب حالیه ی شـما بایـد نوشت عجب تر آن که عرض می کند شاه به من کم مرحمت می کنـد و حال آن که شـما خودتان می دانید که من چه اندازه به شـما التفات دارم چه اندازه جانبداری شـما را می کنم و قدر متل شـما نوکری (!) را من خوب می دانم،شـما هم باید فکر نوکری و دولت خواهی خودتان باشید،حساب های کهنه را متروك بدارید (8) مگر از پارسال فاضلی باشد البته ما می دهیم .(3)

1- ظل السلطان که شخصیتی قوی بوده به برادر تاجدار و ضعیف العقل خود خیلی خاضعانه نامه نوشته تا تهمت مخالفت با برادر و داعیه ی سلطنت را از خود دور کند.

2- باقی،فاضل» و «فاضل» اصطلاح سیاقی بمعنی باقیمانده ی حساب

3- مظفرالـدین شـاه را عادت بر این بود که در پرداخت مطالبات رجال و شخصـیت -هایی که تمکنی داشـتند مـدت ها طفره می رفت و سرانجـام حاشا و انکار می کرد، چنانک ه در 1315 موقعی که امین السـلطان از کار برکنار شـد ، پانزده هزار تومان قیمت کارخانه ی برق کاخ گلسـتان را که امین الملك در زمان ناصـرالدین شاه خریـده بود منکر شـد(نامه ی امین الـدوله صـفحه 117-118 دوره دوم رهـبران مشروطه = تألیف ابراهیم صفائی) و همچنین پس از برکناری عین الدوله (با همه خصوصیتی که با وی داشت)سه کرور تومان پولی را که او در مدت صدارت بتدریج از بانك روس و بانك ایران و انگلیس برای گذراندن کارهای دولت و دستگاه مظفرالدین شاه وام گرفته بود تحمیل خودش کرد و همین امر باعث افلاس و درمانـدگی عین الدوله شد (یادداشت میرزا محمد خان وکیل الدوله وزیر تحریرات مظفرالدین شاه ص 340 کتاب استاد سیاسی دوران قاجاریه تألیف ابراهیم صفائی) .

عکس

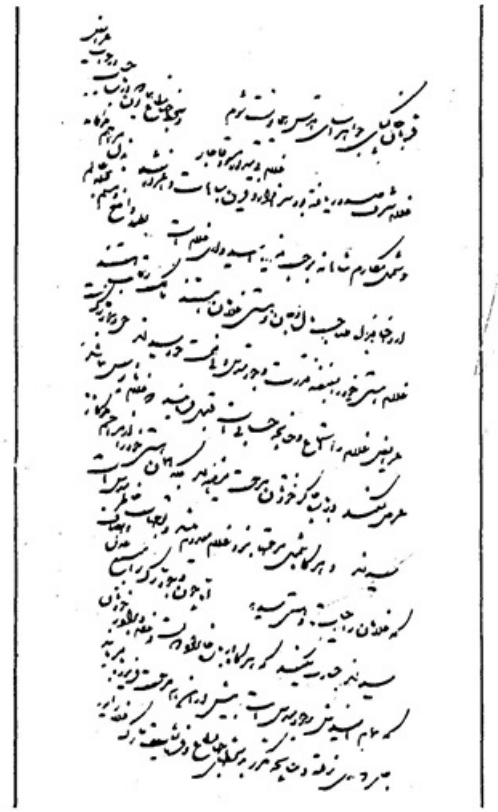

صفحهٔ اول سند شانزدهم ظل‌السلطان

صفحه ی اول سند شانزدهم ظل السلطان

ص: 113

عکس

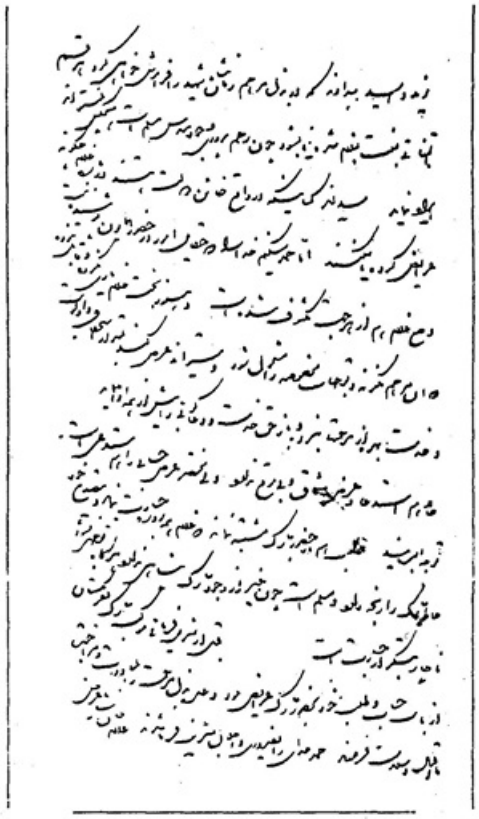

صفحهٔ دوم سند شانزدهم ظل‌السلطان

صفحه ی دوم سند شانزدهم ظل السلطان

ص: 114

عکس

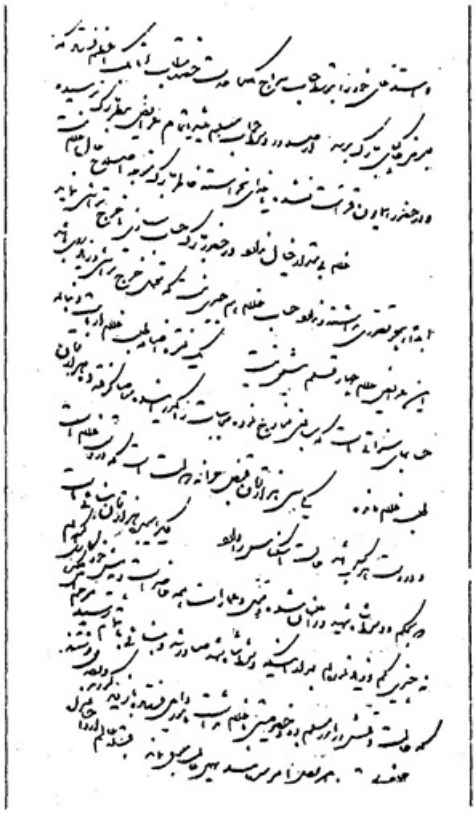

صفحه سوم سند شانزدهم ظل‌السلطان

صفحه ی سوم سند شانزدهم ظل السلطان

ص: 115

عکس

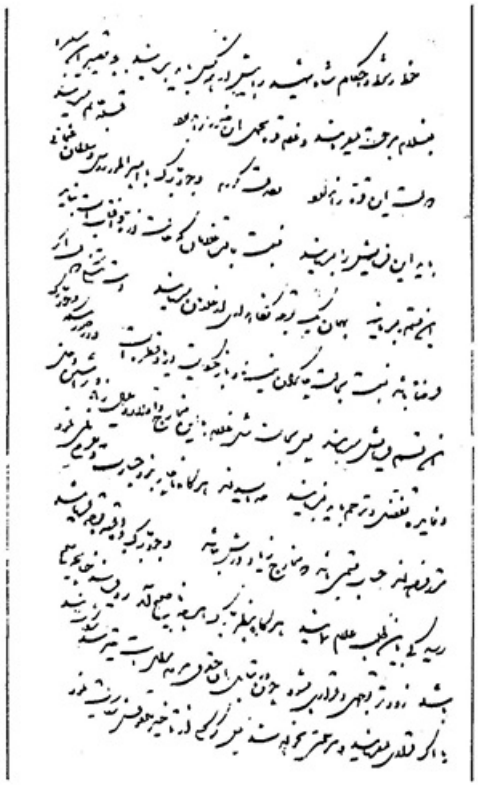

صفحهٔ چهارم سند شانزدهم ظل السلطان

صفحه ی چهارم سند شانزدهم ظل السلطان

ص: 116

عکس

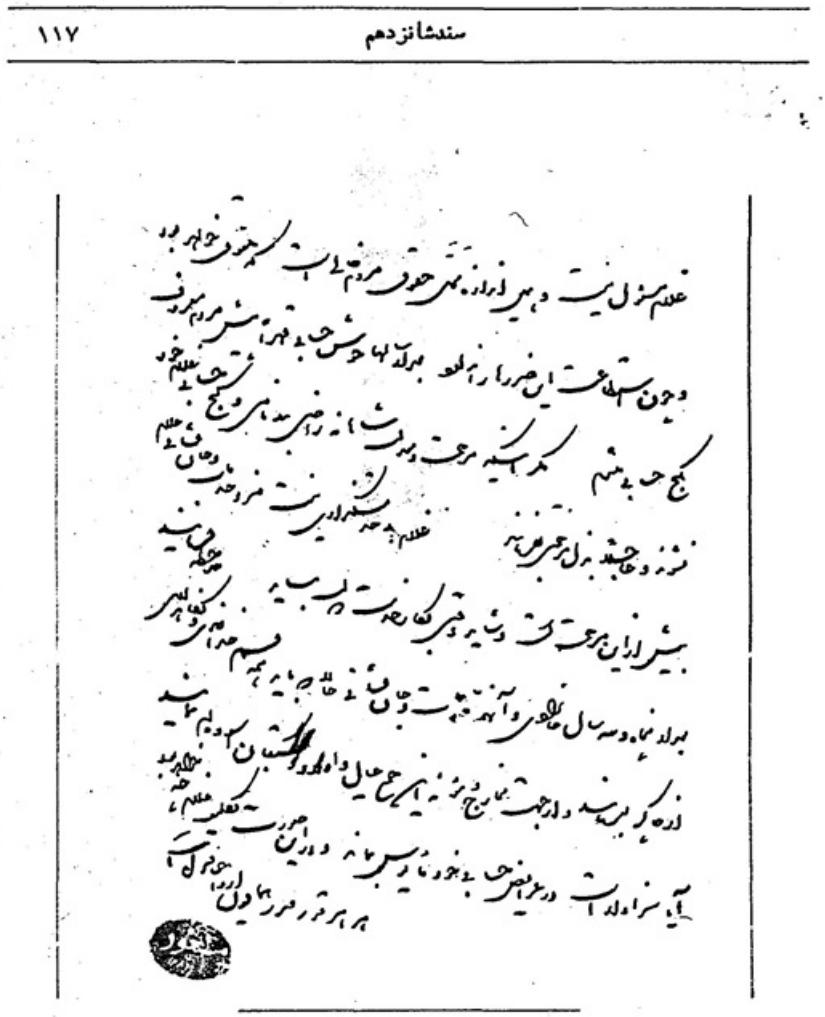

صفحه پنجم سند شانزدهم ظل السلطان

ص: 117

عکس

یادداشت مظفرالدین‌شاه در پاسخ ظل‌السلطان

یادداشت مظفرالدین شاه در پاسخ ظل السلطان

ص: 118

سند هفدهم

تلگرافی است از ظل السلطان در باره ی جنبش روحانیان و مردم اصفهان بر ضد قرارداد رژی (1)

از اصـفهان – قربـان خاک پای جواهر آسای مبارکت شوم ، اگر چه مفصـلاً همراه چاپار پست را پورت روز پنجشـنبه و جمعه«آقا نجفی» (2) و برادرش «شـیخ محمد علی» و«ملا باقر فشارکی»را عرض کرده ام و لیکن بواسـطه ی اعلاناتی که در کوچه ها چسبانیده اند و هر جا فرنگی را می بینند داد و فریاد می کنند ، لا علاج دیدم بتوسط تلگراف عرض کنم.

در این دو روزه در میـدان مصـلی که در تخت فولاـد است اجمـاعی کرده انـد که در منبر رفته بر ضـد دولت در بـاب تنبـاکو و بانك وغیره مطالبی بگوینـد . آن جمعیت چون در خارج و نزدیك جلفا ،بود غلام بسـیار متوحش شـد که اسـباب اغتشاش کلی نشود؛ «رکن الملك» (3) و «کریمخان میرپنجه» (4) را با سوار فرستاد آن جمعیت را پراکنده کرد و مشایخ را مانع از رفتن آن جا شده ولی این غلام نمی دانست در منبر و مسـجد و خانه شان چه می گوینـد و در مجلس درس چه مـذاکره می نمایند (؟) در این سه جا کشـیدن قلیان را حرام و کشت و زرع تنباکو را حرام اندر حرام و حامی فرنگی را کافر و واجب القتل و توکر و بستگان آن ها را نجس العین اعلان کرده اند .

زیاده بر آن چه تصور شود اظهار فضولی و جرأت کرده اند و کلمات ناشایسته بزبان آورده اند ، بخصوص شیخ محمد علی برادر آقا نجفی.

این غلام هم در همه جا بیش از قوه ی خود جلوگیری از آن ها کرده همه ی اعلانات راکنـده و چند نفر هم از اشخاصـی را که دنبال فرنگی ها فریاد کرده بودند بچنگ

1- قرارداد انحصار صدور دخانیات موسوم بر قرار داد رژی در 28 رجب 1307 بین دولت ایران و ماژر تالبوت تبعه انگلیس بسته شد و در هفتم رمضان 1309ق در اثر مخالفت روحانیان و بازرگانان توتون و تنباکو و تحریك روس ها فسخ شد

2- شیخ محمد تقی

3- سلیمان خان صدری نایب الحکومه اصفهان

4- عموی اعزاز نیك پی

آورده تنبیه کرده با حالت ناخوش که در بستر افتاده ام بیش از قوه ی خودم و استعدادی که دولت بمن داده است و حدی که مشخص کرده است جنبیده ام ، نفس کسی بخلاف قانون بیرون نیامده است ارزانی و فراوانی هم در کمال خوبی است ، و لکن این مشایخ سفیه که بنمك مبارك و جیقه ی مبارك که عقل ذی عقول از حرکات آن هامات می ماند که به چه پشتگرمی و به چه اطمینان این حرکات از آن ها ناشی می شود و خود را مثل شب پره بشعله ی سخط و غضب دولت می زنند، باین جزئی حرکات غلام آرام نمی گیرند گمان غلام این است که اگر آن ها از طرف شخص همایون نصیحت یا مواخذه سخت و بازخواست نبینند آرام نگیرند و رفته رفته اسباب زحمت بزرگی فراهم می آورند .

اگر چه این غلام ناخوش است، افتاده و گرفتار پادرد و همه جور مرض است اما برای نثار جان در راه ولی نعمت و انجام فرمایشات همایونی بهرچه حکم بفرمایند اطاعت می کنم و انجام می دهم و جان خود غلام در آن راه تصدق شود اسباب افتخار بازماندگان است – غلام بی مقدار مسعود قاجار – مهر – تلگراف خانه – 19 ربیع الثانی 1309

عکس

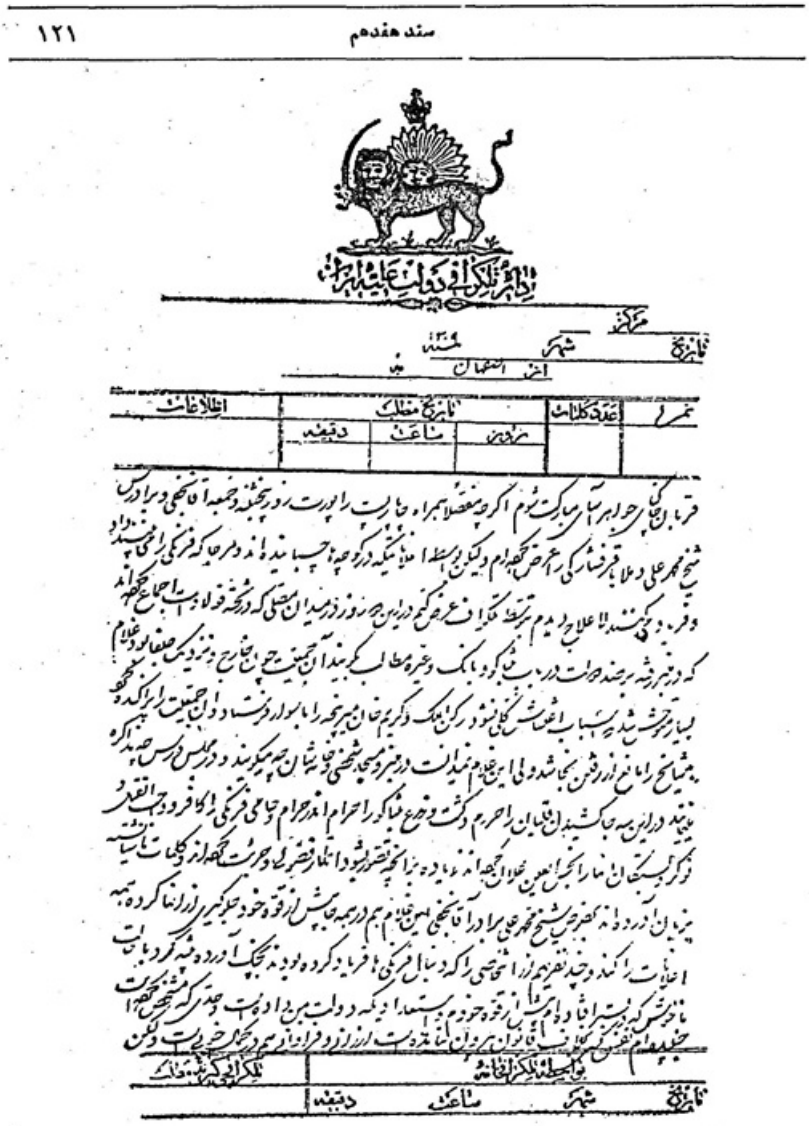

سند هفدهم ۱۲۱

صفحه یکم سند هفدهم ظل السلطان

صفحه یکم سند هفدهم ظل السلطان

ص: 121

عکس

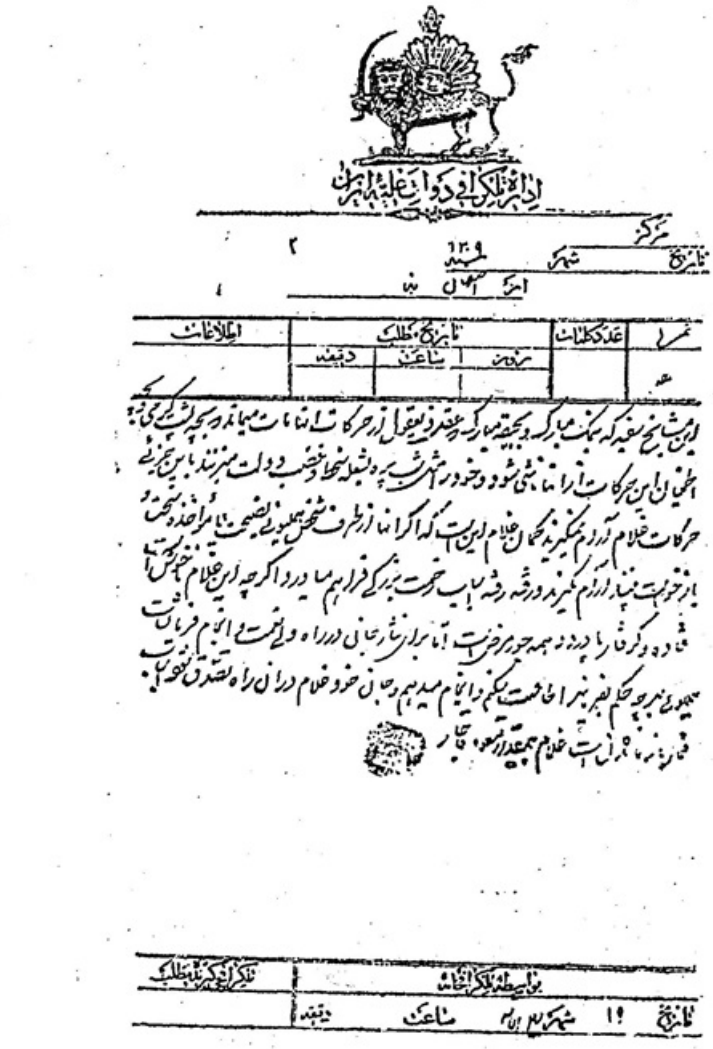

صفحه دوم سند هفدهم ظل السلطان

صفحه دوم سند هفدهم ظل السلطان

ص: 122

سند هجدهم

پاسخ ناصر الدین شاه به تلگراف ظل السلطان، این سند پیشنویس تلگراف می باشد و یا خط ناصر الدین شاه نوشته شده است .

ظل السلطان – تلگراف شما الآن که شب دوشنبه است ملاحظه کردم. اولا از ناخوشی و کسالت شما بسیار بسیار ملول و افسرده و مشوش شدم، انشاء الله تعالی بزودی کسالت خواهد شد،از سلامتی خودتان همه روز تلگرافاً بعرض برسانید.

جواب عرایض پست گذشته شما را دیروز نوشتم پست حرکت کرده بود به سراج الملك (1) حکم شد که با چاپار مخصوص بفرستد ، از دولت خواهی و خدمات جناب امام جمعه بسیار راضی هستم کمال التفات و مرحمت را با این خانواده داشته و داریم التفات مخصوص ما را به ایشان برسانید .

عرضی هم که کرده بودید قبول شد دست خط نوشته ام از همان قرار عمل بکنید تلگرافی هم نوشتم که به همه ی علماء یکان یکان بدهید بخوانند و جواب گرفته بعرض برسانید، بلکه مضمون آن دست خط را بتمام اهالی شهر اصفهان حالی کرده نشان بدهید که از حکم ما و عقیده ما اطلاع پیدا کنند ، البته البته .

تلگرافی هم به آقا نجفی فرموده ایم بدهد جواب بگیرد بعرض برساند .

هر قدر قشون از جنس سواره و پیاده ، توپخانه ، قزاقخانه ، بخواهد برای تنبیه اشرار و الواط فوراً بعرض برسانید فوراً فرستاده بشود و سیاست و تنبیهی از اشرار و الواط بکنید که سال های دراز یادگار بماند (2)

1- این سراج الملك منشی ظل السلطان در اصفهان بوده و بجز سراج الملك طهرانی می باشد که نماینده ظل السلطان در طهران بوده است .

2- ناصرالدین شاه سر انجام در برابر قیامی که شده بود تسلیم شد و قرار داد رژی را فسخ کرد و اسلحه و نیروی نظامی بکار نبرد .

عکس

ص: 124

سند نوزدهم

پیش نویس تلگراف ناصرالدین شاه برای احضار آقا نجفی اصفهانی به طهران پیش نویس به خط یکی از منشیان شاه نوشته شده و به درستی شناخته نشد خط کیست.

این دست خط تلگرافی به شیخ محمد تقی نجفی در اصفهان زده شود.

جناب آقا شیخ محمد تقی سلمه الله تعالی –اولا استفسار از احوال آن جناب می نمائیم که بصحت مقرون .باشد. ثانیاً چون اوصاف حمیده ی آن جناب را مکرر شنیده ایم بخصوص از فرزند گرامی ظل السلطان که فوق العاده از دولت خواهی و خیراندیشی آن جناب همیشه در حضور متذکر بوده و هست، بسیار مایل شده ایم که صحبت آن جناب را درك کرده شفاهاً بعضی فرمایشاتی که در استحکام دین و دولت لازم است بفرمائیم و بعضی تحقیقات لازمه در فقره ی اشخاصی که به گمراهی شیطان به تیه (1) ضلالت افتاده اند از شخص شما بفرمائیم و بعضی چاره های لازم بمصلحت و صواب دید آن جناب در این فقره بشود که مسلمانان صحیح العقیده منبع د نتوانند گمراه شوند و این کیفیت تازه هم که در سده واقع شده است (2) تحقیق آن را هم از مثل شما کسی بفرمائیم که اشتباهی دست ندهد و مردم ولایت بمرارت نیفتند. بخصوص حضور شما در این اوقات که فرزندی ظل السلطان در طهران حاضر می باشد لازم تر است تا با بودن فرزندی با شما صحبت شود.

البته بعد از ملاحظه این تلگراف دست خط ما بلادرنگ عازم حضور به طهران بشوند و ابداً تاخیر را جائز ندانند و جواب عرض کنید که در چه روز عازم خواهید شد (؟) 11 شهر رجب 307 – ظل السلطان این دست خط را همین امروز به اصفهان بزند و خود تلگرافچی را مأمور کن این دست خط را ببرد به شیخ محمد تقی بدهد جواب بگیرد،

1– تپه در متن «طیح »

2– مقصود قتل چند بهائی و شورش مذهبی در سده بوده است .

یعنی به تلگرافچی هم دست خط به اسم ما ،بنویس ابـداً به اسم خودت چیزی ننویس و خودت را آشـنا ممکن ملاحظه کرده بدهید نصـر الله خان ببرد بزند (1)

ص: 126

1- شـکایت سـفارت انگلیس در احضار آقا نجفی مؤثر بوده است زیرا پس از چنـدماه که آقا نجفی در طهران اقامت داشت هنگامی که با موافقت شاه عازم بازگشت به اصـفهان شد «در و مندولف» وزیر مختار انگلیس ضمن نامه 14ذی قعده 1307(12 جولای 1980) که به اتابك نوشت از بازگشت آقانجفی به اصـفهان صـریحاً اظهار نگرانی کرد ولی شاه موافقت ننمود و گفت: وجود آقا نجفی در اصفهان سلب امنیت از تجارتخانه های خارجی نخواهد کرد. فحه 147 - 148 کتاب اسناد سیاسی دوران قاجاریه تألیف ابراهیم صفائی)

عکس

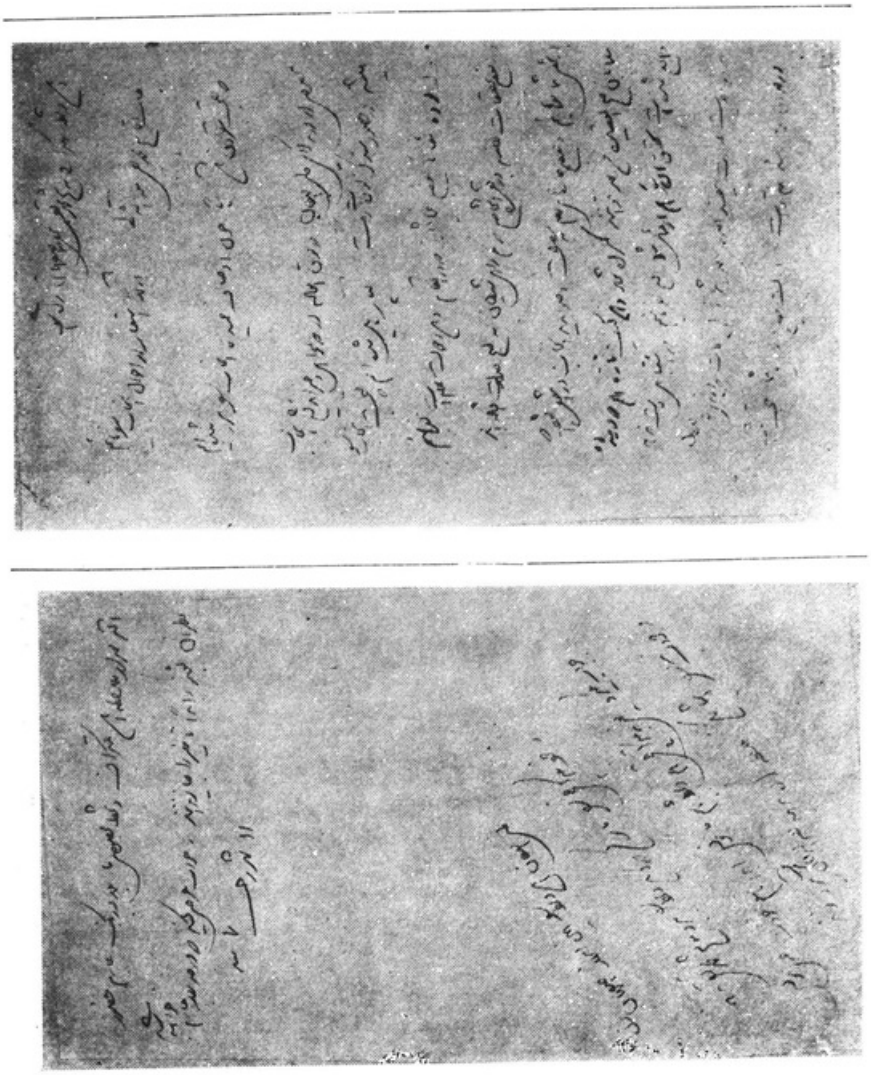

متن تلگراف ناصرالدین‌شاه به‌آقانجفی
(سند نوزدهم ظل‌السلطان)

متن تلگراف ناصر الدین شاه به آقا نجفی

(سند نوزدهم ظل السلطان)

سند بیستم

گزارشی است از ظل السلطان به ناصرالدین شاه در باره یکی از پیشوایان مسیحی مقیم اصفهان.

تصدق خاک های اقدس همایونت (1) شوم - جناب خلیفه پادری پاسکال که سال ها است در اصفهان مقیم است از دعاگویان مخصوص ذات ملکوتی صفات اقدس همایونی ،اروحنا فداه ،است غلام هم محض ازدیاد دعا گویی بذات مقدس مبارك هر ساله برای مخارج کلیسای آن ها چیزی از خود می دهد. چون پادری پاسکال عمر خود را در خدمت گذاری و دعاگویی بدوام دولت جاوید آیت قاهره صرف نموده و در دعاگویی بسن کهولت و پیری رسیده برای افتخار و استظهار خود از خاکپای همایون مستدعی مرحمت

و مقرری شده غلام بی مقدار چون استحقاق مشارالیه را می داند عاجزانه استدعامی نماید که مرحمتی درباره او مبذول شود و اگر چه جزئی هم ،باشد، محض مزید دعاگوئی و امیدواری مشار الیه هر چه رأی آفتاب ضیای ملوکانه علاقه گرفت مقرری در حقش برقرار و مرحمت فرمایند موجب زیادتی دعاگویی او به دوام دولت ابد مدت خواهد بود -الامر الاقدس الاعلی مطاع - پشت کاغذ مهر - مسعود.

ناصر الدین شاه در بالای گزارش ظل السلطان نوشته است:

ظل السلطان باید برای خلیفه پاسکال محل پیدا بکنید تا مستمری التفات شود 310 (2)

1- در متن سند همایون در سه جا«همیون» نوشته شده است.

2- توضیح سند پانزدهم و شانزدهم و هفدهم و هجدهم و نوزدهم و بیستم ظل السلطان هنگام چاپ کتاب بر چهارده سند دیگر که در مقدمه ی این فصل اشاره شد افزوده گردید، این چند سند متعلق به مؤلف است

عکس

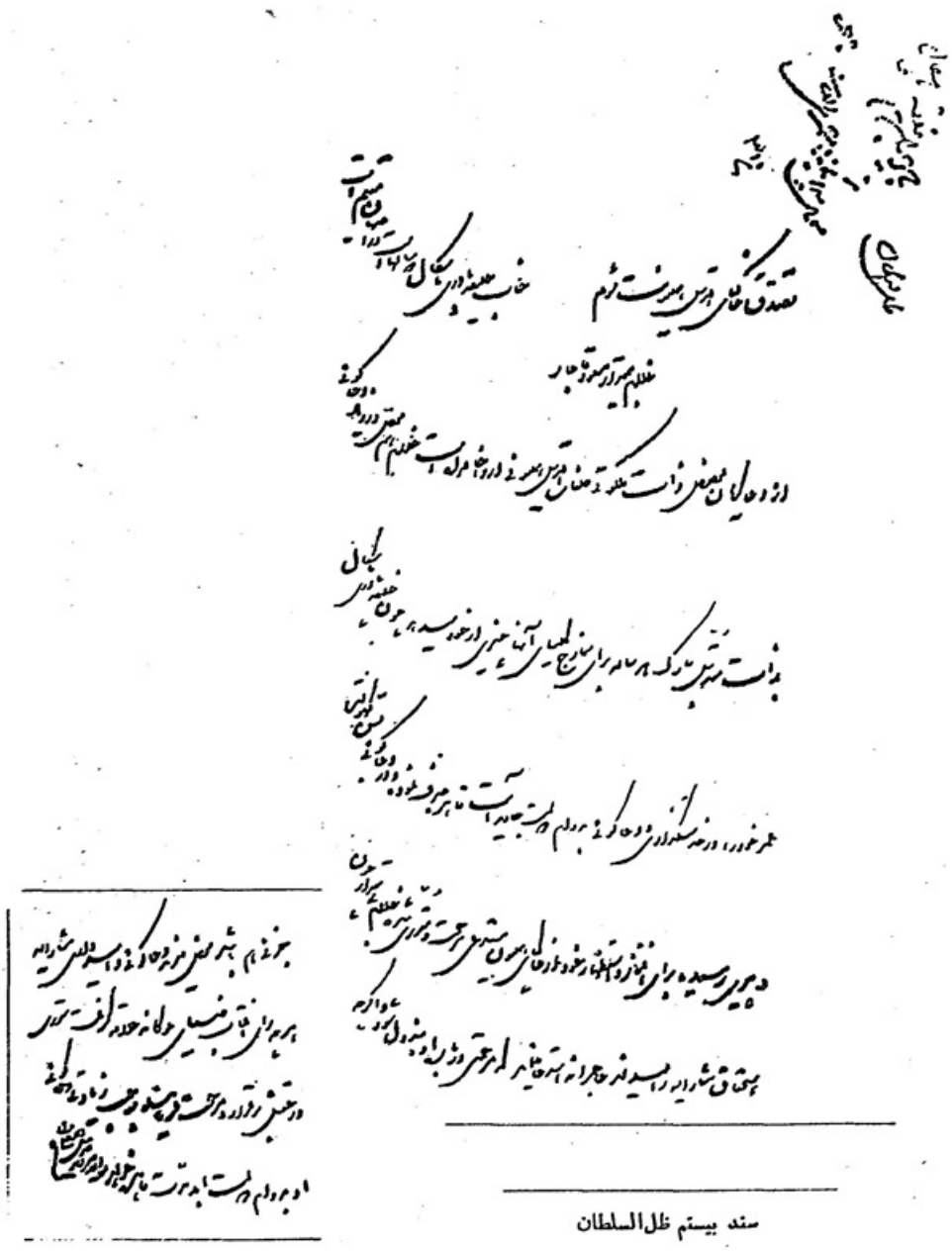

سند بیستم ظل‌السلطان

بیستم ظل السلطان

ص: 129

اسناد و دبیر الملک

ص: 131

عکس

میرزا محمدحسین دبیرالملك فراهانی

میرزا محمد حسین دبیر الملك فراهانی

ص: 132

دبیر الملك

میرزا محمد حسین دبیر الملك فراهانی (متولد 1225 ق) از دست پروردگان قائم مقام و گویا از منسوبان او بود و دربار ناصرالدین شاه به پیشـرفت هائی نائل آمـد و از مهان دربار بود و بتدریج این مقامات را طی کرد وزارت طهران –منشـی حضور و وزیر مخصوص –عضو دار الشورای کبرای دولتی – تولیت آسـتانه ی قدس رضوی – وزیر رسائل . وی در شـمار رجال آگاه و وطن خواه دوره ی ناصـری است پس از میرزا سـعید خان موتمن الملك انصاری وزارت رسائل به او واگذار شد و میرزا علیخان امین الدوله خدمت منشـیگری را در زیر دست او آغاز نمود و پس از او بوزارت رسائل برگزیده شد، دبیر الملک در 1297 ق در گذشت.

درباره ی موقعیت و احترام وی در دربار ناصری به نقل یك خاطره از اعتماد السلطنه وزیر انطباعات دربار ناصری بسنده می شود .

اعتماد السلطنه در ضمن وقایع روز دوشنبه پنجم جمادی الاول 1301ق نوشته است: از جمله میرزا نصر الله خان... بواسطه نسبتی که با نصیر الدوله داشت به ایران آمد و حالا به لقب دبیر الملك رسید از پستی شأن القاب همین بس که بمرحوم میرزا محمد حسین دبیر الملك من تعظیم می کردم و این دبیر الملك بمن تعظیم می کند. (1)

هفت سـند که در این کتاب از دبیر الملك به چاپ می رسد از اسـنادی است که در زمان وزرات رسائل خود نوشته و در حالی که از لحاظ تاریخ ایران ارزنده است معرف موقعیت ممتاز او در دربار می باشد و بخصوص چند سـند از این هفت سند روشنگر این نکته است که پس از عقد عهد نامه مورخ رمضان 1273(مه 1857) پاریس بین فرخ خان امین الملك و لرد کولی با وجود تعهـدی که دولت ایران در فضول پنجم و شـشم و هفتم عهدنامه دائر بچشم پوشی از تسلط بر هرات داشته باز ناصر الدین شاه و دربار طهران تا مدتی در اندیشه ی را هجوئی و چیرگی بر هرات بوده اند ولی نه از راه گسیل داشتن سپاه بلکه از راه تحبیب و جلب دوستی بزرگان هرات .

1– میرزا نصـر الله خان دبیر الملك و میرزا محمد حسـین خان دبیر الملك پسـر او شیرازی بودند و هیچ نسبتی با میرزا محمد حسین دبیر الملك فرناهانی نداشتند.

سند یکم

دستور العملی است از طرف ناصرالدین شاه با خط میرزا محمد حسین دبیر الملك (1) منشی مخصوص شاه برای میرزا محمد قوام الدوله آشتیانی(که بهم راهی حمزه میرزا حشمة الدوله والی خراسان مأمور سر کوبی ترکمانان یموت و تکه بوده)نوشته شده و تعلیماتی به او داده شده است (2)

چاپاری که بعد از ملاقات نواب والا حشمة الدوله از نیشابور فرستاده بودید در 29 رجب وارد شد و نوشتجات شما را جمعاً رساند و تمامی از نظر انور مبارك گذشته بشرف لحاظ همایون مقرون آمد ، تفصیلی که در باب سفر سرخس نوشته برای عدم ضرورت عجله دلایلی نگاشته و اظهار داشته بودید تماماً ملحوظ نظر مبارك گردید و جمیع دلایل شما که از روی بصیرت و اطلاع و ملاحظه پیشرفت کار بود در نظر همایون صحیح و درست بود ولی این که در وقت حرکت نواب حشمة الدوله از طهران از جانب سنی الجوانب همایون ملوکانه امر و مقرر شده بود که نواب معزی الیه قبل از عید به سرخس بروند و در عزیمت خود تعجیل بکنند،آن همه تأکید خاطر همایون یکی بملاحظه ی این بود که خود شما نوشته بودید اگر نواب معزی الیه قبل از عید به سرخس بروند می توانند اقلا پانصد خروار زراعت شتوی در آن جا بکنند، سرکار اقدس همایون این ملاحظه را فرمودند که نواب معزی الیه در غزه شعبان از ارض اقدس بسمت سرخس حرکت خواهند کرد و لا محاله چند روز قبل از نوروز وارد سرخس می شوند و اسباب زراعت شتوی را فراهم می آورند و تا چهاردهم نوروز که در آن جا زراعت ممکن است آدم و گاو بسیار است لا محاله اگر پانصد خروار زراعت نشود سی صد خروار هم در این مدت بیست روزه زراعت بشود و از برای قشون بجهة آذوقه معطلی حاصل نمی شود و

1- ترکمانان مقیم مرو بخصوص تیره ترکمن تکه سال ها بسرحدات خراسان و سرخس دستبرد می زدند و جمعی را به اسارت می بردند در 1273 سلطان مراد میرزا حسام السلطنه هشتاد نفر از سران ترکمان را بمرو خواسته آنان را زندانی کرد و مرو را تصرف نمود ترکمانان شورش کردند و سلطان مراد میرزا بطهران احضار شد و حمزه میرزا حشمة الدوله در آغاز 1275 والی خراسان و سیستان شد در آن وقت میرزا محمد قوام -الدوله (پدر مستمد السلطنه وجد قوام السلطنه و وثوق الدوله) وزیر خراسان بود، او و حشمة الدواء برای راندن ترکمن ها از سرخس و مرو مأمور شدند، سرانجام در 1276 سرخس و مرورا گرفتند ولی در اثر مسامحه و اختلاف نظر قوام الدوله با حشمة الدوله، شکست سخت بر قوای دولت وارد شد و بسیاری از سپاهیان ایران کشته شدند و بسیاری از مردم مرزنشین به اسارت رفتند و پس از آن دیگر دولت ایران بر مر و تسلطی نیافت تا در سال 1301 ق (1884 میلادی) علی خانوف افسر روسی مرورا از طرف امپراتوری تزاری متصرف شد و برای همیشه ضمیمه خاک روسیه شد از این نامه پیداست که حشمة الدوله و قوام الدوله بتعلیمات شاه توجه نکرده و در اثر راحت طلبی و مسامحه سرانجام کارشان به شکست منتهی شده است . گفتنی است که حشمة الدوله چند سال مغضوب و بیکار بود و قوام الدوله هم گذشته از بیکاری و مغضوب بودن وقتی وارد طهران شد به دستور شاه کلاه کاغذی بر سر او گذاشته بر الاغ سوارش کردند و در حالی که در محاصره ی چند سرباز بود وی را گرد شهر گردانیدند و مسئول شکست قشون ایران را در مرو به این صورت به مردم معرفی کردند. سرخی ناصری(در برابر سرخس قدیم که بعدها به تصرف روس ها در آمد)در زمان حکومت حشمة الدوله ایجاد شد و چند صد خانوار از ایلات مرزی خراسان در آن جا سکونت اختیار کردند.

زحمت و مشقت رساندن سیورسات قشون کسر می شود و دیگر محتاج باین نمی شوند که از اول سال تا آخر سال سیورسات و خوراك سکنه ی آن جا را با مال حمل و نقل به سرخس نمایند .

و دیگر این که اگر نواب مغری الیه قبل از عید وارد سرخس می شدند چون هنوز تکه (3) مراجعت نکرده بودند تصرف سرخس هم سهل و آسان بود و دیگر زحمت و مرارت تازه از تصرف سرخس برای آن قشون حاصل نمی شد و اسباب آبادی سرخس و انجام خدمتی که منظور نظر همایون است به سهولت فراهم می آمد و دیگر این که ماه رمضان هم نرسیده بود و کسالت و اسباب تعطیل در عزیمت این سفر برای نواب معزی الیه و آن قشون حاصل نمی شد.

حالا که نواب والا و شما چنین مصلحت دانسته اید که یك روز بعد از سیزده ی عید نوروز حرکت کنید و در این مدت هم اسباب و مقدمات این سفر را بطور قاعده فراهم بیاورید و هم قشون و نوکر تا سیزده ی عید بحال بیایند و چون زراعت صیفی را بهتر از زراعت شتوی دانسته اید اگر آن ملاحظات راهم نموده اید که از تأخیر عزیمت نواب والا امر زراعت معوق نمی ماند و از زراعت صیفی انشاء الله تعالی امر آذوقه ی آن قشون خوب می گذرد که در نصف آخر سال اقلا محتاج بحمل و نقل آذوقه ی مشهد نمی شوید و همچنین تا رفتن نواب والا تکه مراجعت به سرخس نمی کند و ماه رمضان هم که یك روز بعد از سیزده ی عید خواهد بود اسباب تعطیل این سفر نخواهد شد ، عیب ندارد .نواب والا تا سیزده ی عید در ارض اقدس بمانند و شما هم ملزومات این سفر را درست فراهم بیاورید و انشاء الله تعالی روز چهاردهم عید حتماً حرکت کرده بروند و اگر از آن فقرات اطمینانی ندارید و تأخیر و تراخی مایه ی زحمت و مرارت خواهد شد البته هر قدر زودتر بروند بهتر است .

خلاصه محاسن و معایب اینکار در پیشگاه حضور همایون از نواب والا و شما دیده می شود منظور نظر همان تصرف و تصاحب دائمی سرخس است با همان استعداد و اخراجاتی که سابقاً بشما نوشته شده است بهرطور می دانید سهل تر و آسان تر پیشرفت دارد البته اقدام خواهید کرد. حروفی شعبان 1275 با خط ناصر الدین شاه «صحیح است»در این کار ابداً کوتاهی نکنند و تصرف سرخس را از همه چیز واجب تر شمارند کاری نکنند که خدا نکرده تأخیری در این کار بشود، ما از مخارج و قشون کوتاهی نداریم این کار را یک طرفی کنند . (پشت کاغذ مهر -دبیر الملك)

ص: 136

عکس

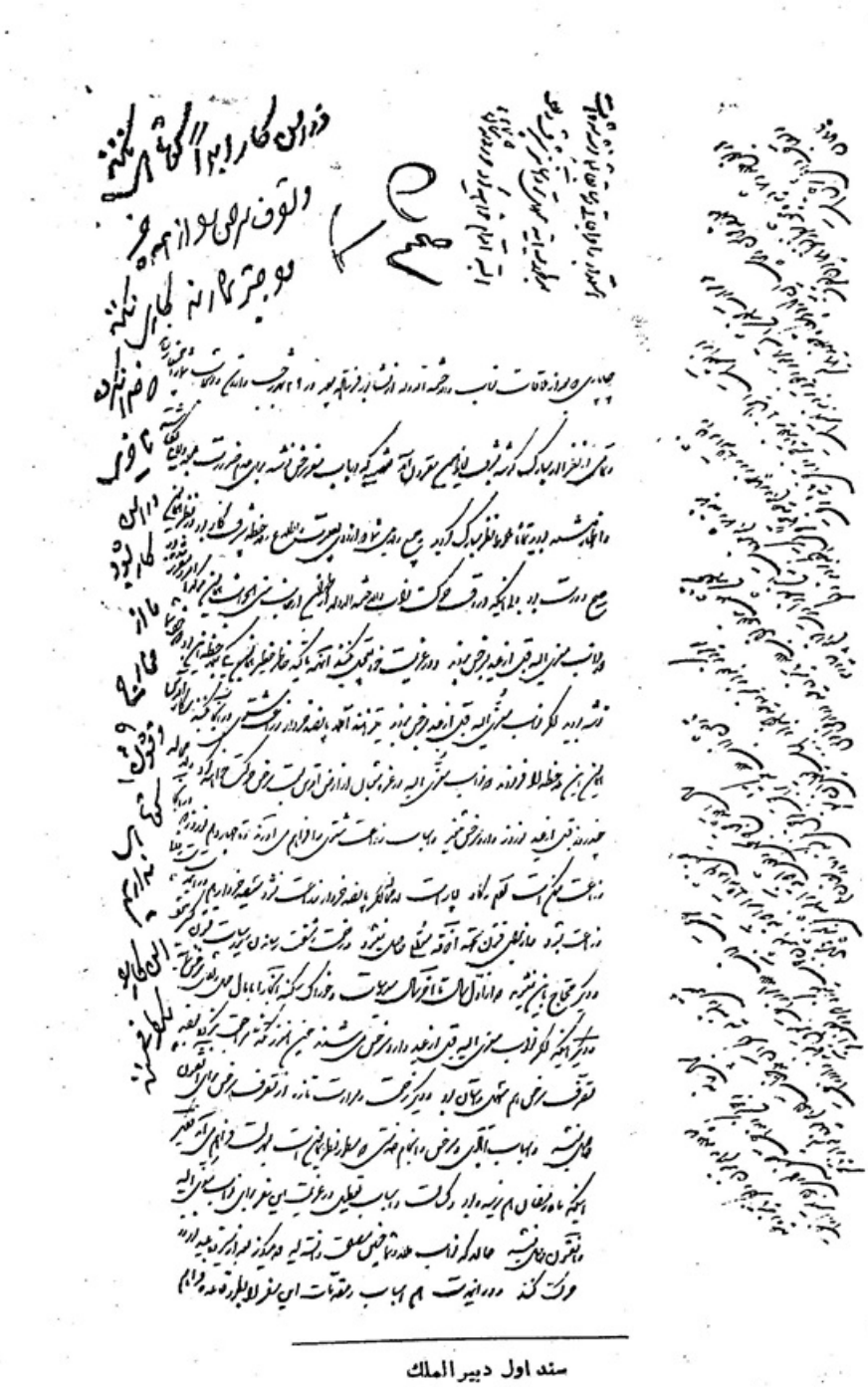

سند اول دبیر الملك

سند دوم

دستور العمل دیگری بخط میرزا محمد حسین دبیر الملك (منشی مخصوص)است که بدستور ناصرالدین شاه به میرزا محمد قوام الدوله وزیر خراسان درباره ی رفع آشوب سیستان نوشته است و باید دانست که در تاریخ این دستورالعمل انگلیس ها بعضی از خان های سیستان را به یاغی گری در برابر دولت ایران تحریك مي کرده اند.

هر چند خود عالی جاه حسن علی خان شاهسون (1) بعد از ورود به سیستان عریضه بخاکپای مبارك نفرستاده است ولی از قراریکه به امیر قاین (2) و همچنین از طرف کرمان به سپهدار (3) نوشته بود و آن ها نوشتجات او را بدار الخلافه فرستاده بودند خوانین سیستان طریقه اطاعت و انقیاد پیش گرفته صبیه ی نواب معز الدوله بهرام میرزا (4) را با تفنگ و اسباب سربازی روانه کرده اند و نسبت به حسن علی خان هم درست حرکت نموده لازمه ی احترام را در استقبال او بعمل آورده اند و از قراری که از نوشتجات حسن علی خان معلوم می شد گویا انشاء الله تعالی سایر تکالیف راهم قبول کنند و مخالفت ننمایند تا بعد از این از خود حسن علی خان چه خبر برسد (؟) البته اگر تا بحال کاغذی از آن طرف برای شما هم آمده باشد بزودی بفرستید و تفصیل حالات آن جا را آن چه مطلع می شوید بنویسید که بنظر مبارك برسد. موافق نوشتجات حسن علی خان باید صبیه نواب معز الدوله این اوقات به ارض اقدس رسیده یا قریب الورود باشد و اگر به سبب سردی هوا در راه ها معطل شده باشند باید هر وقت وارد شدند چون تفنگ و ملبوس سربازی را موافق نوشتجات خودتان در ارض اقدس هم لازم دارید هر قدر آورده اند تحویل گرفته در آن جا نگاه دارید و قبض رسیدگی آن ها را بدار الخلافه بفرستید و صبیه نواب

1- حاکم سیستان

2- امیر علم خان

3- میرزا محمد خان قاجار

4- یکی از دختران معز الدوله همسر علیخان سربندی رئیس طایفه ی سربندی سیستان بوده است. (معز الدوله از فرزندان عباس میرزا متوفی بسال 1299 ق) .

معز الدوله را بطور خوب روانه ی دار الخلافه نمائید و بقدر ضـرورت سوار و آدم هم همراه او بکنید که بسـلامت بدار الخلافه بیاورند و اگر بجهـة عزیمت طهران اخراجاتی هم لازم داشـته باشـد بدهیـد و صورت آن را بفرستید که از آن قرار بخرج شـما حواله خواهد آمد شـعبان 1275 با خط ناصرالدین شاه«صحیح است» پشت کاغذ - مهر دبیر الملك

ص: 139

عکس

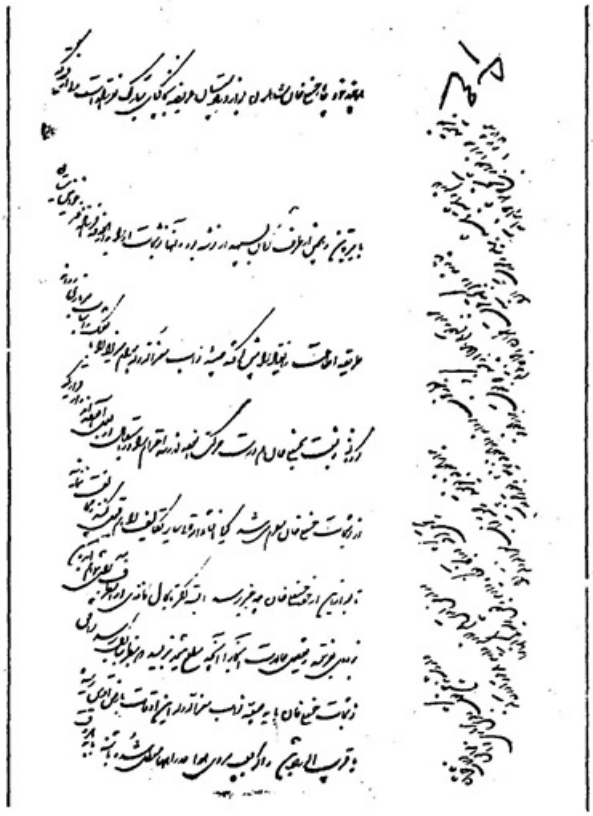

سند دوم دبیر الملك

سند دوم دبیر الملك

ص: 140

سند سوم

نامه دیگری از دبیر الملك به قوام الدوله درباره ی هرات .

نوشتجات هرات را فرستاده بودید تماماً از نظر انور همایونی گذشت، جواب جمیع آن ها بر حسب امر قدرقدر همایونی (1) مرقوم شده در جوف پاکت سـر بمهر در طی نوشـتجات شما ایفاد (2) و ارسال گشت و سواد آن ها هم علیحـده برای شـما فرسـتاده شد که بخوانید و از مضـمون آن ها مطلع شوید و جواب نوشتجات هرات را بهروسیله که : صلاح دانید برسانید و همیشه وقایع آن جا را بنویسید. شهر شعبان 1275 با خط ناصر الدین شاه «صحیح است »- پشت کاغذ مهر - دبیر الملك

1- در متن همیونی

2- در متن انفاد

عکس

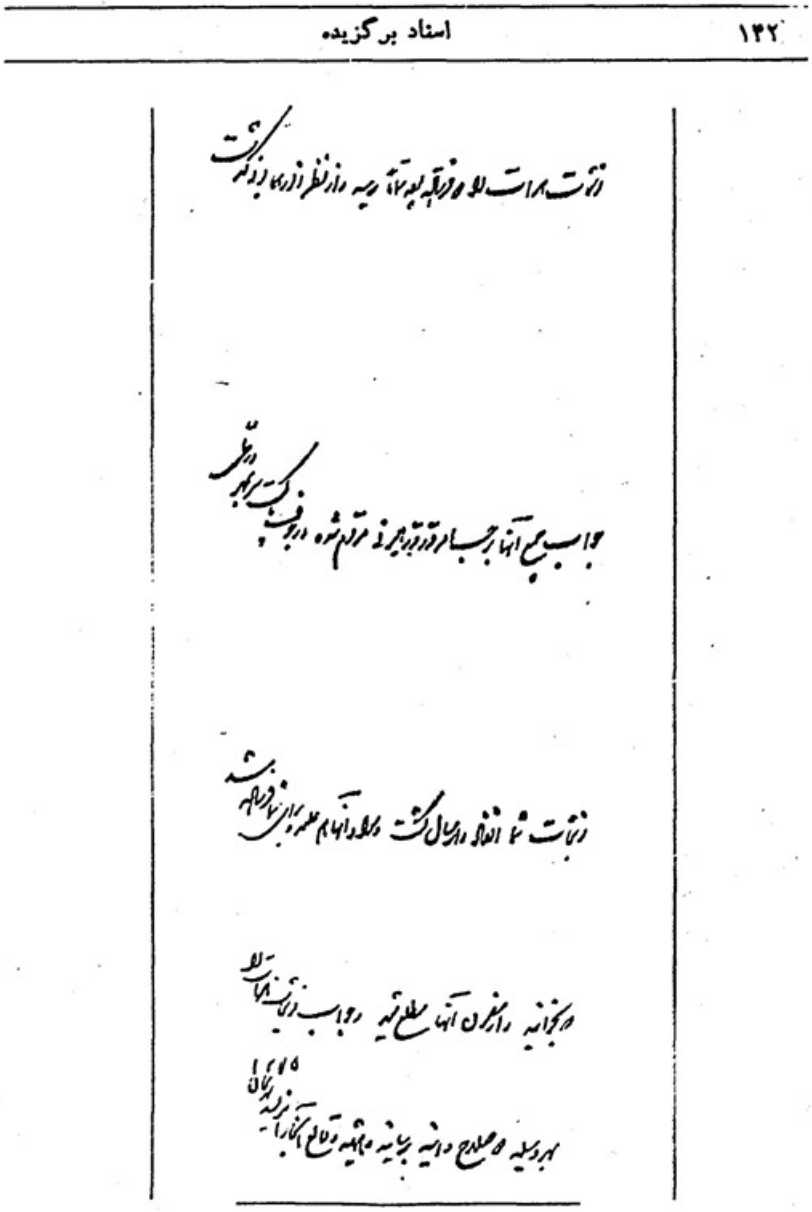

سند سوم دبیر الملك

سند چهارم

یادداشتی است از دبیر الملك (ولی نه با خط خود او) به قوام الدوله درباره ی فرستادن تپانچه برای سردار شاه نواز خان پسر سلطان احمد خان (1) فرمانروای هرات (تاریخ یادداشت نامعلوم ولی ظاهراً 1278ق می باشد .)

فدایت شوم - أمیر الامراء العظام معتمدالدوله جعبه طپانچه برای سردار شاهنواز خان پسر سردار سلطان احمد خان فرستاده کاغذی هم نوشته اند ، همان جعبه طپانچه را به محمود بیك داده کاغذ ایشان را هم در جوف پاکت خود گذاشتم باید انشاء الله تعالی هر کس به هرات می رود جعبه طپانچه و کاغذ را برای سردار شاه نواز خان فرستاده جواب رسیدگی آن را ارسال دارند که خدمت معتمد الدوله (2) بدهد ، معلوم است در این باب اهتمام خواهید فرمود.

پشت کاغذ- مهر دبیر الملك

1- سلطان احمد خان فرمانروای هرات بدولت ایران وفادار بود در 1279ق دوست محمد خان امیر کابل بتحریك انگلیس بر هرات تاخت و پس از ده ماه محاصره و جنگآن شهر را تصرف کرد و از آن تاریخ نفوذ دولت ایران بر هرات از میان رفت.

2- ظاهراً فرهاد میرزای معتمد الدوله بوده است

عکس

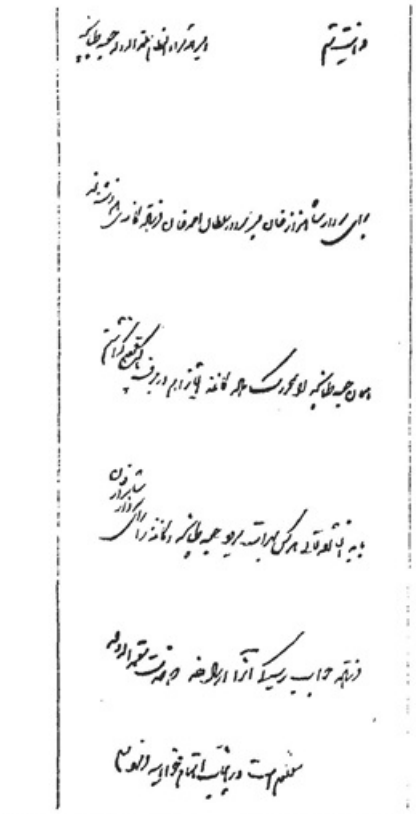

سند چهارم دبیرالملك

سند چهارم دبیر الملك

ص: 144

سند پنجم

نامه دیگر از دبیر الملک به قوام الدوله وزیر خراسان درباره مناسبات وی با حشمة الدوله والی خراسان .

تفصیلی که از مراتب حسن رفتار و مهربانی های نواب والا حشمة الدوله نسبت بخودتان نوشته از این معنی اظهار خوشنودی و امتنان کرده بودید، مراتب بعرض خاک پای مبارك رسیده مراتب طرز رفتار نواب معزی الیه زیاده از اندازه در پیشگاه حضور همایون مستحسن و مطبوع افتاد.

از آن طرف نواب والاحشمة الدوله هم از شما اظهار کمال رضامندی کرده بودند این نوع موافقت و رضامندی شما از یکدیگر که فی الحقیقه نتیجه و ثمرش پیشرفت خدمات عمده دیوانی است خیلی مرضی خاطر خطیر مبارك آمد، البته نواب معزی الیه با آن فرمایشات همایونی (1) که بالمشافهة الغلیه بایشان شده است و عقل و کفایتی که خودشان دارند همیشه این نوع حسن سلوك و موافقت را با شما مرعی خواهند داشت و شما هم البته بنحوی در اخلاص و ارادت نواب معزی الیه حرکت خواهید نمود که همیشه از شما خشنود باشند

حزرفی شهر شعبان 1275 - با خط ناصرالدین شاه - «صحیح است». پشت کاغذ - مهر - دبیر الملك.

1- در متن همیونی

عکس

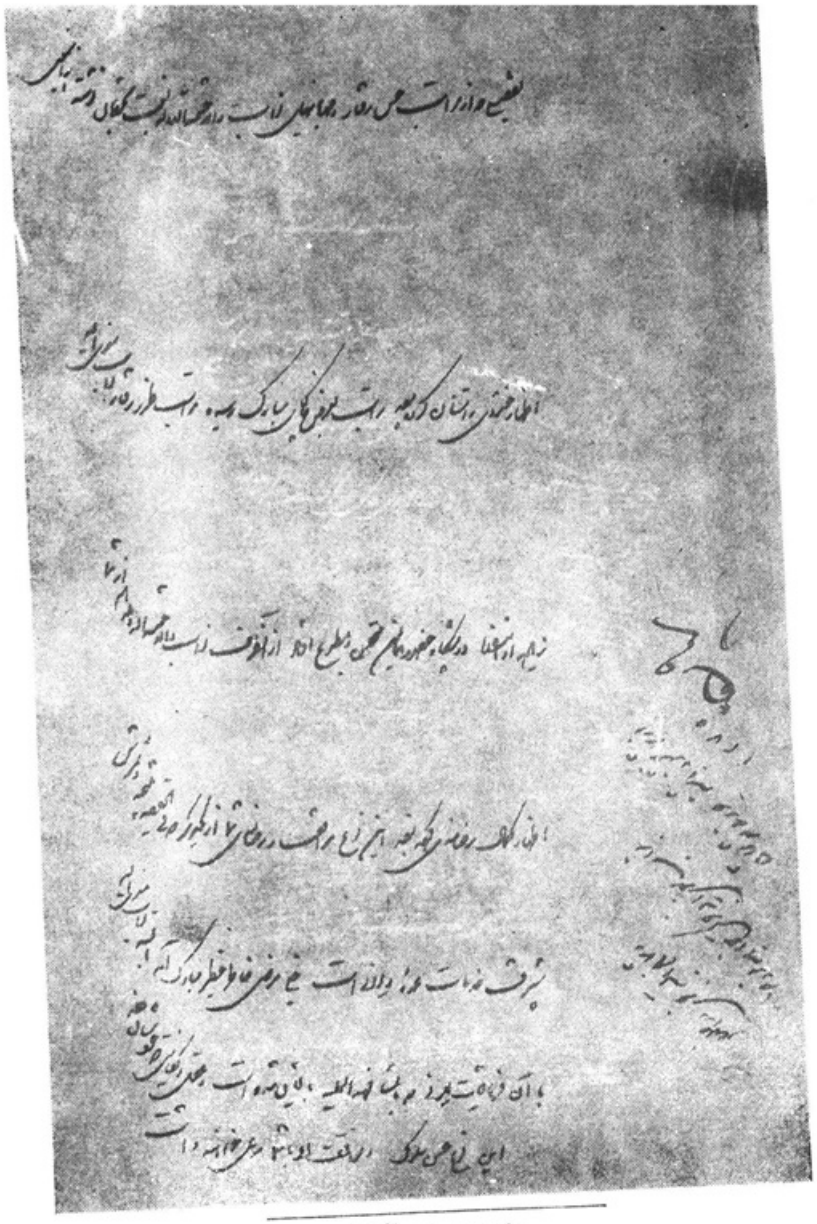

سند پنجم دبیر الملك

سند پنجم دبیر الملك

ص: 146

سند ششم

نامه ئی است از طرف دبیر الملك (با توشیح شاه) در باره کارهای گمرکی خراسان که به میرزا محمد قوام الدوله نوشته شده و یکی از اسناد قدیمی دوران قاجاریه درباره مقررات گمرک می باشد. (1)

چون عمـل کمرك ولایـات ممالك محروسه درست نظم و قراری که بایـد و لازم است نـدارد و باین جهت خالی از هرج و مرج و اختلال نیست و بدیوان اعلی هم از این بی نظمی ضـرر وارد می شود ، رأی جهان آرای ملوکانه این اوقات مصـروف و متعلق بر این است که قرار و قاعده درست و مضـبوطی در کل عمل کمرك ولایات گذاشـته شود که رفع آن اختلال و هرج و مرج گردیده ضرر و خسارات بدیوان اعلی وارد نیاید و دست تقلب مردم هم کوتاه گردد .

بنـابراین منظور و مقصود فرمـایش همایونی این است که از روی کمال دقت تحقیق شود و ملاحظه نماینـد بار متاعی که از ولایات خارجه بخراسـان وارد می شود چه در مشـهد بفروش برسـد و چه بولایـات دیگر حمل شود چه قـدر است (؟) و چنـد چیز است (؟) و همچنین متاعی که از محصول داخله ممالک محروسه بخراسان وارد می شود و آن چه از خراسان بولایات داخله حمل و نقل می شود .

همه ی این ها را مشـخص کرده صورت درست و مضـبوط بنویسـید به خاک پای مبارك بفرستیـد و این را هم در ضـمن آن صورت معین نمایند که گمرک این اجناس در راه داری آن ها هر باری چقدر در خراسان گرفته می شود و معمول آن الآن تا چه قدر است (؟)

تفصیل این فقره را بدون ابهام بنویسید که بعرض خاکپای همایون برسد.

فی 14 شهر شوال المکرم 1276 – با خط شاه «صحیح است»

1– گمرك در ایران پیشـینه ئی دیرین دارد در عهد نامه انوشیروان باژوستین امپراتور ررم (سال 561 – م) از عوارض گمرکی یاد شده است در عهدنامه ترکمانچای نیز نرخ عوارض گمرك اجناس روسی که به ایران وارد می شده بمأخذ صدی پنج یاد شده ولی روی هم مسئله گمرك پیش از دوران قاجاریه بصورتی ابتدائی بوده و در زمان قاجاریه اندک سـر و سامانی گرفت و در زمان ریاست مسـیونوز و دیگر کارشـناسان بلژیکی (که با سعی امین الدوله در عصر مظفرالدین شاه استخدام شدند)نظم و ترتیب نوینی یافت.

عکس

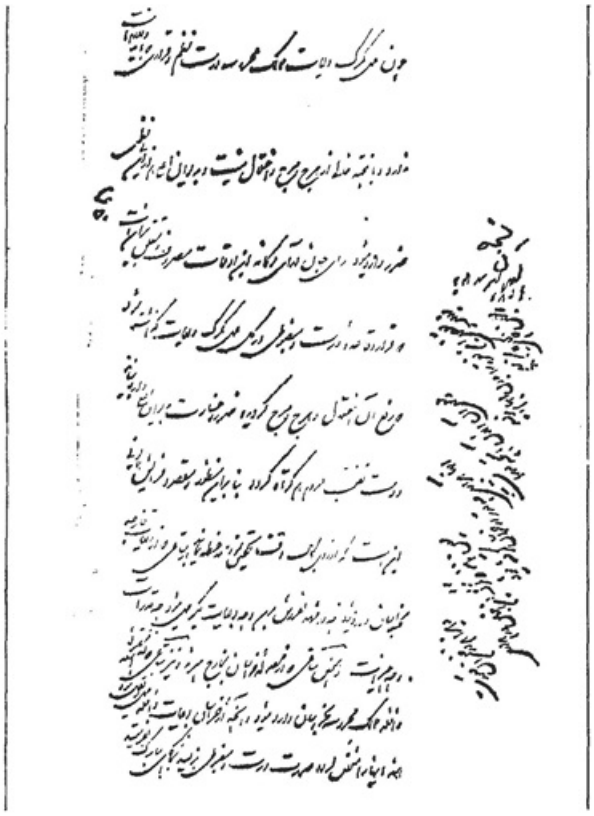

سند ششم دبیر الملك

سند ششم دبیر الملك

ص: 148

سند هفتم

نامه دیگر از طرف دبیر الملک برای قوام الداوه درباره ی تنظیمات افواج خراسان پیش از حادثه شکست مرو .

در باب یک هزار نفر سوار هم که مصلحت دانسته بودید ازین ایل هزاره برقرار شود که مشغول خدمت گذاری باشند این صوابدید شما در خاک پای مبارک خیلی پسندیده افتاد ولکن این که نوشته بودید سی صد و پنجاه نفر سواره جوین و بام و صفی آباد و اسفراین اخراج شود و عوض آن از سواره هزاره ی برقرار شود که شش صد و پنجاه نفر از سواره ی هزاره علاوه از دیوان مواجب داده شود در این باب از نواب حسام السلطنه (1) تحقیق شد ، ایشان بخاک پای مبارک این طور عرض کردند که: این سی صد و پنجاه نفر سواره ی جوین و اسفر این و بام و صفی آباد عوض مالیات آن جا است که بجای مالیات گرفته می شود اگر اخراج شوند وصول کردن مالیات آن جا اشکال دارد.

لهذا حکم محکم همایون این است که اگر این طور است شما سواره ی آن جا را اخراج نکنید و و از ایل هزاره بهمه جهت مطابق قرارداد سنه ی ماضیه همان هشتصد نفر سوار را برقرار و پادار کنید کفایت می کند والا اگر از اخراج کردن آن سواره عیب و نقص به مالیات وارد نمی آید و خللی در کار آن جا بهم ،نمی رسد هزار نفر سواره را از هزاره برقرار کنید و سوار جوین و اسفر این و بام و صفی آباد را اخراج کنید و طوری نشود که نوکر قدیمی دولت اخراج شود و آن ها هم پادار نباشد و بی معنی شود. می باید در نظم ایل هزاره و سواره ی آن ها کمال مراقبت داشته باشید که چنان که نوشته بودید آن ایل را حالا که بداخله ی مملکت آورده اند معمور و آباد شوند ، خودشان بکار رعیتی

و سوار شان بکار خدمت دولت بیایند ، البته لازمه اهتمام را در ایناب خواهید نمود

في شهر شعبان سند 1275 -«با خط ناصر الدین شاه «صحیح است»

1- سلطان مراد میرزا که قبل از حشمة الدوله والی خراسان بود

عکس

سند هفتم دبیر الملك

سند هفتم دبیر الملك

ص: 150

فهرست نام ها و لقب ها

ص: 151

فهرست نام ها و لقب ها

آقا (میرزا یوسف) مستوفی الممالک-...43-97

آقا میرزا محمد هاشم (مجتهد)... 104

آقا ابراهیم (امین السلطان)... 16

آقا نجفی (شیخ محمد تقی)... 84-98-104-119-123-126

الف

ابو قداره (حسین قلی خان والی پشتکوه)...79

ابو قداره(غلامرضاخان)...79

اتابك (میرزا علی اصغر خان)... 109-66

ادوارد براون (خاورشناس)... 41-40

اسفندیارخان (بختیاری)... 52-66

اعتماد السلطنه (محمد حسن خان)-...20-94-133

اقبال الدوله...12

اکبر مسعود (صارم الدوله)...41

الفت (اصفهانی)... 98

الکساندر دوم...46

الکساندر سوم...8

امام جمعه (اصفهانی)... 84-104-123

ام الخاقان... 31-34-35

امیر دیوان(مبرزا نبی خان)...8

امیر قائن (امیر علم خان)... 139-138

امیر کبیر-...26

امیر مجاهد (بختیاری) ...52

امیر نظام (گروسی)... 9

امیری (مهراب)... 52

امین الدوله(میرزاعلیخان) ...74-77-87-112-113-147

امین السلطان (آقا ابراهیم)... 13

امین السلطان(اتابك)... 63-64-111-112

امین الملك (شیخ اسماعیل خان)...110-112

امین الملك (فرخ خان كاشی).... 133

امین الملك (میرزا علیخان)...86-87-88

انوشیروان (ساسانی)...147

ب

بانو عظمی (خواهر ظل السلطان)...46

بهبهانی (سید عبدالله)... 84

بهرام میرزا (معز الدوله)... 138-139

بهلر (اتریشی)... 74

بیسمارك (سیاست مدار معروف آلمان)...90

ت

تالبوت (ماژر)...120

تیمور پاشاخان (ماكوئی)... 13-14

پ

پادری پاسكال (خلیفه ارامنه اصفهان)...128

ج

جعفر قلی...18

جمال الدین (افغانی)... 39

جمال الدین (واعظ)...39

جنرال فالكن هاگن... 9

جواد (حاجی میرزا جواد -مجتهد)...14

جواد طالشی بخشدار)... 18

جواهر کلام (علی) ...41

چ

چراغ علی خان (بختیاری)...61

ح

حاجی آقا نور الله (مجتهد)...98

حاجی حسن...26

حاجی سیاح...41

حاجی محمد رحیم (ورامینی)...96

حاجی محسن خان...29

حبیب الله خان (سر دسته دار)... 96

حسام السلطنه (سلطان مراد)... 43-45-136-149

حسام الملك (همدانی)... 62-66

حسن خان - 60

حسن علی خان (امیر نظام)... 9

حسنعلی خان (شاهسون) ...138

حسین (سپهسالار)... 8-10-11-14 و صفحات دیگر

حسین قلی خان (ایلخانی بختیاری)- ...49-50-51-52-55-60

حشمت الدوله (حمزه میرزا)... 134-136-145-149

خ

خان بابا خان..46

خزعل (شیخ)...65

خسرو خان (سردار ظفر)..65

خانوف (علی)...136

د

دبیر الملك میرزا محمد حسین (فراهانی) در بسیاری از صفحات

دبیر الملك (محمد حسین خان شیرازی)...133

دبیر الملك میرزا نصر الله خان (شیرازی)...133

در و مندولف (وزیر مختار)...126

دهقان سامانی...40

دوست محمد خان...138

ر

رحیم خان (طالشی)...18

رضا(حضرت)...21

رضا قلیخان (ایل بیگی)...65

رکن الدوله...21

رکن الملك (سلیمان) خان)...119-120

روساکف...46

ز

زعفران لو(امیر حسین خان)... 16

زناویف(وزیر مختار) ...43-46

زین العابدین خان (امیر افخم)...66

ژ

ژوستین (امپراتور)...147

ژولیوس رویتر... 8

س

ساعد الدوله (حبیب الله خان)... 52

سپهسالار(میرزا حسین خان- مشیر الدوله) در بسیاری از صفحات سراج الملك (اصفهانی)...123

سراج الملك (طهرانی)... 109-111-123

سر بندی (علیخان)...139

سردار اسعد (علیقلیخان)...52

سلطان احمد خان (افغانی)...143

سلطان احمد میرزا(عضدالدوله)...24

سلطان عبد الحمید(پادشاه عثمانی)...23

سلطان عبد العزیز (پادشاه عثمانی)...23

سلطان مراد(پادشاه عثمانی)... 23

ش

شاه شهید (ناصر الدین شاه)...108

شاهنواز خان (افغانی)... 144

شاه محمد خان ...27

شجاع الدوله (قوچانی).... 16

شعاع السلطنه (ملك منصور میرزا)..32

شکوه السلطنه... 31-32

شندلر(تلگرافچی)..20-22

شوریده (شیرازی)... 40

شیخ اسمعیل خان ...111

شیخ الاسلام عثمانی... 23

شیخ جابر...65

شیخ عبید الله... - 8-12-71-72

شیخ محسن خان...78-79-89-91

شیخ محمد باقر (مجتهد) ...-82-96

شیخ محمد تقی (آقا نجفی)...97-97-120-125

شیخ محمد تقی (پدر شیخ محمد باقر)...97

شیخ محمد علی (برادر آقانجفی) - 119

شیخ مزعل (شیخ محمره)... 57-65

ص

صاحب دیوان (فتحعلی)... 29-61

صارم الدوله (اکبر مسعود)...41

ص: 155

صادم الدوله (ابوالفتح خان)... 44-46-65

صالح عرب (سید)..82-83-84

صدری (سلیمان خان رکن الملك)...120

صفائی(ابراهیم)...4-112-126

صمصام السلطنه (نجف قلی)..52

ط

طامسن (وزیر مختار)...29

ظ

ظل السلطان (سلطان مسعود میرزا)در بیشتر صفحات

ع

عباس میرزا (ملك آرا)... 25-26-34

عباس میرزا(نایب السلطنه)...21-134

عبدالله میرزا..87

عبد العظیم خان... 11

عزت الدوله... - 13-32-34-35-36

عضد الدوله (سلطان احمد)...24

علاء الدوله (محمد رحیم خان)... 50

علاء الملك(میرزا محمود خان)... 4

کنی (حاجی ملا علی (مجتهد) 84

علیلقی خان (سردار اسعد)...66

عمید السلطنه (طالش)...18

عین الدوله (عبد المجید)... 24-112

غ

غلام رضاخان (والی پشتگوه)...79

ف

فالکن هاگن ..9

فتحعلی شاه.. 24-84-97

فخر السلطنه...35

فخری بیگه (سفیر عثمانی)...90

فرمان فرما (فیروز میرزا)... 56-65

فرمان فرمائیان (عبد الحسین)...65

فرهاد میرزا (معتمد الدله)... 143

فشار کی(ملا باقر مجتهد)... 119

ق

قائم مقام (میرزا ابو القاسم)...128

قاجار (میرزا محمد خان)... 139

قلیچ خان (ترکمان)...51-52

قمر الدوله...35

قمر السلطنه...83

قوام الدوله آشتیانی ...-129-136-147

قوام السلطنه (احمد قوام) ...136

ک

کامران میرزا... - 40-52-65

کرزن (لرد)... 40-41

کریمخان(میرپنج)... 57-119-120

کمیل (سفیر انگلیس در عثمانی)... 25-26

کنی(حاجی ملاعلی مجتهد)...84

ل

لرد در بی...9

لرد کرزن... 40

لرد کولی ...128

ص: 156

م

محسن - (شیخ محسن خان =معین الملك) ...23- 25-26-29

محمد حسن خان... 64-74-75

محمد حسین (میر) مجتهد... 60-82-83

محمد شاه (قاجار) ...97

محمد علی میرزا (شاه)... 32-35

مخبر المدوله (علیقلیخان) ...20-21

مسعود (اکبر = صادم الدوله)...41

مسعود (اصغر)... 4

مسعود (ظل السلطان)در برخی از صفحات

مشیر الدوله (شیخ محسن خان)... 91

مشیر الدوله(میرزا حسین خان - سپهسالار) ...8-12-13 و - برخی دیگر از صفحات

مشیر الملك (حبیب الله خان)... 93-94

مصطفی فلیخان ... 87

مظفر الدین میرزا (شاه)... 12-31-32-40-65-108-111-112-147

مظفر الملك (محسن خان)... 62-66

معتمدالدوله (فرهاد میرزا)...56-138

معتمد السلطنه(میرزا ابراهیم -مستوفی)...136

معتمد الملك (یحیی خان)...12-13

معز الدوله (بهرام میرزا)... 138-139

ملك المتکلمین (واعظ) ...39

مؤتمن الملك (میرزا سعید خان) ...133

میرزا محبعلی (مهندس)... 29 -30

میر قلیچ... 58

ن

ناصر الدین شاه (قاجار) در بیشتر صفحات

ناصر الملك(محمود خان قراگزلو)...18-91-94

نایب السلطنه (کامران میرزا)... 58

نجفقلی خان (صمصام السلطنه)... 52

نصرت الدوله (فیروز میرزا)... 65

نصرت الله خان طالش (عمید السلطنه)...18

نوز (بلژیکی)... 147

نیك پي (اعزاز)... 120

و

واگنر (ژنرال)...40-58-65- 66

والی (حسین قلی خان ابو قداره)... 79

وثوق الدوله (حسن وثوق)... 136

وزیر اعظم (میرزا علی اصغر خان اتابك) ...66

وزیر علوم (اعتضاد السلطنه)... 20

وکیل الدوله میرزا محمد خان) ...112

ولیعهد (مظفر الدین میرزا)... 12-31-57

ه

هدایت (علیقلی خان)... 21

ی

یحیی خان (معتمد الملك)... 12-34-35

یوسف (میرزا) مستوفی الممالك..... 46

ص: 157

تصحیح اغلاط

متأسفانه در چاپ این کتاب اشتباهاتی روی داده که بشرح ذیل تصحیح می شود ، از خوانندگان محترم پوزش می خواهد و خواهشمند است غلط ها را مطابق این فهرست اصلاح فرمایند .

نادرست درست

صفحه ....3 سطر آخر- به ارزش این به ارزش

صفحه... 18 سطر دوم زیر نویس استبداری استبدادی

صفحه...20 سطر پنجم زیر نویس سپهسار سپهسالار

صفحه... 21 سطر یکم تلگرافچی های انگلیسی تلگرافچی های اتریشی

صفحه... 23 سطر یازدهم کونسیتسیون کنستیتوسیون

صفحه... 33 سر صفحه سند هفتم سند سیزدهم

صفحه... 35 سر صفحه اسناد چهاردهم سند چهاردهم

صفحه ...41 سطر یازدهم 14 سند 20 سند

صفحه... 59 سطر دوم رقم (15) زائد است

در زیر نویس صفحه 66 - توضیحات 15-16-17 - مربوط به ارقام (16) صفحه 60 و (17) و (18) صفحه 61 می باشد و زیر نویس تکراری (18) در باره یمظفر الملك است.

صفحه... 111 - سطر آخر رقم (9) زائد است .

ضمناً بر اثر اشتباه چاپخانه در چاپ چند سند هم رعایت توالی تاریخ اسناد نشده است.

ص: 158

درباره مرکز

بسمه تعالی

جَاهِدُواْ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

با اموال و جان های خود، در راه خدا جهاد نمایید، این برای شما بهتر است اگر بدانید.

(توبه : 41)

چند سالی است که مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه موفق به تولید نرم‌افزارهای تلفن همراه، کتاب‌خانه‌های دیجیتالی و عرضه آن به صورت رایگان شده است. این مرکز کاملا مردمی بوده و با هدایا و نذورات و موقوفات و تخصیص سهم مبارك امام علیه السلام پشتیباني مي‌شود.

براي خدمت رسانی بیشتر شما هم می توانید در هر کجا که هستید به جمع افراد خیراندیش مرکز بپیوندید.

آیا می‌دانید هر پولی لایق خرج شدن در راه اهلبیت علیهم السلام نیست؟

و هر شخصی این توفیق را نخواهد داشت؟

به شما تبریک میگوییم.

شماره کارت :

6104-3388-0008-7732

شماره حساب بانک ملت :

9586839652

شماره حساب شبا :

IR390120020000009586839652

به نام : (موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه)

مبالغ هدیه خود را واریز نمایید.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک 129/34- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 88318722 ـ 021

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109

مرکز تحقیقات رایانه‌ای
قائمیه
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹